توانمندی
تقویه جامعه مدنی در افغانستان

ADWRO

ابتکار سنجش میزان خشونت علیه زنان

تمویل کننده : توانمندی [Tawanmandi]

تطبیق کننده : موسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان [ADWRO]

توانمندی
تقویه جامعه مدنی در افغانستان

توانمندی
تقویه جامعه مدنی در افغانستان

ADWRO

مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان

پروژه توانمندی

ابتکار سنجش میزان خشونت علیه زنان

تمویل کننده: توانمندی(TAWANMANDI)

تطبیق کننده: مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان (ADWRO)

مشخصات گزارش:

عنوان: سنجش میزان خشونت علیه زنان

گردآوری: عصمت‌الله حیدری

همکاری: انوشه صافی

تاریخ: خزان 1393

مکان: مزارشریف، بلخ، افغانستان

تیراژ: 1200 جلد

... وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...

...با زنان به صورتی نیکو و شایسته رفتار کنید...

(آیه 19 / النساء)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	۱
مقدمه	۲
مبحث اول: بلخ	۵
گفتاراول: وضعیت عمومی	۵
گفتاردوم: زنان ومعارف	۵
الف: اجازه رفتن به مکتب	۵
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان	٦
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان	٦
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان	٦
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری	۷
الف: سن ازدواج دختران	۷
ب: طویانه وپیامدها	۷
ج:زنان بیوه ونان‌آور	۸
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان	۹
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان	۹
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت‌وشریک سازی خشونت بانهادهای عدلی	۱۱
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان	۱۱
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان	۱۲
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان	۱۳
الف: تغییروضعیت زنان	۱۳
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان	۱۳
مبحث دوم: بغلان	۱٤
گفتاراول: وضعیت عمومی	۱٤
گفتاردوم: زنان ومعارف	۱٤
الف: اجازه رفتن به مکتب	۱٤
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان	۱٤
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان	۱۵
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان	۱۵
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری	۱۵
الف: سن ازدواج دختران	۱۵

ب: طویانه وپیامدها ۱۶
ج:زنان بیوه ونان‌آور ۱۷
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ۱۸
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ۱۸
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت‌وشریک‌سازی خشونت بانهادهای عدلی ۲۰
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ۲۱
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ۲۲
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ۲۲
الف: تغییروضعیت زنان ۲۲
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ۲۲
مبحث سوم: فاریاب ۲۳
گفتاراول: وضعیت عمومی ۲۳
گفتاردوم: زنان ومعارف ۲۳
الف: اجازه رفتن به مکتب ۲۳
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ۲٤
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان ۲٤
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ۲۵
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ۲۵
الف: سن ازدواج دختران ۲۵
ب: طویانه وپیامدها. ۲۵
ج:زنان بیوه ونان‌آور ۲٦
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ۲۷
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ۲۷
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ۲۹
د: راهکارهای مبارزهب اخشونت علیه زنان ۳۰
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ۳۱
الف: تغییروضعیت زنان ۳۱
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ۳۱
مبحث چهارم: جوزجان ۳۲
گفتاراول: وضعیت عمومی ۳۲
گفتاردوم: زنان ومعارف ۳۲
الف: اجازه رفتن به مکتب ۳۲
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ۳۲
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان ۳۳

د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ۳۳
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ۳۳
الف: سن ازدواج دختران ۳۳
ب: طویانه وپیامدها ۳۳
ج:زنان بیوه ونان‌آور ۳٤
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ۳۵
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ۳۵
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت‌وشریک سازی خشونت بانهادهای عدلی ۳٦
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ۳٦
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ۳۷
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ۳۷
الف: تغییروضعیت زنان ۳۷
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ۳۸
مبحث پنجم: سمنگان ۳۸
گفتاراول: وضعیت عمومی ۳۸
گفتاردوم: زنان ومعارف ۳۹
الف: اجازه رفتن به مکتب ۳۹
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ۳۹
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان ۳۹
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ٤۰
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ٤۰
الف: سن ازدواج دختران ٤۰
ب: طویانه وپیامدها ٤۰
ج:زنان بیوه ونان‌آور ٤۱
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ٤۲
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ٤۲
ب: آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی‌کننده به خشونت علیه زنان ٤۳
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ٤٤
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ٤٤
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ٤۵
الف: تغییروضعیت زنان ٤۵
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ٤۵
مبحث ششم: سرپل ٤٦
گفتاراول: وضعیت عمومی ٤٦

گفتاردوم: زنان ومعارف ٤٦
الف: اجازه رفتن به مکتب ٤٦
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ٤٧
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان ٤٧
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ٤٧
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ٤٨
الف: سنازدواج دختران ٤٨
ب: طویانه وپیامدها ٤٨
ج:زنان بیوه ونان‌آور ٤٩
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ٥٠
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ٥٠
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت‌وشریک سازی خشونت بانهادهای عدلی ٥١
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ٥٢
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ٥٣
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ٥٣
الف: تغییروضعیت زنان ٥٣
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ٥٣
مبحث هفتم: بدخشان ٥٤
گفتاراول: وضعیت عمومی ٥٤
گفتاردوم: زنان ومعارف ٥٤
الف: اجازه رفتن به مکتب ٥٤
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ٥٤
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان ٥٥
د: راهکارمبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ٥٥
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ٥٥
الف: سن ازدواج دختران ٥٥
ب: طویانه وپیامدها ٥٥
ج:زنان بیوه ونان‌آور ٥٦
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ٥٧
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ٥٧
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت‌وشریک سازی خشونت بانهادهای عدلی ٥٨
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ٥٨
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ٥٩
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ٦٠

الف: تغییروضعیت زنان ٦٠
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ٦٠
مبحث هشتم: نتایج عمومی ٦٠
گفتاراول: وضعیت عمومی ٦٠
گفتاردوم: زنان ومعارف ٦١
الف: اجازه رفتن به مکتب ٦١
ب: خشونت علیه دانش‌آموزان ٦١
ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث ٦١
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه دانش‌آموزان ٦٢
گفتارسوم: سن ازدواج،طویانه ونان‌آوری ٦٢
الف: سن ازدواج ٦٢
ب: طویانه وپیامدها ٦٢
ج: زنان بیوه ونان‌آور ٦٣
گفتارچهارم: خشونت علیه زنان ٦٤
الف: وضعیت وعلل خشونت علیه زنان ٦٤
ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت وشریک سازی خشونت بانهادهای عدلی ٦٥
ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی درامرمبارزه باخشونت علیه زنان ٦٦
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ٦٦
د: راهکارهای مبارزه باخشونت علیه زنان ٦٧
گفتارپنجم: بهبودوضعیت زنان ٦٨
الف: تغییروضعیت زنان ٦٨
ب: سهم مؤسسات دربهبودنقش زنان ٦٨
مبحث نهم: راهکارها ٦٨

تقریظ

دافغانستان د حقوق پوهانو تولنه

اتحادیه حقوقدانان افغانستان

شماره: .....
تاریخ: / /

S/No: .....
Date: / /

Lawyers Union of Afghanistan

اتحادیه حقوقدانان افغانستان به عنوان کانون گرم دانش‌آموخته‌گان حقوق از سال 1364 تا الحال به عنوان یک اداره مستقل و خودجوش کارمندان دانشمند و مجرب نهادهای دولتی و غیردولتی ذیدخل در تأمین حق و عدالت، فعالیت نموده و فرصت‌های ارزشمندی را برای حقوق آموخته‌گان فراهم کرده است. دیدگاه این اتحادیه پیرامون گزارش تحقیقی «ابتکار سنجش میزان خشونت علیه زنان» اجراء شده توسط مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان چنین است:

خوشبختانه ملت عزیز افغانستان پس از زدودن ابرهای سیاه جهالت و کهولت استعمار و استثمار تاریخ، با تدوین و تصویب قانون اساسی جدید و ایجاد حکومت انتخابی و مردمی؛ بار دیگر کمر همت برای تعالی و ترقی اندیشه بسته اند. خوشبختانه با اصلاحات لازم در نهادهای عدلی و قضایی و دانشگاهی؛ تحقیق، روش تحقیق و تحقیق میدانی موقعیت متکاملتری در جامعه عدلی و قضایی، تحصیلی و جامعه مدنی افغانستان پیدا نموده است. تحقیق هذا که در دسترس اتحادیه حقوقدانان افغانستان قرار گرفته است؛ یکی از الگوهای دیگر در عرصه تحقیق و تحقیق میدانی در امر توصیف وضعیت زنان، تبیین علل و عوامل خشونت علیه زنان، کمیت مشکلات و چالش ها فرا راه زنان افغان و کیفیت خدمات و تغییرات برای حمایت از حقوق زنان در هفت ولایات شمال و شمال شرق کشور میباشد. اتحادیه حقوقدانان افغانستان گزارش تحقیقی مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان را مطالعه نموده و محتویات آن را خیلی غنی، منسجم و فراگیر یافته، به نحوی که مسایل مختلف مربوط به زنان را بررسی و بیان کرده است. گرچه در شرایط امروزی راه‌اندازی سروی (تحقیق میدانی) از توان هر مؤسسه و نهادی نیست، بلکه مستلزم توانایی، مدیریت، تجربه و ظرفیت علمی میباشد که مؤسسه مجری این تحقیق، حایز شرایط فوق بوده و به خوبی توانسته با کادر علمی و متخصص خویش، این برنامه بزرگ را عملی و تدوین نماید. این اتحادیه روش تحقیق و اهمیت محتویات گزارش تحقیقی را تصدیق نموده و آنرا یکی از آثار علمی و کاربردی برای جامعه علمی و عدلی و قضایی دانسته و آرزومند استفاده محتویات آن در تدوین برنامه های عملی و انکشافی در ادارت دولتی و غیردولتی میباشد. این اتحادیه موفقیت های مزیدی برای مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان، دست اندرکاران پروژه تحقیق و سازمان تمویل کننده این پروژه (توانمندی) آرزو دارد.

با احترام

به اجازه

عبدالغیور غیور
رئیس اتحادیه حقوقدانان افغانستان

ddress:
pp: 1, Second floor, Iqbal Amiri plaza,
ir port highway, near Salim karwan
aza, Kabul. Afghanistan

lawyers_union@yahoo.com
afg.lawyers.union@gmail.com
+93 79 864 4400
+93 70 023 5462

س:
تمان شماره ۱، منزل اول، اقبال امیری پلازا
یک سلیم کاروان پلازا
ل . افغانستان

چکیده

تحقیق «سنجش میزان خشونت علیه زنان» اهمیت خاصی برای راه‌اندازی برنامه‌های دولت و مؤسسات جامعه مدنی دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که؛ اکثریت مردم (**۸۷.٦٦۹۵۵**٪) به دختران شان اجازه رفتن به مکتب را می‌دهند و فقط تعداد محدودی (**۱۲.۳۳۰٤۵**٪) آن به دختران شان چنین اجازه‌ای را نداده و علل بزرگ آنرا در «ناامنی» و «عرف و عادات جامعه» می‌دانند. اکثریت مردم (**۹۰.۹۳۷۹۵**٪) اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب را رد کرده ولی تعدادی از شهروندان (**۹.۰٦۲۰٤۹**٪) شاهد خشونت‌های فوق بوده‌اند،آنها مهم‌ترین انواع خشونت‌های مورد اعمال در مکاتب را «اعمال تبعیض در نمره‌دادن» و «لت‌وکوب» نام برده، علل اساسی اعمال چنین خشونت‌ها را در «بی‌اعتقادی به حقوق زنان» و «ناآگاهی از حقوق زنان» دانسته و بهترین راهکارهای مبارزه با آن را «تدویر برنامه‌های آموزشی در خصوص رفتار با دانش‌آموزان» معرفی کرده‌اند. اکثریت شهروندان در سنین قانونی (**۱٦، ۱۷، ۱۸** سالگی و بالاتر از آن) ازدواج می‌کنند ولی هنوز هم ازدواج‌های زیرسن **۱۵.۷۰۸۰۷**٪ کل نظریات مصاحبه‌شونده‌ها احتوا می‌نماید و مردم نرخ‌های رایج طویانه‌ها را «**۳** تا **٦** لک افغانی» و «**۱** تا **۳** لک افغانی» معرفی کرده ولی هنوز هم نرخ‌های (**٦** تا **۱۵** لک افغانی) **۲۵.۸۳۹۵۱**٪ کل نظریات مصاحبه‌شونده‌ها را شامل می‌گردد. تعداد زیادی از شهروندان (**۸۹.٤۰۱۱۵**٪ مصاحبه‌شونده‌ها) سفر جوانان به خارج از کشور برای تأمین هزینه‌های طویانه‌های بلند را تأیید نموده و فقط **۱۰.۵۹۸۸۵**٪ آنان چنین مسئله‌ای را رد کرده و بزرگترین پیامد طویانه‌های بلند «خشونت‌های خانوادگی» معرفی شده‌است.قابل تذکر است که در خانواده‌ها بین **۱** تا **۸** نفر و بطور متوسط در هر خانواده **۱.۷۹** نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد. تمام خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها دارای **۵٦٦۵** نفر زن بیوه (تشکیل دهنده **٤.۵٦۳۷۲۷**٪ کل اعضای خانواده‌هایمصاحبه‌شونده‌ها و **۹.٤٦۰۲۷۲**٪ زنان اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها)، **۳۹۰۱** نفر زن نان‌آور (**۳.۱٤۲٦٤۸**٪ کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها و **٦.۵۱٤٤۷۸**٪ زنان کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها را تشکیل می‌دهد) و **٦۵۳۲** نفر زن دهقان‌کار (**۵.۲٦۲۱۸۳**٪ کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها و **۱۰.۹۰۸۱۲**٪ زنان کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها را تشکیل می‌دهد) می‌باشد.اکثریت مصاحبه‌شونده‌ها (**۵۸.٤۱۲۷**٪) اعمال خشونت علیه زنان را رد و **٤۱.۵۸۷۳**٪ آنان اعمال خشونت‌های فوق را تأیید نموده و رایج‌ترین نوع خشونت علیه زنان را «لت‌وکوب» معرفی کرده‌اند. علاوه بر آن؛ **۷٦.۲٤۰۹۸**٪ مصاحبه‌شونده‌ها افزایش خشونت علیه زنان را رد و **۲۳.۷۵۹۰۲**٪ آنان، این مسئله را تأیید و مهم‌ترین علل افزایش خشونت علیه زنان را در «فقراقتصادی» و «بیکاری» دانسته‌اند. اکثریت مردم (**۸٦.۲۳۳۷۷**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) می‌دانند که زنان متضرر خشونت به کجا مراجعه نمایند و **۱۳.۷٦٦۲۳**٪ آنان، این معلومات را نداشته و دارندگان معلومات فوق، «قریه‌دار و ولسوالی» را اداره‌ی معرفی کرده که زنان متضرر خشونت معمولاً به آنجا مراجعه می‌نمایند. اکثریت مصاحبه‌شونده‌ها (**۵۱.۳۹۲۵**٪) زنان را در شریک‌سازی مشکلات شان به نهادهای عدلی و قضایی بی‌علاقه و بی‌اعتماددانسته و **٤۸.٦۰۷۵**٪ آنان چنین بی‌علاقه‌گی و بی‌اعتمادی را رد کرده‌اند و جدی‌ترین عامل چنین بی‌علاقه‌گی و بی‌اعتمادی زنان، «شرم زنان از مراجعه به دولت» بیان شده‌است. اکثریت شهروندان ولایات (**۷۳.۰۷۳۵۹**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) شاهد فراهم‌آوری خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان نبوده ولی تعدادی (**۲٦.۹۲٦٤۱**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) شاهد خدمات مؤسسات فوق بوده و مهم‌ترین خدمت آنها را «مشوره حقوقی رایگان» بیان کرده‌اند. به همین ترتیب، اکثریت شهروندان (**۸۸.٤۷۷٦۳**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) شاهد خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر نبوده ولی عده‌ای (**۱۱.۵۲۲۳۷**٪) شاهد خدمات آن مؤسسات بوده و بهترین خدمت آنها را «مشوره‌دهی حقوقی» بیان کرده‌اند. شوراهای انکشافی نیز از نهادهای است که اکثریت مصاحبه‌شونده‌ها (**۷۵.۹۵۲۳۸**٪) خدمات ایشان برای زنان و دختران آسیب‌پذیر را ندیده ولی تعدادی از آنان (**۲٤.۰٤۷٦۲**٪) خدمات این شوراها را دیده و مهم‌ترین خدمت آنها را «وساطت و میانجی‌گری» معرفی کرده‌اند. اکثریت شهروندان (**۹۲.٤۳۸۷٦**٪) مؤید تغییر در زندگی زنان بوده و ارزشمندترین تغییر را «رفتن دختران به مکتب» معرفی کرده، اکثریت شهروندان (**٦۱.۲٦۹۸٤**٪) سهم مؤسسات را در تجسم نقش زنان در جامعه رد وتعدادی هم (**۳۸.۷۳۰۱٦**٪) آن راتأیید کرده

و مهم‌ترین فعالیت آنها را «راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان» بیان نموده‌اند. قابل تذکر است که بهترین راهکار از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها برای مبارزه با خشونت علیه زنان «آگاهی‌دهی دینی – حقوقی از طریق مساجد» دانسته شده است.

مقدمه

الف:طرح تحقیق

خشونت علیه زنان یکی از پدیده‌های شوم در جامعه افغانی است که با گذشت هر لحظه‌ی تأثیرات زشت خود را بر پیکر جامعه رنجور ما گذاشته و از چشمه‌سارهای محبت و همزیستی خانواده‌ها به شدت می‌کاهد. باوجودیکه خشونت علیه زنان به اساس قوانین جزایی افغانستان جرم‌انگاری شده‌است ولی هنوز هم شهروندان زیادی را به کانون بدبختی، عقب میله‌های زندان و پرتگاه عذاب‌های جانسوز تحویل می‌دهد. پس از سقوط حکومت جبار طالبان؛ زمینه‌های دسترسی شهروندان افغانستان به رسانه‌های آزاد، پیدایش نهادهای جامعه مدنی و دادخواه، ظهور چهره‌های متفکر و انسان‌دوست و تغییر ذهنیت‌ها پیرامون حقوق بشر، باعث آن شد که مردم صدای خشونت‌های اعمال شده بر خویش و هم کیش را به گوش‌های جهان و آسمان برسانند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان به همکاری جامعه جهانی طرح‌های بزرگی را برای تقویت نقش زنان در فرایندهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی، بهبود وضعیت زنان به ویژه کاهش نرخ خشونت علیه زنان، رعایت عدالت جندر در فرایندهای مختلف و رهانیدن زنان از چنگال‌های عرف و عادات زشت اجتماعی ریختند و برنامه‌های را عملی کردند، ولی هر روز شاهد ارتکاب خشونت دیگری علیه زن هستیم و گزارش‌های تحقیقی و رسانه‌ی نیز بیانگر افزایش نرخ ارتکاب خشونت علیه زنان و شدت نحوه ارتکاب آن می باشد. قابل یادآوری است که؛ افزایش خشونت علیه زنان نسبت به سایر بخش‌های افغانستان، در زون شمال و شمال شرق بیشتر فزاینده و پرسش برانگیز بوده و بیشتر اوقات سرخط اخبار رسانه‌های افغانستان و جهان را تغذیه می‌کند. شناسایی خوبی‌ها و بدی‌های پدیده‌های اجتماعی (اعم از خوب و بد) نیاز به علت شناسی دارد تا با راه‌اندازی تحقیقات علمی علل آن پدیده‌ها معرفی گردیده و برای تقویت یا نابودی آنها، برنامه‌های دیگری روی‌دست گرفته شود. خشونت فزاینده علیه زنان که ریشه در عمق عرف و عادات جامعه و برداشت‌های غلط از زن و زندگی دارد؛ محتاج کاوش و علت شناسی است که در روشنایی آن می‌توان به علت ارتکاب خشونت علیه زنان پی‌برد و برای نابودی آن برنامه‌های را در بسترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عدلی و قضایی و حقوقی طرح و عملی کرد. انواع مختلف خشونت علیه زنان در زون‌های شمال و شمال‌شرق بر زنان و دختران اعمال می گردد که بیشترین بخش آن‌را ازدواج‌های زیرسن، ازدواج‌های اجباری، طویانه‌های بلند، ممانعت از تحصیل و ازدواج با بیش از یک زن تشکیل می‌دهد.

مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان با درک مسئولیت‌های انسانی، دینی و سازمانی خویش بر آن شد تا برای معضله «خشونت علیه زنان در شمال و شمال‌شرق» فکری کند و طرحی بریزد. بلاخره این مؤسسه با مشاوره‌های مستمر با «هیئت مشورتی» این مؤسسه،تصمیم راه‌اندازی سروی سنجش میزان خشونت علیه زنان را اتخاذ کرد. در این تحقیق علاوه بر توجه پیرامون نرخ خشونت‌های اعمال شده علیه زنان، وضعیت سواد و معارف در زندگی زنان، دسترسی زنان به عدالت، نقش مؤسسات جامعه مدنی در کاهش میزان خشونت علیه زنان و طویانه‌های بلند، بر علل و عوامل خشونت علیه زنان، راهکاری‌های لازم برای مبارزه با خشونت علیه زنان و بهبود وضعیت آنان تأکید خاصی دارد.

ب: پیشینه تحقیق

خشونت علیه زنان یک پدیده عام و اصطلاح سر زبان‌ها می‌باشد که هر مؤسسه، نهاد، رسانه، مبلغ و هر فرد جامعه روزانه با این اصطلاح و سایر اصطلاحات بیانگر نوعی از خشونت علیه زنان درگیر است. گرچه کارهای زیادی در مورد خشونت علیه زنان صورت گرفته ولی تحقیقات علمی پیرامون موضوع کم مشاهده شده‌است،در اینجا به مهم‌ترین موارد آن می پردازیم که امتیاز اساسی آن به کمیسیون مستقل حقوق‌بشر افغانستان بر می‌گردد:تحقیقی تحت عنوان «بررسی علل و عوامل قاچاق زنان و اطفال در افغانستان» توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال 1390صورت گرفته است که کتاب معلوماتی مهمی در عرصه علت‌شناسی قاچاق و سؤاستفاده جنسی زنان می باشد. این تحقیق بیانگر ثبت 452 مورد قاچاق زنان و اطفال می باشد که 278 مورد آن شامل زنان و دختران می شود. به همین ترتیب؛ کمیسیون مستقل

حقوق بشر افغانستان در نیمه اول سال 1392 تحقیق دیگری را تحت عنوان «خشونت علیه زنان در افغانستان» انجام داده است که دال بر ثبت 4154 مورد خشونت علیه زنان در این کمیسیون بوده و افزایش 24.7 درصدی را نسبت به سال‌پار نشان می‌دهد. از میان تعداد مذکور؛ 1249 مورد آن را انواع خشونت فزیکی علیه زنان تشکیل می دهد. گزارش‌های رسانه ها نیز دال بر افزایش خشونت علیه زنان در شمال افغانستان بوده که فجیع‌ترین موارد آن در ساحات مذکور اتفاق می‌افتد. گزارشی تحت عنوان «پرنده بال‌شکسته: تاریخ شفاهی زنان افغان 1978 - 2008»[1] توسط سازمان ملل متحد برای زنانارایه گردیده که آشکارکننده سرگذشت واقعی زنان افغان است و«من باید از خانه فرار می‌کردم»[2] تحقیق شده توسط دیده‌بان حقوق‌بشر نیز تأکید خاصی بر زندانی‌سازی زنان برای ارتکاب جرایم‌اخلاقی و به ویژه فرار از منزل است.

ج: اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق عبارت اند از:

1. سروی خانه به خانه: شناسایی میزان و عوامل خشونت علیه زنان و راهکارهای مبارزه با آن از طریق راه‌اندازی سروی خانه به خانه در 21 ولسوالی 7 ولایات شمال و شمال‌شرق.[3]
2. تدوین و چاپ گزارش: تدوین نتایج سروی انجام‌شده به شکل گزارش‌تحقیقی به زبان‌های دری و انگلیسی، طبع آن به تعداد 1200 نسخه و توزیع آن به نهادهای عدلی و قضایی، تحصیلی و علمی، نهادهای تمویل کننده و سایر مؤسسات و نهادهای ذیربط.
3. ایجاد ویب سایت: ایجاد ویب سایت انترنتی برای پخش و نشر گزارش و مطالب علمی و تحقیقاتی به منظور ارتقاء آگاهی حقوقی و علمی شهروندان پیرامون خشونت علیه زنان در زون شمال با به‌روزرسانی منظم.

د: پرسشات تحقیق

بدیهی است که هر محقق با راه‌اندازی تحقیق، در تکاپوی پاسخ‌دهی به پرسش یا پرسش‌هایی بوده و این تحقیق نیز با طرح پرسش‌های ذیل آغاز گردیده‌است:

1. حق تعلیم اطفال در چه وضعیتی قرار داشته، چند درصد خانواده‌ها به دختران خود اجازه رفتن به مکتب را می‌دهند، چه تعداد زنان باسواد اند و اینکه آیا در مکاتب علیه دختران دانش‌آموز خشونت اعمال می گردد یا خیر؟
2. طویانه‌های بلند در ولایات موردنظر تا چه حد بوده، پیامدهای احتمالی آن چه خواهد بود و چه راهکارهایی را باید برای محو یا کاهش این معضله اجتماعی اتخاذ کرد؟
3. وضعیت خشونت علیه زنان در آن ولایات چگونه بوده، کدام نوعخشونت علیه زنان اعمال می‌گردد، علل اعمال و راهکارهایی مبارزه با آن چیست؟
4. آیا مؤسسات جامعه مدنی و نهادهای محلی در آن ولایت وجود دارد، اگر دارد چه خدماتی را برای شهروندان آن مناطق به ویژه در خصوص محو یا کاهش خشونت علیه زنان انجام می‌دهند و تا چه اندازه در تغییر و بهبود وضعیت زنان مؤثر بوده است؟
5. آیا تعدادی از زنان در آن ولایت نان‌آور خانواده‌های خویش بوده ویا در کار های زراعتی دخیل‌اند، چگونه با عرف و عادات ناپسند، ازدواج های قبل از وقت و زیر سن قانونی مبارزه کرد؟

---

[1] "Like A Bird With Broken Wings": Oral History of Afghan Women (1978-2008)

[2] I Had To Run Away

[3] ولایاتوولسوالی‌های تحت پوشش قرار ذیل اند: بلخ (نهرشاهی، دولت‌آباد و خلم)، جوزجان (قرقین، خواجه‌دوکوه و آقچه)، سرپل (گوسفندی، بلخاب و سانچارک)، فاریاب (قرغان، شیرین‌تگاب و پشتون‌کوت)، سمنگان (روی‌دوآب، فیروزنخشیر و خرم‌وساریاغ)، بغلان (بغلان‌مرکزی، دهنه‌غوری و دوشی) و بدخشان (ارگو، بهارک و تیشکان).

ه: روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی و کمی و کیفی استفاده شده‌است و این تحقیق علاوه بر اینکه بر تشخیص وضعیت می پردازد، بر علت شناسی نیز پرداخته است. این تحقیق علاوه بر درنظرداشت مسایل کمی بر مسایل کیفی خشونت علیه زنان نیز تأکید خاصی به عمل آمده است. بنابرین؛ ارایه پاسخ به پرسش‌های تحقیق ایجاب کاربرد روش های مختلف تحقیق را می نمود که چنین کاربردِی نیز به عمل آمده است. اهمیت این تحقیق در کاربردی بودن آن است که نهادهای ذیربط می توانند از داده‌های آن برای اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی اهداف خویش بپردازند.

و: روش جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق از روش میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده‌است یعنی روش سروی (پرسش‌نامه و مصاحبه) و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق «پرسش‌نامه» است که قبلاً ترتیب شده و توسط محققین ساحوی از طریق مصاحبه با اعضای خانواده خانه‌پری شده‌است. نتایج این پرسش‌نامه ها از طریق برنامه اکسل جمع‌بندی و تحلیل گردیده‌است.

ز: حدود تحقیق

این تحقیق از لحاظ جغرافیای فقط هفت ولایات شمال و شمال‌شرق افغانستان یعنی بلخ، جوزجان، سمنگان، سرپل، فاریاب، بدخشان و بغلان را تحت پوشش قرار می‌دهد. از اینکه تمام جمعیت این ولایات را نمی توان مورد سروی قرار دارد، بنابرین؛ از هر ولایت سه ولسوالی را به عنوان جامعه نمونه با درنظرداشت میزان بالا، متوسط و پایین خشونت علیه زنان و طویانه ها انتخاب گردیده‌است. در هریک از ولسوالی‌های ولایات مذکور دو نفر محقق‌ساحوی (یک زن و یک مرد) توظیف شدند تان این سروی را راه‌اندازی نمایند، هر یک از آنان باید 330 پرسش‌نامه را با یکی اعضای هر خانواده ولسوالی مربوطه خانه‌پری نماید. تمام محققین ساحوی در 21 ولسوالی ولایات مذکور 13860 (6930 مرد و 6930 زن)پرسش‌نامه را با زنان و مردان بطور مساوی خانه‌پری نموده اند که نتایج تحقیق هم بر محتوای پرسش‌نامه‌ها استوار است و محققین ساحوی، مخاطبین را به‌اساس جمعیت ولسوالی‌ها و تقسیم تعداد مخاطبین موردنظر به قریه‌ها، انتخاب نموده‌اند. قابل‌تذکر است که؛ علاوه برمصاحبه با مردم، با کارمندان ادارت پولیس، ریاست امور زنان و ریاست معارف نیز مصاحبه به عمل آمده و داده‌های در این گزارش انعکاس یافته است.

ح: اهمیت تحقیق

خشونت علیه زنان یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی افغانستان می‌باشد که با گذشت هر سال نیاز به تحقیق مجدد برای شناسایی حوزه‌های نیازمند، پیشرفت‌های انجام‌شده، تشخیص نکات ضعف و تهدیدات فرا راه مبارزه با این پدیده، دارد. مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان به سلسله مبارزات مستمر خویش برای محو خشونت علیه زنان و استقرار حاکمیت قانون؛ این تحقیق را برای اهداف مشخصی که قبلاً در بحث اهداف تحقیق بیان گردید، راه‌اندازی کرد.

نتایج این تحقیق، نهاد های دولتی و غیردولتی را در زمینه میزان خشونت علیه، نان‌آوری و دهقانی زنان، زنان بیوه، نرخ طویانه‌ها، خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای کاهش خشونت علیه زنان، خدمات آن مؤسسات برای دختران و زنان آسیب‌پذیر، نقش مؤسسات برای بهتر شدن نقش زنان در جامعه و تغییرات به میان در زندگی زنان، معلومات فراهم خواهد کرد.

مبحث اول: بلخ

گفتار اول: وضعیت عمومی

تحقیق و سروی در مورد وضعیت خشونت علیه زنان از طریق مصاحبه با تمام شهروندان یک یا چند ولایت کاری بسیار دشوار و طاقت‌فرسا است. بنابرین؛ برای این تحقیق از هر ولایت سه ولسوالی را به عنوان جامعه نمونه با در نظرداشت پرسش‌های تحقیق و میزان موجودیت مشکلات در مناطق مختلف آن، انتخاب نمودیم. محققین ساحوی ما سروی خود را در سه ولسوالی ولایت بلخ یعنی؛ نهرشاهی، دولت آباد و خلم راه‌اندازی نمودند که مجموعاً در ولایت بلخ با 1980 شهروند (990 مرد و 990 زن) مصاحبه صورت گرفته است که از مجموع 1980 نفر؛ 43 (2.171717٪) نفر آن مجرد و 1937 (97.82828٪) نفر آن متأهل بوده ودر میان مصاحبه‌شونده‌ها؛ 1636 (82.62626٪) نفر آن بی‌سواد و 344 (17.37374٪) نفر آن باسواد می‌باشد. تعداد مجموعی اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها 16834 نفر می شود که؛ 8535 (50.70096٪) نفر آن را ذکور و 8299 (49.29904٪) نفر آن را اناث شامل می‌گردد و مجموع اعضای مکتب‌خوان خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 6036 نفر می‌رسد که 3261 (54.02584٪) آن را ذکور و 2775 (45.97416٪) آن را اناث تشکیل می‌دهد. تعداد مجموعی اعضای باسواد خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 1815 نفر می‌رسد که 1068 (58.84298٪) نفر آن را مردان و 747 (41.15702٪) نفر آن را زنان تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم: زنان و معارف

در این گفتار به مسایلی چون اجازه دادن دختران برای رفتن به مکتب، خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب، علل و عوامل خشونت علیه دانش‌آموزان اناث و راهکارهای مبارزه با آن، پرداخته می‌شود.

الف: اجازه رفتن به مکتب

آن عده باشنده‌های ولایت بلخ که مورد مصاحبه قرار گرفته اند؛ نظر خویش را در مورد «اجازه دادن دختران برای رفتن به مکتب» را چنین بیان نموده‌اند: 1762 (88.9899٪) نفر گفته‌اند که به دختران خویش اجازه رفتن به مکتب را می‌دهند و فقط 218 (11.0101٪) نفر آن گفته‌اند که آنها به دختران خویش اجازه مکتب رفتن را نمی‌دهند. آنانیکه پاسخ منفی ارایه کرده‌اند، علل اینکه چرا به دختران خود اجازه مکتب رفتن را نمی‌دهند، چنین برشمرده اند: ناامنی 85 (28.71622٪ کل نظریات) مورد، تهدید طالبان و شورشی‌ها 34 (11.48649٪ کل نظریات) مورد، عرف و عادات جامعه 155 (52.36486٪ کل نظریات) مورد، نبود مکاتب 18 (6.081081٪ کل نظریات) مورد، نبود معلمین اناث 2 (0.675676٪ کل نظریات) مورد، پایین بودن کیفیت درسی 1 (0.337838٪ کل نظریات) مورد، نبود جای مناسب برای مکتب دختران 1 (0.337838٪ کل نظریات) مورد و علل دیگر 0 (0٪ کل نظریات) مورد گفته شده‌است. ریاست معارف ولایت بلخ می‌گوید: «... خوشبختانه تمام اهالی ولایت بلخ به دختران شان اجازه رفتن به مکتب را می‌دهند و اخیراً مادری نزد ما مراجعه نموده بود و می‌گفت که پسرش، دختر او را به مکتب رفتن نمی‌گذارد. از این ناحیه از ریاست معارف ولایت بلخ تقاضای همکاری نموده بودند، تا هفته یک روز که پسر در خانه است، اداره مکتب در قسمت حاضری دختر، همکاری نماید. قابل تذکر است که؛ در ولسوالی‌های دوردست مانند زاری و البرز مردم دختران شان را از صنف ششم به بالا به مکتب رفتن اجازه نمی‌دهند و این مسئله در آنجا عمومیت دارد زیرا معلمین طبقه اناث به حد

کافی نیست و از طرف دیگر، معملین محلات دیگر به آنجا با معاش کم نمی‌روند. در سال گذشته ما به معضله اجازه‌ندادن دختران برای رفتن به مکتب، مواجه نبوده ایم»[1]

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

مصاحبه‌شونده‌های ولایت بلخ در رابطه به اینکه «آیا در مکتب از طرف مسوولین یا استادان مکتب علیه دانش‌آموزان اناث خشونت اعمال می گردد؟» ایشان چنین پاسخارایهنموده‌اند: 224 (11.31313٪) نفر آن پاسخ «بلی» و 1756 (88.68687٪) نفر آن پاسخ «نخیر» ارایهنموده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال را چنین بیان کرده‌اند: لت و کوب 84 (18.14255٪ کل نظریات) مورد، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 97 (20.95032٪ کل نظریات) مورد، آزار و اذیت 18 (3.887689٪ کل نظریات) مورد، ممانعت از تعلیم 40 (8.639309٪ کل نظریات) مورد، جراحت و معلولیت 10 (2.159827٪ کل نظریات) مورد، اعمال تبعیض در درس‌خواندان 73 (15.76674٪ کل نظریات) مورد، اعمال تبعیض در نمره‌دادن 141 (30.45356٪ کل نظریات) مورد و خشونت‌های دیگر 0(0٪ کل نظریات) مورد گفته شده‌است. ریاست معارف ولایت بلخ: «در مکاتب دختران خشونت از طرف معلمین و مسوولین مکاتب بسیار اندک و آن هم در قسمت اطفال است ولی در مکاتب ذکور خشونت‌ها شایع است. اگر مواردی از خشونت علیه دختران پیش آمده باشد، به آن رسیدگی کرده‌ایم. خشونت علیه دانش‌آموزان اناث مورد خاصی نداشته و فقط شامل لت کردن شاگران خورد سال می‌شود.»[2]

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در ولایت بلخ به نظر مصاحبه‌شونده‌های آن ولایت چنین است: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 1251 (40.49854٪ کل نظریات) مورد، ناآگاهی از حقوق زنان 455 (14.72969٪ کل نظریات) مورد، قوم‌گرایی 339 (10.97443٪ کل نظریات) مورد، عقده‌گشایی 95 (3.075429٪ کل نظریات) مورد، مادی‌گرایی 300 (9.711881٪ کل نظریات) مورد و خودخواهی 649 (21.01004٪ کل نظریات) گفته شده‌است که جدی‌ترین مورد آن بی‌اعتقادی به حقوق زنان و بعداً خودخواهی معلمین و مسوولین مکاتب تشکیل می‌دهد. خانم پروین در بحث خشونت علیه دانش‌آموزان اناث، از خشونت مشخص نام نبرده و فقط گفته که در مکاتب در قسمت شاگردان خوردسال لت کردن خفیف وجود دارد و علل آن را هم در بی‌نزاکتی و بی‌نظمی شاگردان دانسته و آن موارد را خیلی جدی ندانسته اند.

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

باشندگان بلخ راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث انتخاب نموده‌اند: تدویر برنامه‌های آموزشی 1154 (42.07073٪ کل نظریات) مورد، پیگیری عدلی خشونت‌ها 398 (14.50966٪ کل نظریات) مورد، ایجاد دفتر نظارت بر رفتار مسوولین و استادان مکاتب 831 (30.2953٪ کل نظریات) مورد، دادخواهی برای حقوق دانش‌آموزان اناث 360 (13.12432٪ کل نظریات) مورد و راهکارهای دیگر 0 (0٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌اند که قویترین راهکار از دیدگاه بلخی‌ها تدویر برنامه‌های آموزش می باشد. خانم پروین راهکارهای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را در موارد ذیل می‌بیند:

- باسواد ساختن اعضای جامعه
- ارتقاء آگاهی حقوقی و دینی مردم
- و زدودن فقر و تنگ‌دستی از مردم[3]

---

[1] مصاحبه به خانم پروین حارث آمر تعلیمات عمومی ریاست معارف ولایت بلخ، **۲۰۱٤/۱۰/۱۲**، شهرمزارشریف، ولایت بلخ، افغانستان.
[2] خانم پروین حارث، پیشین.
[3] خانم پروین حارث، پیشین

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

سن ازدواج، نرخ طویانه‌ها، پیامدهای طویانه‌ها، زنان نان‌آور، زنان دهقان‌کار و زنان بیوه در این گفتار مورد بحث وبررسی قرار خواهند گرفت:

الف: سن ازدواج دختران

مردم بلخ به این نظر اند که آنها دختران شان را معمولاً در سنین ذیل به ازدواج در می‌آورند: از 9 تا 12 سالگی 9 (0.444664٪ کل نظریات) مورد، 12 تا 14 سالگی 28 (1.383399٪ کل نظریات) مورد، 14 تا 16 سالگی 170 (8.399209٪ کل نظریات) مورد، 16 تا 18 سالگی 456 (22.52964٪ کل نظریات) مورد، 18 سالگی به بالا 1361 (67.24308٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است که اکثریت مطلق نظریات بیانگر ازدواج بالاتر از 18 سال است. «دختران در مرکز ولایت بلخ (شهرمزارشریف) در سنین بالاتر ازدواج می کنند ولی در این شهر، دختران در سنین پایین نیز به ازدواج در آورده می‌شوند ولی خوب است دختران سن 18 سالگی را تکمیل می کنند اما در ولسوالی ها زیر سن 15 تا 16 سالگی ازدواج می‌کنند. ولسوالی‌های بلخ، شولگره، دولت‌آباد، خلم، دهدادی و بعضی قریه‌های ولسوالی نهرشاهی در سنین پایین‌تر دختران شان را به ازدواج در می‌آورند.»[1]

ب: طویانه و پیامدها.

1. **نرخ طویانه:** طویانه‌های در ولایت بلخ در ازدواج معمول است، باشندگان بلخ مبلغ آن را چنین بیان نموده‌اند: 1 تا 3 لک افغانی 1181 (59.28715٪) مورد، 3 تا 6 لک افغانی 646 (32.42972٪کل نظریات) مورد، 6 تا 9 لک افغانی 144 (7.228916٪کل نظریات) مورد، 9 تا 12 لک افغانی 18 (0.903614٪کل نظریات) مورد و 12 تا 15 لک افغانی 3 (0.150602٪کل نظریات) مورد، مبلغ دیگر 0 (0٪کل نظریات) مورد، گفته شده‌است که نرخ رایج بر اساس این تحقیق در ولایت بلخ، 1 تا 3 لک افغانی است. نرخ طویانه‌ها در ولایت بلخ نظر به اقوام متفاوت است مثلاً؛ در بین ازبک‌ها و ترکمن‌ها بین 7 - 10 لک افغانی، در بین تاجک‌ها و پشتون‌ها نیز نرخ طویانه‌ها بلند است ولی در میان قوم هزاره این مسئله جنجال‌برانگیز نبوده و قلین بلند مطرح نیست.[2]
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** از باشندگان ولایت بلخ در مورد اینکه آیا جوانان این ولایت برای تأمین هزینه‌های بلند طویانه به خارج از کشور سفر می کنند تا از آنجا پول آورده ازدواج کنند؟ از میان 1980 نفر 1622 (81.91919٪) آن پاسخ مثبت و 358 (18.08081٪) نفر آن پاسخ منفی داده‌اند. از میان 1622 نفر ارایه‌کننده پاسخ مثبت؛ 488 (30.08631٪)آنان می گویند که از خانواده‌های ایشان مردی برای تأمین هزینه‌های طویانه به خارج از کشور رفته‌اند و 1134 (69.91369٪) نفر دیگر آن گفته اند که مردی از خانواده‌های ایشان برای منظور فوق به خارج از کشور نرفته اند. «... جوانان وقتی توانایی پرداخت طویانه‌های بلند را نداشته باشند، به کشورهای خارجی می‌روند تا بتوانند مصارف را پرداخت کنند. بیشترین این جوانان به کشور ایران رفته و دوباره برمی‌گردند.»[3]
3. **پیامد های طویانه:** مصاحبه‌شونده‌های ولایت بلخ در مورد اینکه «به نظر شما، پرداخت طویانه‌های گزاف چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟» چنین ابراز نظر کرده‌اند: خشونت‌های خانوادگی 1209 (32.۰۴347٪ کل نظریات) مورد، ارتکاب جرم 675 (17.89027٪ کل نظریات) مورد، رجوع به فساد اخلاقی 529 (14.02067٪ کل نظریات) مورد، اعتیاد به مواد مخدر 866 (22.95256٪ کل نظریات) مورد، معلولیت جسمانی 170 (4.505698٪ کل نظریات) مورد، پیوستن به

[1] مصاحبه با خانم نادیه ثمر عثمانی مدیر حقوق ریاست امور زنان ولایت بلخ، **۲۰۱٤/۱۰/۰۸**، شهرمزارشریف، ولایت بلخ، افغانستان.
[2] خانم نادیه ثمر عثمانی، پیشین.
[3] خانم نادیه ثمر عثمانی، پیشین.

گروه‌های مخالف دولت 324 (8.587331٪ کل نظریات) مورد و مشکلات دیگر 0 (0٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است که بزرگترین پیامد طویانه‌های بلند در ازدواج خشونت‌های خانوادگی، ارتکاب جرم و فساد اخلاقی پنداشته می شود. دیدگاه ریاست امور زنان ولایت بلخ در مورد پیامدهای مخرب طویانه‌های بلند چنین است:

- طویانه‌های بلند مخرب حقوق زنان است.
- خشونت‌های خانوادگی را خلق می کند.
- موجب بردگی زنان در خانواده‌ها می شود.
- استقلالیت حقوق مالی زنان را نقض می کند.
- زمینه‌های فرار از منزل را فراهم می کند.

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال**: از باشندگان ولایت بلخ در مورد اینکه آیا در منطقه شان دختران مجرد بزرگسان (بالاتر از 35 سال) وجود دارد؟ از میان 1980 نفر؛ 669 (33.78788٪) نفر آن پاسخ مثبت و 1311 (66.21212٪) مورد پاسخ منفی داد اند. علاوه بر مورد فوق، از مصاحبه‌شونده‌ها این پرسش »در هر خانوده چند نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد؟« پرسیده شد. پاسخمصاحبه‌شونده‌ها بیانگر این است که حد اقل در یک خانه 1 نفر و حد اکثر 5 نفر و بطور متوسط 1.13 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال در هر خانواده وجود دارد و تعداد مجموعی دختران مجرد بزرگ‌سال بر اساس تعداد ارایه شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها در این ولایت به 651 نفر می‌رسد. ریاست امور زنان ولایت بلخ به این باور است که در هر ده خانواده، 2 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد و بیشتر دختران مجرد بزرگ‌سال در ولسوالی‌ها و تعدادی هم در شهر است.[1]

ج:زنان بیوه و نان‌آور

۱. **زنان بیوه**: از میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده؛ 1386 (70٪) افراد گفته اند که در منطقه شان زنان بیوه وجود دارد و 594 (30٪) نفر گفته اند که در منطقه شان زنان بیوه وجود ندارد. آنانیکه در مورد فوق پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، در مورد موجودیت زن بیوه چنین گفته اند: 410 (29.58153٪) نفر گفته اند که در خانه شان زن بیوه وجود دارد و 976 (70.41847٪) نفر گفته اند که در خانه شان زن بیوه وجود ندارد. تعداد مجموعی زنان بیوه به اساس آنچه ارایهنموده‌اند به 442 نفر می رسد که حد اکثر در یک خانواده 5 نفر و حد اقل 1 نفر و بطور متوسط در هر خانواده مذکور 1.07 نفر زن بیوه وجود دارد. ریاست امور زنان ولایت بلخ گرچه مؤید کثرت تعداد زنان بیوه است ولی در زمینه قادر به ارایه آمار دقیق نیستند.

۲. **زنان نان‌آور:** باشنده‌های ولایت بلخ در مورد اینکه آیا در منطقه شان زنان نان‌آور وجود دارد یا خیر؟ چنین ابراز نظر کرده‌اند: از میان 1980 نفر؛ 1244 (62.82828٪) نفر آن پاسخ مثبت و 736 (37.17172٪) نفر آن پاسخ منفی داده‌اند و از ارایه‌کننده‌های پاسخ مثبت، پرسیده شد که آیا در خانواده شما زن نان آور وجود دارد یا خیر؟ از میان 1244 نفر، 289 نفر (23.23151٪) آن پاسخ مثبت و 955 نفر (76.76849٪) آن پاسخ منفی داده‌اند. تعداد مجموعی زنان نان‌آور در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 336 نفر می‌رسد که؛ حد اکثر آن در هر خانواده مصاحبه‌شونده‌ها 4، حداقل آن 1 و حد اوسط آن 1.16 می‌باشد. ریاست امور زنان ولایت بلخ در زمینه تعداد زنان نان‌آور خانواده‌ها نیز آماری در دست ندارد.

۳. **زنان دهقان:** آیا زنان در کارهای زراعتی با مردان همکار هستند؟ نتایج تحقیق نشان‌دهنده این است که؛ از میان 1980 نفر 216 (10.90909٪) نفر آن پاسخ مثبت و 1764 (89.09091٪) نفر ان پاسخ منفی ارایه نموده‌اند. از آنانیکه پاسخمثبت ارایهنموده‌اند، در مورد اینکه آیا زنان شان با ایشان در کار های زراعتی همکاری می نمایند چنین پاسخ داه اند: از میان 215 نفر؛ 99 (45.83333٪) نفر پاسخ مثبت و 117 (54.16667٪) نفر آن پاسخ منفی ارایهکرده‌اند. تعداد مجموعی زنان

[1] خانم نادیه ثمر عثمانی، پیشین.

همکار در کار های زراعتی به اساس گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 132 نفر می رسد که در خانواده‌های ارایه‌کنندهپاسخ مثبت، حد اقل یک زن دهقان و حد اکثر تا 5 نفر زن دهقان و بطور متوسط در هر خانواده اشخاص فوق 1.33 نفر زن دهقان وجود دارد.ریاست امور زنان ولایت بلخ در زمینه تعداد زنان دهقان‌کار خانواده‌ها نیز آماری در دست ندارد.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان بطوراختصاصی با تمام انواع، علل، افزایش، راهکار و همچان نقش نهادهای رسیدگی‌کننده از دیدگاه مردم بررسی شود تا ببینیم که مردم چه قدر به آگاهی‌دهی در این زمینه نیاز دارد.

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

گرچه شهروندان بلخ از وضعیت حقوق زنان نسبتاً راضی بوده و زنان دچار مشکلات زیادی نیستند، ولی با آن‌هم مشکلاتی فرا راه زنان وجود دارد که باید از دیدگاه مردم و مسوولین مورد بررسی قرار گیرد تا علل و راهکارهای مشخص برای زدودن آن پیدا شود.

1. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن**: آیا در ولایت بلخ هم به اعمال خشونت علیه زنان می پرازند؟ از میان 1980 نفر؛ 510 (25.75758٪) نفر آن جواب مثبت و و1470 (74.24242٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند که 510 نفر مذکور انواع خشونت‌های مورد اعمال در مناطق شان را چنین فهرست نموده‌اند؛ تجاوزجنسی 86 (4.791086٪ کل نظریات) مورد، مجبور نمودن به فحشا 12 (0.668524٪ کل نظریات) مورد، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 10 (0.557103٪ کل نظریات) مورد، خشونت منجر به خودکشی 80 (4.456825٪ کل نظریات) مورد، جراحت و معلولیت 47 (2.618384٪ کل نظریات) مورد، لت و کوب 226 (12.59053٪ کل نظریات) مورد، خرید و فروش زن 13 (0.724234٪ کل نظریات) مورد، بددادن 74 (4.122563٪ کل نظریات) مورد، نکاح اجباری 68 (3.788301٪) مورد، ممانعت از ازدواج 47 (2.618384٪ کل نظریات) مورد، نکاح زیرسن 150 (8.356546٪ کل نظریات) مورد، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 176 (9.805014٪ کل نظریات) مورد، آزار و اذیت 89 (4.958217٪ کل نظریات) مورد، انزوای اجباری 4 (کل نظریات ٪0.222841) مورد، اعتیاد اجباری 11 (0.612813٪ کل نظریات) مورد، منع تصرف در ارث 67 (3.732591٪ کل نظریات) مورد، منع تصرف در اموال 21 (1.169916٪ کل نظریات) مورد، ممانعت ازتحصیل 158 (8.802228٪ کل نظریات) مورد، ممانعت از کار 159 (8.857939٪ کل نظریات) مورد، کار اجباری 64 (3.56546٪ کل نظریات) مورد، ازدواج با بیش از یک زن 126 (7.019499٪ کل نظریات) مورد، نفی قرابت 106 (5.905292٪ کل نظریات) مورد و انواع دیگر 0 (کل نظریات 0٪) مورد گفته شده‌است. به اساس نتایج فوق بالاترین نرخ خشونت را لت و کوب، دشنام، تحقیر و ترسانیدن و نکاح زیرسن تشکیل می‌دهد.
2. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:** از میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده‌ها؛ 484 (24.44444٪) نفر به این باور است که خشونت علیه زن در این ولایت افزایش یافته و 1496 (75.556٪) نفر آن پاسخ برعکس ارایهنموده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت داده‌اند، علل افزایش خشونت علیه زنان را چنین بیان نموده‌اند: فقر اقتصادی 300 (31.44654٪کل نظریات) مورد، بیکاری 313 (32.80922٪کل نظریات) مورد، تکالیف روانی 80 (8.385844٪کل نظریات) مورد، فرهنگ مردسالاری 66 (6.918239٪کل نظریات) مورد، ازدواج های اجباری 43 (4.507338٪کل نظریات) مورد، مشکلات خانوادگی 96 (10.06289٪کل نظریات) مورد، فساد اخلاقی 55 (5.765199٪کل نظریات) مورد و علل دیگر 1 (0.104822٪کل نظریات) مورد بیان شده‌است که به نظرآنها جدی‌ترین علت افزایش خشونت علیه زنان بیکاری و فقر اقتصادی پنداشته شده‌است. آمریت حل پرابلم‌های خانوادگی قوماندانی امنیه ولایت بلخ در شش ماه اول امسال (1393) 42 مورد خشونت علیه زنان را با انواع ذیل ثبت کرده‌اند: لت و کوب 27 مورد،

حلق‌آویز (قتل) 2 مورد، خشونت‌های خانوادگی 1 مورد، خشونت 5 مورد، مسمومیت 2 مورد، اختطاف و لادرکی 1 مورد، آزار و اذیت 1 مورد، خرید و فروش زن 1 مورد، ادقام به تجاوزجنسی و خود سوزی 1 مورد بوده است که تعداد مجموعی آن به 42 قضیه می‌رسید.[1] به همین ترتیب؛ ریاست امور زنان ولایت بلخ در ربع اول سال 1393، 9 قضیه را به دادستانی منع خشونت علیه زنان و 15 قضیه زنان معروض به خشونت را به خانه‌های امن و تعاون افغانستان ارسال کرده و در ربع دوم سال 1393، 42 قضیه را به تفکیک ذیل ثبت نموده‌اند: تجاوزجنسی 2 مورد، لت و کوب 27 مورد، نکاح اجباری 4 مورد، نکاح قبل از اکمال سن قانونی (زیرسن) 1 مورد، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 1 مورد، آزار و اذیت 5 مورد و منع تصرف در ارث و اموال 1 مورد ثبت شده‌است. مجموع قضایای خشونت علیه زنان که در قوماندانی امنیه ولایت بلخ (42 قضیه در شش ماه اول 1393) و ریاست امور زنان ولایت بلخ (29 مورد در ربع اول 1393 و 42 مورد در ربع دوم 1393) مجموعاً به 108قضیه می‌رسد. خانم ثمرعثمانی گفته است که؛ »خشونت‌ها در این اواخر افزایش یافته به ویژه تجاوزجنسی؛ سال قبل ما یک مورد تجاوز جنسی داشتیم ولی امسال فقط در این ماه 3 مورد داشتیم« و ایشان علل این افزایش را در بی‌سوادی و کم‌سوادی می‌داند.[2] این درحالیست که خانم فتانه شاهد کاهش خشونت علیه زنان در شش ماه اول امسال نسبت به شش ماه اول سال گذشته بوده است. قوماندانی امنیه ولایتبلخ معمولاً تمام قضایای جرمی را با دادستانیروان می‌کند ولی به استثنای موارد جزیی خشونت علیه زنان که به اساس رضایت مجنی‌علیه در همین مرحله ختم می‌شود. خانم فتانه علل خشونت علیه زنان را در ناآگاهی دینی و حقوقی مردم، فقر اقتصادی، عرف و عنعنات ناپسند جامعه دانسته و علل کاهش خشونت‌ها را در موارد آتی می‌داند:

- افزایش آگاهی مردم در امور زندگی و حقوق زنان
- دسترسی زنان به نهادهای عدلی و قضایی
- پی‌گیری قضایای خشونت علیه زنان[3]

[1] مصاحبه با سمونوال فتانه خُاخُی آمر حل پرابلم های خانوادگی قوماندانی امنیه ولایت بلخ، 2014/10/19، شهرمزارشریف، بلخ، افغانستان.
[2] نادیه ثمر عثمانی، پیشین.
[3] فتانه خُاخُی، پیشین.

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهاهای عدلی

1. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده:** مصاحبه‌شونده‌ها در برابر این پرسش که «آیا می دانید؛ اگر زنی متضرر خشونت واقع گردد، به کجا مراجعه کند؟» چنین پاسخ داده‌اند: از میان 1980 نفر؛ 1758 (88.78788٪) نفر آن پاسخ مثبت و 222 (11.212٪) نفر آن پاسخ منفی ارایهنموده‌اند. آنانیکه در زمینه پرسش فوق، پاسخ مثبت داده‌اند، در مورد اینکه زنا متضرر خشونت به کدام اداره مراجعه می نماید، چنین ابراز نظر کرده‌اند: قریه‌دار و ولسوالی 1141 (35.74561٪ کل نظریات) مورد، پولیس 440 (13.78446٪ کل نظریات) مورد، مدیریت حقوق 101 (3.16416٪ کل نظریات) مورد، ریاست امور زنان 264 (8.270677٪ کل نظریات) مورد، دادستانی 158 (4.949875٪ کل نظریات) مورد، محکمه 748 (23.43358٪ کل نظریات) مورد، کمیسیون مستقل حقوق بشر 337 (10.55764٪ کل نظریات) مورد، مؤسسات جامعه مدنی 3 (0.093985٪ کل نظریات) مورد و ادارات دیگر 0 (کل نظریات 0٪) مورد گفته شده‌است که بیشترین نظریات مربوط «قریه‌دار و ولسوالی» و «محکمه» می شود. ریاست امور زنان ولایت بلخ: ... مردم به ارگان‌های عدلی و قضایی مراجعه می‌کنند، قبلاً آگاهی نداشتند ولی حالا تا حدودی این مسئله را می‌دانند که زن متضرر خشونت به کجا مراجعه کند؟ و بیشتر از همه به ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مراجعه می‌نمایند.[1]
2. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی:**مصاحبه‌شونده‌های بلخ در رابطه به اینکه آیا زنان در شریک‌سازی مشکلات خود با نهادهای عدلی و قضایی علاقه و اعتماد داردند؟ چنین ابراز نظر نموده‌اند: 1164 (58.78788٪) نفر پاسخ مثبت 816 (41.21212٪) نفر پاسخ منفی ارایهنموده‌اند و آنانیکه پاسخ منفی ارایهکرده‌اند، علل عدم اعتماد زنان را چنین برشمرده‌اند: عدم پیگیری درست قضایا 107 (6.733795٪کل نظریات) مورد، رفتار نادرست با زنان متضرر و آسیب‌پذیر 70 (4.405286٪کل نظریات) مورد، فساد اداری 170 (10.69855٪کل نظریات) مورد، توهین و تحقیر 75 (4.71995٪کل نظریات) مورد، مجرم دانستن زنان 171 (10.76149٪کل نظریات) مورد، عرف حاکم بر جامعه 373 (23.47388٪کل نظریات) مورد، شرم زنان از مراجعه به دولت 383 (24.10321٪کل نظریات) مورد، نبود کارمندان کافی زن در ادارات دولتی 239 (15.04091٪کل نظریات) مورد و علل دیگر 1 (0.062933٪کل نظریات) مورد بیان شده که از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها، بزرگترین علل عدم اعتماد زنان به نهادهای عدلی و قضایی در زمینه شریک‌سازی مشکلات شان،«عرف حاکم بر جامعه» و «شرم زنان از مراجعه به دولت» محسوب می گردد.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشوانت علیه زنان

مؤسسات جامعه مدنی هم نقش اساسی را در کنار نهادهای عدلی و قضایی و نهادهای خارجی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان داشته است و حتی تعدادی از مسوولین نهادهای عدلی و قضایی موقعیت و نقش امروزی زنان در جامعه و تقویت حقوق و نقش زنان در جامعه را مدیون همین مؤسسات می‌دانند.

[1] نادیه ثمر عثمانی، پیشین.

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان:** در مورد موجودیت مؤسسات جامعه مدنی فعال در امر مبارزه با خشونت علیه زنان، از میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده‌ها؛ 333 (16.81818٪) نفر پاسخ مثبت و 1647 (83.18182٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت داده بودند، خدمات مؤسسات مذکور را چنین بیان می‌نمایند: آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی 112 (28.79177٪ کل نظریات) مورد، آگاهی و مشاوره شغلی 77 (19.79434٪ کل نظریات) مورد، فراهم‌آوری شغل برای زنان 182 (46.78663٪ کل نظریات) مورد، دفاع از حقوق زنان 18 (4.627249٪ کل نظریات) مورد و خدمات دیگر 0 (0٪ کل نظریات) مورد گفته شده که از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها، بزرگترین خدمات مؤسسات جامعه در امر مبارزه با خشونت علیه زنان را «فراهم‌آوری شغل برای زنان»و «آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی» احتوا می کند. خانم ثمر عثمانی خدمات مؤسسات جامعه مدنی را در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان ارزنده معرفی نموده و بعضی از مؤسسات فعال را چنین نام برد: مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان (ADWRO)، AWAKE، NRC، WAW، شبکه زنان افغان AWN، دفتر خانه امید (CCA)، آینده بهتر برای افغانستان، GIZ، IDLO و سایر مؤسسات.
2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر:** مصاحبه‌شونده‌های ولایت بلخ در مورد اینکه آیا مؤسسات جامعه مدنی برای ارایه خدمات به دختران و زنان آسیب‌پذیر وجود دارد یا خیر؟ چنین ابراز نظر کرده‌اند: از مجموع 1980 نفر؛ 144 (7.272727٪) نفر آن پاسخ مثبت و 1836 (92.72727٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه وجود مؤسسات فوق را تأیید نموده‌اند، خدمات آن مؤسسات را چنین برشمرده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 188 (56.73077٪ کل نظریات) مورد، وکالت دفاع رایگان 10 (4.807692٪ کل نظریات) مورد، پیگیری قضایا و دادخواهی 22 (10.57692٪ کل نظریات) مورد، فراهم‌آوری خانه‌های‌امن 10 (4.807692٪ کل نظریات) مورد، خدمات صحی و روانی 10 (4.807692٪ کل نظریات) مورد، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 37 (17.78846٪ کل نظریات) مورد و خدمات دیگر 1 (0.480769٪ کل نظریات) مورد گفته شده‌است.
3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب پذیر:**آیا شوراهای انکشافی محل در منطقه شما است که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب پذیر ارایه نمایند؟ مصاحبه‌شونده‌های ولایت بلخ چنین پاسخ داده‌اند: 379 (19.14141٪) نفر پاسخ مثبت و 1601 (80.85859٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه به پرسش فوق پاسخ مثبت داده‌اند، خدمات آن شورا را چنین بیان کرده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 92 (16.37011٪ کل نظریات) مورد، وکالت دفاع رایگان 12 (2.135231٪ کل نظریات) مورد، پیگری قضایا و دادخواهی 37 (6.58363٪ کل نظریات) مورد، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 191 (33.98577٪ کل نظریات) مورد، وساطت و میانجیگری 178 (31.6726٪ کل نظریات) مورد، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 36 (6.405694٪ کل نظریات) مورد، آموزش مردان برای رفع آسیب 16 (2.846975٪ کل نظریات) مورد و خدمات دیگر (0٪ کل نظریات) مورد گفته شده‌است.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

شهروندان ولایت بلخ راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه زنان مؤثرو کارآ می دانند: آگاهی حقوقی - دینی از طریق مساجد 889 (18.15027٪کل نظریات) مورد، آگاهی دینی - حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 538 (10.98408٪کل نظریات) مورد، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 642 (13.10739٪کل نظریات) مورد، تعلیم وتربیه شهروندان 242 (4.940792٪کل نظریات) مورد، باسوادساختن اعضای جامعه 850 (17.35402٪کل نظریات) مورد، شغل‌زایی 750 (15.31237٪کل نظریات) مورد، بالابردن سطح اقتصاد شهروندان 986 (20.13067٪کل نظریات) مورد و راه‌های دیگر 1 (0.020416٪کل نظریات) مورد گفته شده‌است.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

مصاحبه‌شونده‌های ولایت بلخ در مورد پاسخ این پرسش که «به نظر شما از ده سال قبل تا حال تغییراتی در زندگی خانم‌ها به میان آمده است؟» چنین پاسخ داده‌اند: از میان 1980 نفر؛ 1848 (93.33333٪) نفر آن پاسخ مثبت و 132 (6.666667٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت داده‌اند؛ تغییرات به میاان آمده را چنین برمی‌شمارند: رفتن دختران به مکتب 1853 (54.72534٪کل نظریات) مورد، کارکردن زنان در ادارات و دفاتر 956 (28.2339٪کل نظریات) مورد، کاهش خشونت علیه زنان 577 (17.04076٪کل نظریات) مورد و تغییرات دیگر 0 (0٪کل نظریات) مورد گفته شده‌است که بیشترین تغییرات در عرصه «رفتن دختران به مکتب» به عمل آمده است. ریاست امور زنان: «... تغییرات قابل ملاحظه‌ای به میان آمده، معارف زنان رشد کرده، وزارت امور زنان ایجاد شده، کارمندان زن در ادارات و دفاتر برجسته شده، صدای زنان بلند شده و کار های فرهنگی زنان نیز افزایش یافته‌است.»[1]

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

آیا مؤسسات و جامعه مدنی تا حال در زمینه مجسم‌ساختن نقش زنان کارکرده‌اند؟ از جمله مصاحبه شونده‌ها؛ 742 (37.47475٪) نفر پاسخ مثبت و 1238 (62.52525٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت ارایهنموده‌اند، کارهای مؤسسات را که در تجسم حقوق زنان اهمیت داشته است را چنین بیان نموده‌اند: راه‌اندازی کنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 289 (28.25024٪کل نظریات) مورد، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 554 (54.15445٪کل نظریات) مورد، استخدام زنان در دفاتر شان 139 (13.58749٪کل نظریات) مورد، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 39 (3.812317٪کل نظریات) مورد و کارهای دیگر 2 (0.195503٪کل نظریات) مورد گفته شده‌است که بزرگترین فعالیت ها در زمینه فوق «راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان » و « راه‌اندازی کنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان» بوده‌اند. خانم ثمرعثمانی نقش مؤسسات جامعه مدنی را در راستای تجسم بهتر و بیشتر نقش زنان مهم دانسته و می‌گوید که کارهای این مؤسسات باعث افزایش آگاهی حقوقی زنان شده و فعالیت‌های همین مؤسسات است که زنان امروز از موقعیت خوبی برخوردار اند مانند؛ کار در حکومت و رعایت تبعیض مثبت به نفع زنان در شورای ملی و ولایتی.

[1] نادیه ثمرعثمانی، پیشین.

مبحث دوم: بغلان

گفتار اول: وضعیت عمومی

ولسوالی‌های بغلان مرکزی، دوشی و دهنه‌غوری با درنظرداشت میزان خشونت علیه زنان و طویانه‌های بلند به عنوان جامعه نمونه تحقیق ما در ولایت بغلان انتخاب گردید که مجموعاً با 1980 شهروند (990 مرد و 990 زن) مصاحبه صورت گرفته‌است که 224 (11.313131٪) آن را افراد مجرد و 1756 (88.686869٪) آن را افراد متأهل تشکیل می‌دهد. از مجموع 1980 مصاحبه‌شونده؛ 1765 نفر (89.141414٪) آن بی‌سواد و 215 نفر (10.858586٪) آن باسواد می‌باشد. تعداد مجموعی اعضای خانواده مصاحبه‌شونده‌ها 18926 نفر است که؛ 10122 نفر (53.481982٪) آن ذکور و 8804 نفر (46.518018٪) اناث می باشد که در میان همه آنها مجموعاً 6208 نفر مکتب‌خوان وجود دارد که؛ 3797 نفر (61.163015٪) ذکور مکتب‌خوان و 2411 نفر (38.836985٪) اناث مکتب‌خوان است و از میان تمامی نفوس مذکور بدون اعضای مکتب‌خوان مجموعاً 2999 نفر باسواد وجود دارد که 2099 نفر (69.989997٪) ذکور و 900 نفر (30.010003٪) اناث باسواد هستند.

گفتار دوم: زنان و معارف

تعلیم و تربیه در تکامل جامعه بشری و زندگی سالم تأثیری خاصی داشته و تجربه ثابت نموده‌است که افراد باسواد و باتربیه کمتر به اعمال خشونت علیه زنان و سایر اعمال غیرانسانی و غیرقانونی پرداخته‌اند. این گفتار را به بررسی نتایج تحقیق پیرامون «زنان و معارف» اختصاص داده ایم که نتایج آن قرار ذیل است:

الف: اجازه رفتن به مکتب

یکی از مشکلات جدی در عرصه معارف زنان، مسئله اجازه ندادن دختران برای رفتن به مکتب می باشد که این عملکرد جرم است. در این بخش، از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شده‌است که آیا شما به دختران تان اجازه می‌دهید که به مکتب بروند؟ نتایج پاسخ ایشان نشان‌دهنده این است که از میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛ 1565 نفر (79.040404٪) آن پاسخ «بلی» و 415 نفر (20.959596٪) آن پاسخ «نخیر» داده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ منفی ارایه‌کرده‌اند، علل اجازه ندادن به دختران شان برای رفتن به مکتب را چنین بیان نموده‌اند: ناامنی 137 (13.727455٪کل نظریات) مورد، تهدید طالبان و شورشی‌ها 87 (8.7174349٪کل نظریات) مورد، عرف و عادات جامعه 263 (26.352705٪کل نظریات) مورد، نبود مکاتب 135 (13.527054٪کل نظریات) مورد، نبود معلین اناث 290 (29.058116٪کل نظریات) مورد، پایین بودن کیفیت درسی 38 (3.8076152٪کل نظریات) مورد، نبود جای مناسب برای مکتب دختران 44 (4.4088176٪کل نظریات) مورد و علل دیگر 4(0.400802٪کل نظریات) مورد. آقای امان‌الله مصدق آمر ارزیابی تعلیمی ریاست معارف ولایت بغلان نیز گفته است که:«در ولایت بغلان، در شهر پلخمری و ولسوالی‌های آن دختران به مکتب می‌روند و کدام مشکلی به ما گزارش نشده و کدام مواردی که دختران از طرف اولیای شان به مکتب رفتن ممانعت شوند نیز به ما گزارش نشده و در سال قبل نیز با چنین مشکلی مواجه نبوده ایم. در مناطق شهرنشین نفوس دختران در مکاتب نسبت به پسران بیشتر است.»[1]

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب، هم یکی از نگرانی جدی فرا راه تعلیم و تربیه زنان افغان می‌باشد و به این ملحوظ از مصاحبه‌شونده پرسیده شده‌است که آیا در مکاتب مناطق شمااز طرف مسوولین و استادان مکتب، علیه دانش‌آموزان اناث خشونت اعمال می‌گردد؟ که از مجموع 1980 نفر مصاحبه‌شونده؛ 33 (1.6666667٪) نفر پاسخ مثبت داده و 1947 (98.333333٪)پاسخ منفی

[1] مصاحبه با امان‌الله صدیقی ،آمر ارزیابی تعلیمی ریاست معارف ولایت بغلان، 1393/07/01، شهر پلخمری، بغلان، افغانستان.

داده‌اند که این امر نشانده پایین بودن میزان خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب می‌باشد.آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت داده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال در مکاتب علیه دانش‌آموزان اناث را ذیلاً نام می‌برند: لت و کوب 21 (21٪کل نظریات) مورد، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 15 (15٪کل نظریات) مورد، آزار و اذیت 20 (20٪کل نظریات) مورد، ممانعت از تعلیم 13 (13٪کل نظریات) مورد، جراحت و معلولیت 13 (13٪کل نظریات) مورد، اعمال تبعیض در درس‌خواندن 9 (9٪کل نظریات)، اعمال تبعیض در نمره‌دادن 9 (9٪کل نظریات) و خشونت‌های دیگر 0 (0٪کل نظریات) مورد. «ریاست محترم معارف ولایت بغلان به این باور است که خشونت علیه دانش‌آموزان اناث درمکاتب آن ولایت به ایشان گزارش نشده‌است»[1]

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

شناسایی علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب برای مبارزه آن عوامل آن مهم است و این پرسش از همه مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شده‌است که به نظر شما علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب چیست؟ آنان با ارایه پاسخ به پرسش فوق موارد آتی را علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث می‌دانند: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 471 (29.866836٪کل نظریات) مورد، ناآگاهی از حقوق زن 418 (26.506024٪کل نظریات) مورد، قوم‌گرایی 213 (13.506658٪کل نظریات) مورد، عقده‌گشایی 247 (15.662651٪کل نظریات) مورد، مادی‌گرایی 119 (7.5459734٪کل نظریات) مورد و خودخواهی 109 (6.911858٪کل نظریات) مورد.

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

مصاحبه‌شونده‌ها در برابر این پرسش که «به نظر شما چگونه می‌توان میزان خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را در مکاتب کاهش داد؟»، راهکارهای مبارزه با خشونت های فوق را توأم با موارد آن چنین بیان کرده‌اند: تدویر برنامه‌های آموزشی در خصوص رفتار با دانش‌آموزان376 (36.754643٪کل نظریات) مورد، پیگیری عدلی خشونت‌ها 271 (26.490714٪کل نظریات) مورد، ایجاد دفتر نظارت بر رفتار مسوولین و استادان مکاتب 224 (21.896383٪کل نظریات) مورد، دادخواهی برای حمایت از حقوق دانشجویان اناث 152 (14.85826٪کل نظریات) مورد و راهکارهای دیگر 0 (0٪کل نظریات) مورد. «ریاست معارف ولایت بغلان راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب را در تبلیغ و رسانیدن دین مقدس اسلام از طریق علما می‌داند.»[2]

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

در این گفتار به بررسی سن ازدواج، مبلغ طویانه، نقش زنان در نان‌آوری خانواده و تعداد زنان بیوه در ولایت بغلان می‌پردازیم و مسایل فوق را در ذیل بررسی می‌نماییم.

الف: سن ازدواج دختران

از اینکه تعداد زیادی از خانواده‌ها دختران خود را زیرسن قانونی یا قبل از وقت به ازدواج شخصی درمی‌آورند، بعداً پیامدهای احتمالی این عملکرد دامن‌گیر هردو خانواده و جامعه می‌گردد. در این تحقیق از تمام مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شده‌است که «دختران در این منطقه معمولاً به کدام یکی از سنین ذیل ازدواج می‌کنند؟» قابل تذکر است که برای این پرسش پنج گزینه وجود داشت که با درنظرداشت اظهارات مصاحبه شونده‌ها خانه‌پری می‌گردید. به نظر مصاحبه‌شونده‌ها دختران در مناطق شان به سنین ذیل ازدواج می کنند: سن 9 تا 12 سالگی 0 (0٪کل نظریات) مورد، 12 تا 14 سالگی 0 (0٪کل نظریات) مورد، 14 تا 16 سالگی 222 (7.254902٪کل نظریات) مورد، 16 تا 18 سالگی 1238 (40.45752٪ کل نظریات) و از 18سالگی به بالا 1600 (52.287582٪کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است. طبق نتایج فوق، دختران در ولایت بغلان در سنین 9 تا 12 و 12 تا 14

[1] امان الله صدیقی، پیشین.
[2] امان‌الله صدیقی، پیشین.

ازدواج نمی‌کنند و گزینه‌ای که بیشترین نظریات مصاحبه‌شونده‌ها را با خود دارد بیانگر این که اکثریت دختران در این ولایت در سن 18 سالگی یا بالاتر از آن ازدواج می‌کنند. ریاست امورزنان ولایت بغلان در مورد سن ازدواج دختران در این ولایت چنین نظریه دارد: سن ازدواج در این ولایت متفاوت است ولی عموماً 17، 18 و 19 سالگی می باشد و دخترها بیشتر در ولسوالی‌های اندراب، دهنه‌غوری، نهرین و بغلان‌مرکزی در سنین پایین به ازدواج درآورده می‌شوند.[1]

ب: طویانه و پیامدها

طویانه هم یکی از موارد چالش‌زا فرا راه ازدواج جوانان گردیده‌است، پرداخت‌های بلند، فراهم‌آوری اشیای قیمتی، یا آوردن مقدار زیاد مواد خوراکی و احتراقی به خانه پدر دختر گاهی به جدی‌ترین عامل خشونت علیه زنان تبدیل می‌گردد.

1. **نرخ طویانه:**مصاحبه‌شونده‌ها به پاسخ پرسش «مبلغ طویانه دختر در منطقه شما چند است؟» چنین پاسخ داده‌اند: 1 تا 3 لک افغانی 1680 (60.627932٪) مورد، 3 تا 6 لک افغانی 1035 (37.351137٪کل نظریات) مورد،، 6 تا 9 لک افغانی 41 (1.4796102٪کل نظریات) مورد، 9 تا 12 لک افغانی 15 (0.541328٪کل نظریات) مورد و 12 تا 15 لک افغانی 0 (0٪کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است. بر مبنای نتایج فوق رایج‌ترین طویانه 1 تا 3 لک افغانی و بعد از 3 تا 6 لک افغانی می‌باشد. نرخ طویانه‌های ازدواج از دیدگاه ریاست امور زنان ولایت بغلان متفاوت بوده ولی می‌گویند که از 30 هزار افغانی الی 10 و 12 لک افغانی می‌باشد.[2]
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** جوانان علاقه‌مند عروسی در اکثر موارد بدون قرض نمی‌توانند از عهده طویانه‌های بلند برآیند، به این ملحوظ یا مقروض می‌شوند یا اینکه به خارج از کشور برای درآمد بیشتر سفر می‌کنند. به همین ارتباط از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شده‌است که « آیا جوانان(مرد) برای تأمین طویانه‌های گزاف به خارج از کشور برای کار مسافر شده‌اند؟» از میان تمام آنها؛ 1802 (91.0101٪کل نظریات) نفر پاسخ مثبت و 145 (8.989899٪کل نظریات) آنان پاسخ منفی داده‌اند. در ضمن از ایشان پرسیده شد که؛ آیا از خانواده شما مردی برای تأمین هزینه طویانه به خارج از کشور سفر کرده یا خیر؟ از مجموع کسانی‌که به پرسش قبلی، پاسخ مثبت داده بودند 855 (47.44728٪کل نظریات) نفر آن در مورد این پرسش پاسخ مثبت و 947 (52.55272٪کل نظریات) آنان پاسخ منفی داده‌اند. از نتایج فوق چنین بر می‌آید که تعداد زیادی از شهروندان افغان برای دریافت کار و درآمد بیشتر به خارج از کشور سفر می‌کنند. ریاست امور زنان بغلان نیز سفر جوانان برایتأمین هزینه‌های بلند طویانه را تأیید کرده و می گوید که این جوانان به کشورهای ایران، عربستان و دیگر کشورها سفر می‌نمایند.[3]
3. **پیامد های طویانه:** طویانه‌های بلند مشکلاتی زیادی را به کانون خانواده نوتشکیل تحویل می‌دهد که سال ها خانواده‌های هر دو طرف و در نهایت جامعه درد و رنج آن را متحمل می‌شود. در همین زمینه از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شد که «به نظر شما، پرداخت طویانه‌های گزاف چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟» ایشان در پاسخ به پرسش فوق چنین ابراز نظر کرده‌اند: خشونت‌های خانوادگی 1196 (35.34279٪کل نظریات) مورد، ارتکاب جرم 743 (21.956260٪کل نظریات) مورد، رجوع به فساد اخلاقی 396 (11.70213٪کل نظریات) مورد، اعتیاد به مواد مخدر 594 (17.55319٪کل نظریات) مورد، معلولیت جسمانی 154 (4.550827٪کل نظریات) مورد، پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 290 (8.56974٪کل

[1] مصاحبه با خانم پروین هآهنگی‌کننده ولسوالی‌ها ریاست امور زنان ولایت بغلان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۲**، پلخمری، بغلان، افغانستان.
[2] خانم پروین ، پیشین.
[3] خانم پروین، پیشین.

نظریات) مورد و مشکلات دیگر 11 (0.325059٪کل نظریات) مورد انتخاب گردیده‌است. ریاست امور زنان بغلان پیامدهای طویانه‌های بلند را به چهار بخش اساسی؛ اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و صحی تقسیم نموده و چنین توضیح می‌دهد:

- اجتماعی: یک رسم ناپسند در جامعه ترویج می‌یابد.
- خانوادگی: ارزش عروس در خانواده کم می‌شود و وغیره مسایل دیگر.
- اقتصادی: ضربه به خانواده و اقتصاد بچه (داماد) وارد می‌شود.
- صحی: به روان دختر و پسر صدمه وارد می‌شود.[1]

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال:**طویانه‌های بلند هم یکی از عوامل افزایش سن ازدواج دختران است و باعث می شود که دختران مجرد پیر شوند و به ازدواج نکنند. به همین ترتیب از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شد که «آیا در منطقه شما دختران مجرد بزرگ‌سال (35 به بالا) هستند؟» 429 (21.91011٪) نفر پاسخ مثبت داده‌اند و 1529 (78.08989٪) پاسخ منفی داده‌اند. علاوه بر پرسش فوق، از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شد که؛ « اگر پاسخپرسش قبلی «بلی» باشد، در هر خانوده چند نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد؟» و مجموع دختران بزرگ‌سال بر اساس آنانیکه پاسخ مثبت داده‌اند، در میان خانواده های فوق از 1 تا 5 نفر و بطور متوسط 3.41 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد. ریاست امور زنان ولایت بغلان قادر به ارایه آمار دقیق دختران مجرد بزرگ‌سال نبوده ولی گفته‌اند که دختران مجرد بزرگ‌سال بیتشر در شهر بوده و علت آن تحصیلات می‌باشد.[2]

ج:زنان بیوه و نان‌آور

تعداد زیادی از زنان افغان به نسبت جنگ‌های پیاپی و مشکلات امنیتی شوهران خود را از دست داده و وظیفه نان‌آوری در خانواده را خود بر دوش کشیده‌اند. از جانب دیگر زنان زیادی هستند که به نسبت مهارت‌های حرفه‌ای یا توانایی‌های کاری ویا عجز و ناتوانی شوهر، به اشتغال پرداخته و مصارف خانواده را تأمین می‌نمایند.

۱. **زنان بیوه:**در اینجا به بررسی تعداد زنان بیوه و نان‌آور می پردازیم. مصاحبه‌شونده‌ها در برابر این پرسش که «آیا در منطقه شما زنان بیوه هستند؟» چنین پاسخ داده‌اند: 1772 (89.49495٪) نفر پاسخ مثبت و 208 (10.50505٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. متعاقباً از آنانیکه در پرسش فوق، پاسخ مثبت داده‌اند، پرسیده‌شد که آیا در خانواده شما خانم بیوه‌ای است؟ 654 (36.90745٪) نفر پاسخ مثبت و 1118 (63.09255٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند که تعداد مجموعی زنان بیوه بر اساس اظهارات مصاحبه‌شونده‌ها به 710 نفر می رسد.ریاست امو زنان ولایت بغلان میگوید که: «9٪ زنان این ولایت را بیوه تشکیل می‌دهد.»[3]

۲. **زنان نان‌آور:**به همین ترتیب از مصاحبه شونده‌ها پرسیده شد که آیا در منطقه شما زنان‌آور خانواده هستند یا خیر؟ از میان 1980 نفر، 802 (40.50505٪) نفر پاسخ مثبت و 1178 (59.49495%) نفر پاسخ منفی داده‌اند و از میان آنانیکه پاسخ مثبت داده‌اند، پرسیده‌شدکه آیا در خانواده شما زنی نان‌آور است؟ 317 (39.52618٪) نفر آن پاسخ مثبت و 485 (60.47382٪) نفر آن پاسخ منفی داده‌اند و تعداد مجموعی زنان نان‌آور خانواده از نظر مصاحبه‌شونده‌ها به 406 نفر می رسد. به هرحال نتایج فوق نشان‌دهنده این است که تعداد زیادی از زنان نقش مهم در تأمین هزینه‌های اقتصادی داشته اند و سهم فعال خود را در قابل خانواده ایفا می‌نمایند. به نظر ریاست امور زنان ولایت بغلان 8٪ زنان بغلان نان‌آور خانواده‌های خویش می‌باشند.[4]

---

[1] خانم پروین، پیشین.
[2] خانم پروین، پیشین.
[3] خانم پروین، پیشین.
[4] خانم پروین، پیشین.

۳. **زنان دهقان:** دهقانی هم پیشه باستانی مردم افغانستان است که زنان نیز در کنار مردان کار می‌کنند. به اساس مصاحبه‌های انجام شده، از میان 1980 نفر؛ 1651 (83.38384٪) نفر آن گفته اند که زنان در مناطق شان در کارهای دهقانی با مردان همکاری می‌نمایند و 329 (16.61616٪) نفر گفته اند زنان در مناطق شان در کارهای زراعتی با مردان سهیم نیستند. از میان 1651 مذکور؛ 1030 (62.38643٪) نفر آن گفته است که زنان خانواده شان عملاً در کارهای زراعتی با ایشان همکار اند و 621 (37.61357٪) نفر آنان گفته اند که زنان خانواده خود شان در کارهای دهقانی با آنان همکاری نمی‌کنند. در میان کل جمعیت زنان ولایت بغلان، 13.2٪ آن مصروف های کارهای زراعتی می باشند.[1]

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در این ولایت نیز شایع بوده و گاه‌گاهی نام این ولایت را سر زبان و محور بحث رسانه‌ها قرار داده است. در این گفتار به بررسی اعمال خشونت علیه زنان در بغلان، انواع خشونت‌های رایج، علل خشونت علیه زنان، نهادهای مسئول برای رسیدگی پرونده‌های خشونت علیه زنان از دیدگاه مردم و راهکارهای مبارزه با آن خواهیم پرداخت.

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در بغلان در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا خشونت علیه زنان در این ولایت افزایش یافته است؟ و کدام نوع خشونت‌ها بیتشر شایع است؟

[1] خانم پروین، پیشین.

1. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:** از 1980 نفر پرسیده شد که آیا در مناطق شما خشونت علیه زنان اعمال می گردد؟ از میان آنها 824 (41.61616٪) نفر پاسخ مثبت و 1156 (58.38384٪) پاسخ منفی داده‌اند. متعاقباً از 824 نفر فوق پرسیده شد که کدام خشونت‌ها در مناطق شما بیشتر اعمال می‌گردد؟ پاسخ ایشان قرار ذیل است: تجاوزجنسی 70 (2.301118٪ کل نظریات) مورد، مجبور نمودن به فحشا 6 (0.197239٪ کل نظریات) مورد، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 22 (0.723208٪ کل نظریات) مورد، خشونت منجر به خودکشی 301 (9.894806٪ کل نظریات) مورد، جراحت و معلولیت 146 (4.799474٪ کل نظریات) مورد، لت و کوب 610 (20.0526٪ کل نظریات) مورد، خرید و فروش زن 121 (3.977646٪ کل نظریات) مورد، بددادن 175 (5.752794٪ کل نظریات) مورد، نکاح اجباری 223 (7.330703٪ کل نظریات) مورد، ممانعت از ازدواج 202 (6.640368٪ کل نظریات) مورد، نکاح زیرسن 187 (6.147272٪ کل نظریات) مورد، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 220 (7.232084٪ کل نظریات) مورد، آزار و اذیت 111 (3.648915٪ کل نظریات) مورد، انزوای اجباری 57 (1.873767٪ کل نظریات) مورد، اعتیاد اجباری 61 (2.۰۰۵۲۶٪ کل نظریات) مورد، منع تصرف در ارث 106 (3.48455٪ کل نظریات) مورد، منع تصرف در اموال 92 (3.024326٪ کل نظریات) مورد، ممانعت از تحصیل 163 (5.358317٪ کل نظریات) مورد، ممانعت از کار 46 (1.512163٪ کل نظریات) مورد، کاراجباری 37 (1.216305٪ کل نظریات) مورد، ازدواج با بیش از یک زن 60 (1.972387٪ کل نظریات) مورد، نفی قرابت 22 (0.723208٪ کل نظریات) مورد و انواع دیگر 4 (0.131492٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است. قوماندانی امنیه ولایت بغلان در شش ماه اول سال 1393 فقط 13 قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده‌است[1] ولی فهرست کامل خشونت علیه زنان را برای ما فراهم نکردند.
2. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:** از 1980 در مورد افزایش پرسیده شد که از مجموع همه آنها؛ 351 (17.72727٪) نفر پاسخ مثبت و 1629 (82.27273٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند و از 351 نفر مذکور پرسیده شد که علل افزایش خشونت علیه زنان چیست؟ آنها عوامل ذیل را معرفی نمودند: فقر اقتصادی 318 (71.46067٪ کل نظریات) مورد، بیکاری 45 (10.11236٪ کل نظریات) مورد، تکالیف روانی 11 (2.47191٪ کل نظریات) مورد، فرهنگ مردسالاری 6 (1.348315٪ کل نظریات) مورد، ازدواج های اجباری 10 (2.247191٪ کل نظریات) مورد، مشکلات خانوادگی 29 (6.516854٪ کل نظریات) مورد، فساد اخلاقی 22 (4.94382٪ کل نظریات) مورد، علل دیگر 4 (0.898876٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌اند. قوماندانی امنیه ولایت بغلان شاهد افزایش 90٪ درصدی خشونت علیه زنان بوده و علل آن را در عرف‌های ناپسند، عدم آگاهی مردم از قانون، خدا و قانون، اقتصاد پایین و سایر موارد دیگر، می‌دانند.[2]

[1] مصاحبه با سمونوال عبدالرشید کارمند قوماندانی امنیه بغلان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۳**، پلخمری، بغلان، افغانستان.
[2] سمونوال عبدالرشید ،پیشین

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهاهای عدلی

1. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده:** یکی از مشکلات دیگر قربانیان خشونت علیه زنان، عدم آگاهی آنها در زمینه نهادهای رسیدگی‌کننده به خشونت علیه زنان است. 1980 نفر مصاحبه‌شونده در زمینه اینکه « آیا می‌دانید؛ اگر زنی متضرر خشونت واقع گردد، به کجا مراجعه کند؟» چنین ابراز نظر کرده‌اند: 1518 نفر (76.66667٪) پاسخ «بلی» و 462 (23.33333٪) نفر پاسخ «نخیر» داده‌اند. به همین ترتیب از 1518 نفر پرسیده شد که « اگر پاسخ بالا «بلی» است، بگویید که به کدام یک از ادارت ذیل مراجعه کنند؟» چنین ابراز نظر نموده‌اند: قریه‌دار و ولسوالی 1025 (32.04126٪ کل نظریات) مورد، پولیس 385 (12.03501٪ کل نظریات) مورد، مدیریت حقوق 204 (6.376993٪ کل نظریات) مورد، ریاست امور زنان 751 (23.47609٪ کل نظریات) مورد، دادستانی 67 (2.094405٪ کل نظریات) مورد، محکمه 585 (18.28696٪ کل نظریات) مورد، کمیسیون حقوق بشر 162 (5.064083٪ کل نظریات) مورد، مؤسسات جامعه مدنی 19 (0.593936٪ کل نظریات) مورد و ادارات دیگر 1 (0.03126٪ کل نظریات) انتخاب شده‌است. در این بحث، ریاست امور زنان ولایت بغلان به این نظر است که؛ زنان متضرر خشونت معمولاً به ریاست امور زنان مراجعه می‌نمایند.[1]
2. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی:** 1980 مصاحبه‌شونده به پاسخ این پرسش که «آیا زنان در شریک ساختن مشکلات خود با ادارات عدلی (دولتی) علاقه و اعتماد دارند؟» چنین گفته اند: 687 (34.69697٪) نفر پاسخ «بلی» و 1293 (65.30303٪) نفر پاسخ «نخیر» ارایهنموده‌اند. بنابرین؛ بیشترین مصاحبه‌شونده‌ها به این باور اند که زنان بر نهادهای عدلی و قضایی در شریک‌سازی مشکلات شان اعتماد دارند ولی 687 نفر مذکور در مورد اینکه چرا زنان به آن نهادها اعتماد ندارند، چنین بیان کرده‌اند: عدم پیگیری درست قضایا252 (11.18012٪کل نظریات) مورد، رفتار نادرست با زنان متضرر و آسیب‌پذیر 18 (0.79858٪کل نظریات) مورد، فساداداری 132 (5.856256٪کل نظریات) مورد، توهین و تحقیر 79 (3.50488٪کل نظریات) مورد، مجرم دانستن زنان 191 (8.473824٪کل نظریات) مورد، عرف حاکم بر جامعه 669 (29.68057٪کل نظریات) مورد، شرم زنان از مراجعه به دولت 683 (کل نظریات٪30.30169) مورد، نبود کارمندان کافی زن در ادرات 209 (9.272405٪کل نظریات) مورد و علل دیگر 21 (0.93167٪کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است که بزرگترین عامل در این قسمت، شرم زنان و عرف جامعه محسوب می‌گردد.

[1] خانم پروین، پیشین.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان:** مؤسسات جامعه مدنی فعالیت‌های را در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان ارایه می‌نمایند و در این قسمت به بررسی چگونگی ارایه خدمات مؤسسات در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان می‌پردازیم. مصاحبه‌شونده‌ها در برابر این پرسش که « آیا مؤسسات جامعه مدنی برای کاهش خشونت علیه زنان خدماتی را در منطقه شما ارایه نموده‌است؟» چنین پاسخ داده‌اند: 49 (2.474747٪) پاسخ «بلی» و 1931 (97.52525٪) نفر پاسخ «نخیر» داده‌اند و از 49 نفر فوق پرسیده شد که مؤسسات مذکور چه خدماتی را در امر مبارزه با خشونت علیه زنان ارایه می نمایند که؛ آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی 7 (11.86441٪ کل نظریات) مورد، آگاهی و مشاوره شغلی 17 (28.81356٪ کل نظریات) مورد، فراهم‌آوری شغل برای زنان 12 (20.33898٪ کل نظریات) مورد، دفاع از حقوق زنان 18 (30.50847٪ کل نظریات) مورد و خدمات دیگر 5 (8.474576٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است. ریاست امور زنان ولایت بغلان نیز ارایه خدمات توسط مؤسسات برای مبارزه با خشونت علیه زنان را تأیید نموده و مؤسسات هیواد، مؤسسه خدمات حقوقی و فرهنگی برای زنان و سازمان انکشافی پامیر را نام برده‌است.[1]
2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر:** پرسش دیگری که از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شد که «آیا مؤسسات جامعه مدنی در منطقه شما است که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب پذیر ارایه نمایند؟»، 154 (7.777778٪) نفر پاسخ «بلی» و 1826 (92.22222٪) نفر پاسخ «نخیر» ارایهنموده‌اند. آنانیکه وجود مؤسسات فوق را تأیید نموده‌اند، خدمات آن مؤسسات را چنین بیان نموده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 5 (2.118644٪ کل نظریات) مورد، وکالت دفاع رایگان 1 (0.423729٪ کل نظریات) مورد، پیگیری قضایا و دادخواهی 1 (0.423729٪ کل نظریات) مورد، فراهم‌آموری خانه های امن 0 (0٪ کل نظریات) مورد، خدمات صحی و روانی 148 (62.71186٪ کل نظریات) مورد، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب های احتمالی 81 (34.3223٪ کل نظریات) مورد و خدمات دیگر 0 (0٪ کل نظریات) مورد انتخاب شده‌است. ریاست امور زنان خدمات مؤسسات برای دختران و زنان آسیب‌پذیر در ولسوالی‌های بغلان را تأیید نموده و شاهد وجود چنین مؤسساتی بوده‌اند. خدمات مؤسسات فوق معمولاً بخش‌های متفاوت را تحت پوشش داشته ولی اکثریت آنها مبارزات با خشونت علیه زنان را انجام می‌دهند.[2]
3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب پذیر:** با 1980 نفر شهروند ولایت بغلان در مورد شوراهای انکشافی محلی در مناطق شان پرسیده شد که «آیا شوراهای انکشافی محلی در منطقه شما است که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر ارایه نمایند؟» 439 (22.17172٪) نفر پاسخ مثبت و 1541 (77.82828٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه وجود شوراهای انکشافی را در محلات و مناطق شان تأیید می‌کنند، خدمات آن نهادها را چنین بر می‌شمارند: مشوره حقوقی رایگان 11 (2.682927٪کل نظریات) مورد، وکالت دفاع رایگان 0 (0٪کل نظریات) مورد، پیگیری قضایا و دادخواهی 0 (0٪کل نظریات) مورد، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 27 (6.585366٪کل نظریات) مورد، وساطت و میانجی‌گری 289 (70.4878٪کل نظریات) مورد، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 83 (20.2439٪کل نظریات) مورد، آموزش مردان برای رفع آسیب، (0٪کل نظریات) مورد و خدمات دیگر (0٪کل نظریات) مورد گفته شده‌است.

---

[1] پیشین.
[2] پیشین.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

به نظر شما از چه طریقی میتوان میزان خشونت علیه زنان را کاهش داد؟ مصاحبه‌شونده‌ها راهکاری مورد نظر شان را چنین بیان نموده‌اند: آگاهی دینی - حقوقی از طریق مساجد 1265 (31.85596٪کل نظریات) مورد، آگاهی دینی - - حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 637 (16.0413٪کل نظریات) مورد، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 463 (11.65953٪کل نظریات) مورد، تعلیم و تربیه شهروندان 289 (7.277764٪کل نظریات) مورد، باسواد ساختن اعضای جامعه 667 (16.79678٪کل نظریات) مورد، شغل‌زایی 392 (9.871569٪کل نظریات) مورد، بالا بردن سطح اقتصاد شهروندان 239 (6.018635٪کل نظریات) مورد و راهکارهای دیگر 19 (0.478469٪کل نظریات) مورد گفت شده‌است.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده شد که «به نظر شما از ده سال قبل تا حال تغییراتی در زندگی خانم ها به میان آمده است؟» 1837 (92.77778٪) نفر پاسخ مثبت و 143 (7.222222٪) پاسخ منفی داده‌اند و 92.77778٪ مذکور تغییرات به‌میان آمده را چنین بر می‌شمارند: رفتن دختران به مکتب 1668 (53.2567٪کل نظریات) مورد، کارکردن زنان درادارات و دفاتر 392 (12.51569٪کل نظریات) مورد، کاهش خشونت علیه زنان 1068 (34.09962٪کل نظریات) مورد و تغییرات دیگر 4 (0.127714٪کل نظریات) مورد گفته شده‌است. در زندگی زنان تغییرات آمده است؛ در قسمت تعلیم و تحصیلات، کارکردن زنان در ادرات، ظاهر شدن در رسانه‌ها، رأی دادن و سایر موارد دیگر.[1]

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

در مجموع از میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده‌ها در برابر این پرسش که؛ « به نظر شما آیا مؤسسات و جامعه مدنی تا حال در زمینه مجسم ساختن نقش زنان کوشش کرده‌اند؟» 465 (23.48485٪) نفر پاسخ مثبت و 1515 (76.51515٪) نفر پاسخ منفی داده‌اند و آنانیکه پاسخ مثبت داده‌اند، موارد کارهای مهم مؤسسات و جامعه مدنی را در عرصه مجسم نمودن نقش زنان چنین بیان نموده‌اند: راه‌اندازیکنفرانس‌هایآگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 101 (15.18797٪کل نظریات) مورد، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 271 (40.75188٪کل نظریات) مورد، استخدام زنان در دفاتر شان 252 (37.89474٪کل نظریات) مورد، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 41 (6.165414٪کل نظریات) مورد و کارهای دیگر 0 (0٪) مورد گفته شده‌است. مؤسسات در تجسم نقش حقوق زنان در جامعه نقش مهم داشته و در عرصه کار و امور زندگی، فعالیت‌های متعدد در اجتماع و رسانه ها و سایر موارد دیگر با زنان کمک کرده‌است.[2]

[1] پیشین.
[2] پیشین.

مبحث سوم: فاریاب

گفتار اول: وضعیت عمومی

جامعه نمونه تحقیق ما در ولایت فاریاب را ولسوالی‌های قرغان، شیرین‌تگاب و پشتون‌کوت شامل می‌گردد که با درنظرداشت موارد موردنظر انتخاب شده بود. در این ولایت مجموعاً با 1980 نفر (980 زن و 980 مرد) مصاحبه به عمل آمده‌است که از مجموع 1980 نفر؛ 115 (5.808081٪) نفر آن را مجرد و 1865 (94.19192٪) نفر آن را متأهل تشکیل داده و از مجموع 1980 نفر مذکور؛ 1775 (89.64646٪) نفر آن بی‌سواد و 205 (10.35354٪) نفر آن باسواد می‌باشد. تعداد مجموعی اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 20043 نفر می رسد که؛ 9735 (48.57057٪) نفر آن را مرد و 10308 (51.42943٪) نفر آن را زن تشکیل می‌دهد که در میان همه آنها مجموعاً 5914 نفر اعضای مکتب‌خوان وجود دارد که؛ 54.07508٪ (3198 نفر) آن را ذکور و 45.92492٪ (2716 نفر) آن را اناث تشکیل می‌دهد. در میان 20043 نفر اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها؛ 1380 نفر آن را اشخاص باسواد احتوا می‌نماید که 873 (63.26087٪) نفر آن مرد و 507 (36.73913٪) نفر دیگر آن زن می‌باشد.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

شهروندان هم باورمند به ارزش معارف بوده و این را حق زنان می دانند تا در کنار مردان از مزایای علوم برخوردار شوند. نتایج سروی نشان دهنده این است که از میان 1980 نفر؛ 68.43434٪ (1355 نفر) آن به دختران خویش اجازه مکتب رفتن را می‌دهند و فقط 31.56566٪ (625 نفر) آن گفته اند که به دختران شان اجازه مکتب رفتن را نمی‌دهند. آنانیکه در مورد فوق پاسخ منفی ارایه‌کرده‌اند، علل ذیل را مانع رفتن دختران شان به مکتب ارایه می‌کنند: ناامنی 24.47149٪ کل نظریات (382 مورد)، تهدید طالبان و شورشی‌ها 17.2966٪ کل نظریات (270 مورد)، عرف و عادات جامعه 18.32159٪ کل نظریات (286 مورد)، نبود مکاتب 15.88725٪ کل نظریات (248 مورد)، نبود معلمین اناث 13.13261٪ کل نظریات (205 مورد)، پایین بودن کیفیت درسی 4.996797٪ کل نظریات (78 مورد)، نبود جای مناسب برای مکاتب دخترانه 5.893658٪ کل نظریات (92 مورد) و 0٪ کل نظریات (0 مورد) را به خود اختصاص داده‌اند که جدی‌ترین موارد آن «ناامنی»، «تهدید طالبان و شورشی‌ها» و «عرف و عادات جامعه» تشکیل می‌دهد. ریاست معارف ولایت فاریاب در زمینه چنین ابراز نظر می‌نماید: در داخل شهر میمنه همگان دختران شان را اجازه می‌دهند که به مکتب بروند و درس بخوانند اما در بعضی ولسوالی‌ها مانند المار و قیصار اجازه نمی‌دهند. موارد اجازه ندادن دختران برای رفتن به مکتب ثبت نشده ولی شنیده شده که آنها دختران شان به مکتب نگذاشته اند و اینطور فکر می‌کنند که مبادا دختران شان به بی‌راهه خواهند رفت و بعداً خانه نیشین خواهند شد. در سال های قبل با مشکل اجازه ندادن دختران به مکتب مواجه نشده بودیم اما امسال از طریق محاسن سفیدان مورادی را شنیده‌ایم.[1]

[1] مولوی محمد نصیر نصرتیار معاون ریاست معارف ولایت فاریاب، ۱۳۹۳/۰۷/۰۶، شهر میمنه، فاریاب، افغانستان.

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اکثریت شهروندان ولایت فاریاب اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را در مکاتب رد می‌نمایند و فقط تعداد محدودی از شهروندان آن ولایت، اعمال خشونت‌های فوق را تأیید می‌کنند. نتایج سروی نشان‌دهنده این است؛ از میان 1980 نفر، 10.80808٪ (214 نفر) آن اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را در مکاتب تأیید و 89.19192٪ (1766 نفر) آن اعمال خشونت های فوق را رد نموده‌اند. آنانیکه اعمال چنین خشونت‌ها را تأیید نموده‌اند؛ انواع آن خشونت‌ها را چنین تفکیک می‌کنند: لت و کوب 67 مورد (16.79198٪کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 72 مورد (18.04511٪کل نظریات)، آزار و اذیت 43 مورد (10.77694٪کل نظریات)، ممانعت از تعلیم 27 مورد (6.766917٪کل نظریات)، جراحت و معلولیت 18 مورد (4.511278٪کل نظریات)، اعمال تبعیض در درس خواندن 52 مورد (13.03258٪کل نظریات)، اعمال تبعیض در نمره‌دادن 117 مورد (29.32331٪کل نظریات) و انواع دیگر 3 مورد (0.75188٪کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که بزرگترین موردآنرا «اعمال تبعیض در نمره‌دادن» تشکیل می‌دهد. آقای نصرت‌یار در این قسمت از اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث توسط استادان و مسوولین مکاتب اشاره نکرده و از خشونت‌های اعضای خانواده در قبال دانش‌آموزان اناث چنین یاد می‌کند:

- روان کردن دختران شان به مکتب را ننگ می‌دانند.
- دختران اکثراً از طرف برادران شان بدون موجب لت و کوب می‌شوند.
- اکثریت مردم ولسوالی ها طرف‌دار رفتن دختران به مکاتب نیستند.

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

در این قسمت به بررسی دیدگاه شهروندان ولایت فاریاب در مورد علل و عوامل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب می‌پردازیم. بی‌اعتقادی به حقوق زنان 16.56325٪ کل نظریات (347 مورد)، ناآگاهی از حقوق زنان 21.95704٪ کل نظریات (460 مورد)، قوم‌گرایی 20.90692٪ کل نظریات (438 مورد)، عقده‌گشایی 15.84726٪ کل نظریات (332 مورد)، مادی‌گرایی 15.0358٪ کل نظریات (315 مورد) و خودخواهی 9.689737٪ کل نظریات (203 مورد) را به خود اختصاص داده‌اند که بیشترینه علت خشونت علیه دانش‌آموزان اناث ناآگاهی از حقوق زنان دانسته شده‌است. معاون معارف فاریاب علل اجازه ندادن دختران برای مکتب رفتن را چنین بیان می‌نماید:

- مردم به این فکر اند که مبادا دختران شان سیاه‌بخت خواهند شد.
- نبود استادان مسلکی در مکتب مربوطه
- نبود صنف درسی، کتب و اداره درست
- سؤاستفاده از طبقه اناث

از طرف دیگر آقای نصرت‌یار علل همه خشونت علیه دختران را چنین معرفی می نماید:

- نبود علم و دانش کافی
- نبود اقتصاد درست
- نبود امنیت در منطقه
- عدم آگاهی‌دهی حقوق زنان از طرف دولت[1]

[1] مولوی محمد نصیر نصرتیار، پیشین.

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

شهروندان ولایت فاریاب راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه زنان معرفی نموده‌اند که ذیلاً بیان می گردد: تدویر برنامه‌های آموزشی 33.50151٪ کل نظریات (664 مورد)، پیگیری عدلی خشونت ها 20.43391٪ کل نظریات (405 مورد)، دفتر نظارت بر رفتار مسولین و استادان مکاتب 25.73158٪ کل نظریات (510 مورد)، دادخواهی از حقوق دانش‌آموزان اناث 20.23209٪ کل نظریات (401 مورد) و راه‌های دیگر 0100908٪ کل نظریات (2 مورد) را احتوا می‌نماید که «تدویر برنامه‌های آموزشی» بیشترین سهم نظریات را به خود اختصاص داده است. ریاست معارف فاریاب در قبال راهکارهای پیشنهادی مردم آن ولایت، راهکارهای آتی را پیشنهاد می کند:

- آگاهی‌دهی حقوق زنان از دیدگاه اسلام و قانون
- بلندبردن سطح دانش دختران
- مشخص ساختن وجایب دختران از دیدگاه اسلام و قانون

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج دختران

فاریاب یکی از ولایاتی است که ازدواج زیرسن و قبل از وقت در آن شایع است و حالا به بررسی سن ازدواج دختران در این ولایت می‌پردازیم: از 9 تا 12 سالگی 1.436323٪ کل نظریات (45 مورد)، 12 تا 14 سالگی 2.840728٪ کل نظریات (89 مورد)، 14 تا 16 سالگی 22.75774٪ کل نظریات (713 مورد)، 16 تا 18 سالگی 35.04628٪ کل نظریات (1098 مورد) و از 18 سالکی به بالا 37.91893٪ کل نظریات (1188 مورد) را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس نتایج فوق؛ بیشترین سهم نظریات نشان‌دهنده نرخ بالای ازدواج‌های زیر سن یعنی «16 تا 18 سالگی» و ازدواج در «سن قانونی» می باشد، ولی با وجود آن هم، ازدواج زیرسن قانونی هنوز هم به عنوان یک چالش جدی در این ولایت مطرح است. ریاست امور زنان ولایت فاریاب می گوید که سن ازدواج در این ولایت بطور متوسط 14 سالگی می‌باشد و دختران بیشتر در ولسوالی‌ها در سنین پایین به ازدواج درآورده می‌شوند.[1]

ب: طویانه و پیامدها.

1. **نرخ طویانه:** نرخ طویانه از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت است، بنابرین در این قمست به بررسی نرخ طویانه در ولایت فاریاب می‌پردازیم که نتایج تحقیق در زمینه چنین صراحت دارد: 1تا 3 لک افغانی 1.436417٪ کل نظریات (34 مورد)، 3 تا 6 لک افغانی 38.99451٪ کل نظریات (923 مورد)، 6 تا 9 لک افغانی 35.78369٪ کل نظریات (847 مورد)، 9 تا 12 لک افغانی 20.65906٪ کل نظریات (489 مورد)، 12 تا 15 لک افغانی 3.12632٪ کل نظریات (74 مورد) و مبالغ دیگر 0٪ کل نظریات (0 مورد) را به خود اختصاص داده است که بیشترین سهم نظریات مربوط نرخ‌های «3 تا 6 لک افغانی»، «6 تا 9 لک افغانی» و «9 تا 12 لک افغانی» به خود اختصاص داده است که مایه نگرانی است. خانم عظیمی میگوید که نرخ طویانه در این ولایت بین 2 لک الی 15 لک افغانی می باشد.
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** آیا جوانان فاریاب هم برای تأمین طویانه‌های بلند به خارج از کشور سفر می کنند؟ مصاحبه‌شونده‌ها در برابر پرسش فوق چنین پاسخ داده‌اند. در میان 1980 نفر؛ 1941 نفر (98.0303٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 39 نفر (1.969697٪ کل نفر ها) پاسخ منفی ارایه‌نموده‌اند. ارایه‌کننده‌های پاسخ مثبت، مورد پرسش قرار گرفتند که آیا از خانواده‌های ایشان مردی به این منظور به خارج از کشور سفرکرده است یا خیر؟ شهروندان ولایت فاریاب در زمینه چنین پاسخ داده اند. در میان 1941 نفر؛ 1239 نفر (63.83308٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 702 نفر (36.16692٪

[1] مصاحبه با خانم شریفه عظیمی کارمند ریاست امور زنان ولایت فاریاب، ۱۳۹۳/۰۷/۰۱، شهر میمنه، فاریاب، افغانستان.

کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند و نتیجه بیانگر سفر تعداد زیادی از شهروندان ولایت فاریاب به کشورهای خارجی برای تأمین طویانه‌های بلند می‌باشد. ریاست امور زنان فاریاب نیز شاهد سفر جوانان این ولایت به خارج برای تأمین هزینه‌های بلند طویانه بوده و می گوید که تعداد زیادی از جوانان به این منظور به کشور ایران سفر می کنند.[1]

3. **پیامد های طویانه**: طویانه‌های گزاف چه پیامدهای برای جامعه و خانواده خواهد داشت و چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟ شهروندان ولایت فاریاب در زمینه پیامدها و مشکلات ناشی از طویانه‌های گزاف چنین ابراز نظر می‌کنند: خشونت‌های خانوادگی 1397 مورد (31.92413٪ کل نظریات)، ارتکاب جرم 962 مورد (21.98355٪ کل نظریات)، رجوع به فساد اخلاقی 587 مورد (13.41408٪ کل نظریات)، اعتیاد به موادمخدر 929 مورد (21.22943٪ کل نظریات)، معلولیت جسمانی 219 مورد (5.۰۰۴۵۷٪ کل نظریات)، پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 281 مورد (6.421389٪ کل نظریات) و مشکلات دیگر 1 مورد (0.022852٪ کل نظریات) به خود اختصاص داده‌اند که بیشترین سهم مربوط «خشونت‌های خانوادگی» می گردد. پیامد ناگوار گرفتن طویانه‌های بلند در ازدواج‌ها از دیدگاه ریاست امور زنان فاریاب قرار ذیل خواهد بود:

- منازعات خانوادگی،
- سؤاخلاق (خراب شدن اخلاق)،
- و خشونت‌های خانوادگی

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال:**شهروندان ولایت فاریاب در مورد اینکه آیا در مناطق شان دختران مجرد بزرگ‌سال (35 سال به بالا) وجود دارد یا خیر؟ چنین پاسخ داده‌اند: از میان 1980 نفر؛ 368 نفر (18.58586٪ کل نفرها) آن پاسخ مثبت و 1612 نفر (81.41414٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه جوا ب مثبت داده‌اند، حد اکثر دختران مجرد در یک خانواده را 5 نفر، حد اقل دختران مجرد در یک خانواده را 1 نفر و حد اوسط دختران مجرد در یک خانواده را 1.22 نفر بیان نموده‌اند. ریاست امور زنان فاریاب آمار دقیق در مورد دختران مجرد بزرگ‌سال ندارد.

ج:زنان بیوه و نان‌آور

1. **زنان بیوه:** از شهروندان ولایت فاریاب در مورد اینکه آیا در مناطق شما زنان بیوه هستند یا خیر؟ چنین پاسخ داده‌اند. از میان 1980 نفر؛ 1492 نفر (75.35354٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 488 نفر (24.64646٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. 1492 نفر ارایه‌کنندهپاسخ مثبت مورد پرسش قرار گرفتند که آیا در خانواده شما زنی بیوه است؟ و ایشان در مورد چنین پاسخ داد اند: از میان 1492 نفر؛ 527 نفر (35.32172٪ کل نفرها) جوب مثبت و 965 نفر (64.67828٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در پاسخ پرسش دوم هم پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، تعداد مجموعی زنان بیوه شان به 624 نفر می رسد که حد اکثر در در هر خانواده 965 نفر فوق 4 نفر زن بیوه، حداقل یک نفر و بطور اوسط 1.18 نفر زن بیوه وجود دارد. ریاست امور زنان به این نتیجه رسیده است که؛ بیشتر از 35٪ زنان را بیوه تشکیل می‌دهد.[2]

٤. **زنان نان‌آور**: در این قسمت این مسئله را بررسی می کنیم که در ولایت فاریاب چه تعداد زنان نان‌آور خانواده خود هستند؟ شهروندان ولایت فاریاب در مورد موجودیت چنین زنان، این‌چنین نظر داده‌اند: از میان 1980 نفر؛ 1448 نفر (73.13131٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 532 نفر (26.86869٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. ارایه‌کننده‌های پاسخ مثبت مورد پرسش قرار گرفتند که آیا در خانواده شما زنان نان‌آور وجود دارد یا خیر؟ از میان 1448 نفر ارایه‌کنندهپاسخ مثبت؛ 456 نفر

[1] خانم شریفه عظیمی، پیشین.
[2] خانم شریفه عظیمی، پیشین.

(31.57895٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 988 نفر (68.42105٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. تعداد مجموعی زنان نان آور به اساس گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 702 نفر می رسد که حد اکثر در یک خانواده 8 نفر زن نان‌آور، حداقل یک نفر و بطور متوسط 1.54 نفر زن نان‌آور وجود دارد. ریاست امور زنان فاریاب: قرار ارقام بالاتر از 35٪ زنان در فاریاب نان‌آور خانواده می‌باشد.[1]

۵. **زنان دهقان**: سهم زنان در دهقانی با مردان در تمام ولایات افغانستان معمول و قابل ملاحظه بوده است، بنابرین، در این قسمت به بررسی وضعیت دهقانی زنان فاریاب می‌پردازیم. از میان 1980 نفر؛ 1003 نفر (50.65657٪ کل نفرها) گفته اند که زنان در مناطق شان کارهای دهقانی را انجام می‌دهند و 977 نفر (49.34343٪ کل نفرها) گفته اند که زنان کارهای دهقانی را انجام نمی‌دهند. آنانیکه پاسخ مثبت داده‌اند، مورد پرسش قرار گرفتند که آیا زن شما با شما در کارهای دهقانی همکاری می‌کنند؟ از میان 1003 نفر؛ 472 نفر (47.05882٪ کل نفرها)پاسخ «بلی» و 531 نفر (52.94118٪ کل نفرها) پاسخ «منفی» داده‌اند. تعداد مجموعی زنان دهقان در خانواده های 472 نفر فوق الذکر به 990 نفر می رسد که؛ حد اکثر در یک خانواده 8 نفر زن دهقان، حد اقل یک نفر و بطور متوسط 2.10 نفر زن دهقان وجود دارد. به نظر خانم عظیمی؛ بیشتر از 70٪ زنان مشغول کارهای زراعتی و دهقانی می‌باشد.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

۱. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:** خشونت علیه زنان در فاریاب نیز اعمال می گردد، دیدگاه فاریابی‌ها در مورد اعمال خشونت در مناطق شان چنین است: از میان1980 نفر؛ 876 نفر (44.24242٪ کل نفرها) گفته اند که خشونت علیه زنان اعمال می گردد و 1104 نفر (55.75758٪ کل نفرها) پاسخ رد ارایهکرده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال را چنین بیان نموده‌اند: تجاوزجنسی 1.842729٪ کل نظریات (101 مورد)، مجبورنمودن به فحشا 0.237183٪ کل نظریات (13 مورد)، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 0.510856٪ کل نظریات (28 مورد)، خشونت منجر به خودکشی 1.860974٪ کل نظریات (102 مورد)، جراحت و معلولیت 0.912242٪ کل نظریات (50 مورد)، لت و کوب 8.483853٪ کل نظریات (465 مورد)، خرید و فروش زن 3.265827٪ کل نظریات (179 مورد)، بددادن 3.192848٪ کل نظریات (175 مورد)، نکاح اجباری 6.787083٪ کل نظریات (372 مورد)، ممانعت از ازدواج 5.163291٪ کل نظریات (283 مورد)، نکاح زیرسن 10.0894٪ کل نظریات (553 مورد)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 4.688925٪ کل نظریات (257 مورد)، آزار و اذیت 4.670681٪ کل نظریات (256 مورد)، انزوای اجباری 3.119869٪ کل نظریات (171 مورد)، اعتیاد اجباری 3.101624٪ کل نظریات (170 مورد)، منع تصرف در ارث 4.926108٪ کل نظریات (270 مورد)، منع تصرف در اموال 4.542967٪ کل نظریات (249 مورد)، ممانعت از تحصیل 7.735815٪ کل نظریات (424 مورد)، ممانعت از کار 6.422186٪ کل نظریات (352 مورد)، کار اجباری 6.294472٪ کل نظریات (345 مورد)، ازدواج با بیش از یک زن 8.137201٪ کل نظریات (446 مورد)، نفی قرابت 3.959132٪ کل نظریات (217 مورد)، نوع دیگر 0.054735٪ کل نظریات (3 مورد) را به خود اختصاص داده‌اند که جدی‌ترین مورد آن «نکاح زیرسن» است.

[1] خانم شریفه عظیمی، پیشین.

۲. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:** آیا اعمال خشونت علیه زنان در ولایت فاریاب افزایش یافته است؟ شهروندان ولایت مذکور در مورد چنین اظهار نظر کرده‌اند. از میان 1980 نفر؛ 579 نفر (29.24242٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1401 نفر (70.75758٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه بر افزایش خشونت علیه زنان تأکید نموده‌اند، علل خشونت‌ها چنین بیان کرده‌اند: فقر اقتصادی 17.92717٪ کل نظریات (384 مورد)، بیکاری 17.46032٪ کل نظریات (374 مورد)، تکالیف روانی 15.54622٪ کل نظریات (333 مورد)، فرهنگ مردسالاری 12.46499٪ کل نظریات (267 مورد)، ازدواج‌های اجباری 11.57796٪ کل نظریات (248 مورد)، مشکلات خانوادگی 14.23903٪ کل نظریات (305 مورد)، فساد اخلاقی 10.64426٪ کل نظریات (228 مورد) و علل دیگر 0.140056٪ کل نظریات (3 مورد) را به خود اختصاص داده است که جدی‌ترین علت آن «فقر اقتصادی» و «بیکاری» پنداشته شده‌است. قوماندانی امنیه ولایت فاریاب می‌گوید که در شش ماه اول امسال 25 مورد خشونت علیه زنان ثبت شده که شامل لت و کوب، فعل زنا، ندادن نفقه از سوی شوهر، ضرر رسانیدن گوناگون به زنان و اینکه شوهر شان بدون موجب به خارج از کشور می‌روند. علاوه بر آن؛ ایشان به این باور اند که خشونت علیه زنان نسبت به شش ماه سال گذشته افزایش یافته و خشونت‌های افزایش یافته را شامل «خشونت فعل زنا» و «خشونت لت و کوب». قابل تذکر است که؛ خشونت ها علیه زنان بالاتر از 50 درصد افزایش یافته و تقریباً 50٪ خشونت‌ها به دادستانی راجع می‌گردد.[1] در بالا دیده می‌شود که آمر حل پرابلم‌های خانوادگی قوماندانی امنیه فاریاب قضایای مدنی را نیز شامل خشونت علیه زنان نموده مثلاً ندادن نفقه، سفر بی‌موجب شوهرها به خارج و از طرف دیگر جرایم ارتکابی توسط زنان یا به رضایت زنان را نیز شامل خشونت علیه زنان نموده، در حالیکه طبق قانون منع خشونت علیه زنان، آن جرم به عنوان خشونت علیه زنان معرفی نشده‌است. این مسئله بیان‌گر این است که؛ خشونت علیه زنان افزایش بالاتر از 50 درصد نداشته است و از طرف دیگر دیده می‌شود که این بخش قوماندانی فقط حدود 50٪ کل پرونده های خشونت علیه زنان را به دادستانیراجع می‌کند. این گفته‌ها مبیین این مسئله است که تعداد زیادی از قضایا از نوع مدنی بوده و به ریاست عدلیه راجع گردیده و تعداد اندکی از قضایای خشونت علیه زنان به نسبت خفیف بودن آن در مرحله پولیس خاتمه یافته است.

[1] مصاحبه با حبیب الله آمر حل پرابلم های خانوادگی قوماندانی امنیه ولایت بلخ، **۱۳۹۳/۰۷/۰۱**، شهر میمنه، فاریاب، افغانستان.

3. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده**: از شهروندان ولایت فاریاب پرسیده شد که «آیا می‌دانید؛ اگر زنی متضرر خشونت واقع گردد به کجا مراجعه کند؟» از میان 1980 نفر؛ 1620 نفر (81.81818٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 360 نفر (18.18182٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه پاسخ مثبت داده‌اند، مورد پرسش قرار گرفتند که «متضرر خشونت به کدام اداره مراجعه نماید؟» آنها چنین پاسخ داده‌اند: قریه‌دار و ولسوالی 1390 مورد (37.47641٪ کل نظریات)، پولیس 489 مورد (13.18415٪ کل نظریات)، مدیریت حقوق 250 مورد (6.740361٪ کل نظریات)، ریاست امور زنان 310 مورد (8.358048٪ کل نظریات)، دادستانی 379 مورد (10.21839٪ کل نظریات)، محکمه 735 مورد (19.81666٪ کل نظریات)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 134 مورد (3.612834٪ کل نظریات)، مؤسسات جامعه مدنی 22 مورد (0.593152٪ کل نظریات) و ادارات دیگر 0 مورد (0٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند که بیشترین سهم نظریات مربوط «قریه‌دار و ولسوالی» می‌شود. این به آن معنی است که بیشترین مردم برای رسیدگی به خشونت علیه زنان به قریه‌دار و ولسوالی مراجعه می‌نمایند. زنان متضرر خشونت معمولاً به ریاست امور زنان و دفاتر غیردولتی مراجعه می‌نمایند.[1]

4. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی**: از میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛635 نفر (32.07071٪ کل نفرها) گفته اند که زنان در شریک سازی مشکلات خویش با نهادهای عدلی و قضایی علاقه و اعتماد دارند و 1345 نفر (67.92929٪ کل نفرها) دیگر می گویند که زنان چنین اعتماد و علاقه بر نهادهای عدلی و قضایی ندارند. آنانیکه نظریات منفی ارایه کرده‌اند، علل عدم علاقه و اعتماد بر نهادهای مذکور را چنین بیان می نمایند: عدم‌پیگیری درست قضایا 692 مورد (15.56105٪ کل نظریات)، رفتار نادرست با زنان 437 مورد (9.82685٪ کل نظریات)، فساد اداری 723 مورد (16.25815٪ کل نظریات)، توهین و تحقیر 312 مورد (7.015966٪ کل نظریات)، مجرم دانستن زنان 391 مورد (8.792444٪ کل نظریات)، عرف حاکم بر جامعه 719 مورد (16.1682٪ کل نظریات)، شرم زنان از مراجعه به دولت 792 مورد (17.80976٪ کل نظریات)، نبود کارمندان کافی زن 378 مورد (8.500112٪ کل نظریات) و علل دیگر 3 مورد (0.067461٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که جدی ترین علت از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها، «عدم‌پیگری درست قضایا» محسوب می گردد.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان:** آیا مؤسسات مؤسسات جامعه مدنی برای کاهش خشونت علیه زنان خدماتی را در منطقه شما ارایه نموده‌است؟ مصاحبه‌شونده‌ها در مورد چنین ابراز نظر کرده‌اند. از میان 1980 نفر؛ 339 نفر (17.12121٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1641 نفر (82.87879٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه نموده‌است. آنانیکه در مورد پرسش فوق پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، خدمات نهاد های مذکور را چنین بیان نموده‌اند: آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی 237 مورد (61.55844٪ کل نظریات)، آگاهی و مشاوره شغلی 52 مورد (13.50649٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری شغل برای زنان 44 مورد (11.42857٪ کل نظریات)، دفاع از حقوق زنان 49 مورد (12.72727٪ کل نظریات) و خدمات دیگر 3 مورد (0.779221٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که بیتشرین نظریات سهم «آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی» می‌باشد. مؤسسات جامعه مدنی خدماتی را برای کاهش خشونت علیه

[1] خانم شریفه عظیمی، پیشین.

زنان انجام داده است مانند: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دفتر زنان برای زنان، دفتر اویک و NRC تحت نظارت ریاست امور زنان ولایت فاریاب.[1]

2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر:** شهروندان ولایت فاریاب در مورد اینکه «آیا مؤسسات جامعه مدنی در منطقه شما است که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب پذیر ارایه نماید؟» چنین ابراز نظر کرده‌اند. از میان 1980 نفر؛ 6 نفر (0.30303٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1974 نفر (99.69697٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در مورد پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، خدمات نهادهای فوق را چنین بیان نموده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 4 مورد (36.36364٪ کل نظریات) و خدمات صحی روانی 7 مورد (63.63636٪ کل نظریات) را احتوا می نماید. ریاست امور زنان فاریاب می‌گوید که؛ مؤسسات جامعه مدنی برای زنان و دختران بی‌بضاعت خدماتی را فراهم کرده به ویژه مساعدت حقوقی، مشاورت حقوقی و ایجاد خانه امن در ولسوالی اندخوی.[2]

1. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر:**مصاحبه‌شونده‌های ولایت فاریاب در مورد اینکه «آیا شوراهای انکشافی محل در منطقه شما است که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر ارایه نمایند؟» چنین ابراز نظر کرده‌اند: در میان 1980 نفر؛ 187 نفر (9.444444٪ کل نفرها) آن پاسخ مثبت و 1793 نفر (90.55556٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، خدمات شوراهای انکشافی محلی را چنین برمی‌مشارند: مشوره حقوقی رایگان 50 مورد (22.42152٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 44 مورد (19.73094٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 19 مورد (8.520179٪ کل نظریات)، ارجاع قضیه به ارگان های دولتی 39 مورد (17.48879٪ کل نظریات)، وساطت و میانجی‌گری 57 مورد (25.56054٪ کل نظریات)، آموزش برای زنان در مورد آسیب‌های احتمالی 5 مورد (2.242152٪ کل نظریات)، آموزش مردان برای رفع آسیب 9 مورد (4.035874٪ کل نظریات) و خدمات دیگر 0 مورد (0٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد که بیشترین موارد خدمات شوراهای انکشافی «مشوره های حقوقی رایگان» و «وساطت و میانجی‌گری» است.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در ولایت فاریاب اعمال می گردد ولی در این بخش به بررسی راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان از دیدگاه مردم ولایت فاریاب می‌پردازیم.مصاحبه‌شونده‌های ولایت فاریاب در مورد راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان دیدگاه آتی را دارند: آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد 1142 مورد (20.35651٪ کل نظریات)، آگاهی دینی – حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 716 مورد (12.76292٪ کل نظریات)، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 860 مورد (15.32977٪ کل نظریات)، تعلیم و تربیه شهروندان 754 مورد (13.44029٪ کل نظریات)، باسواد ساختن اعضای جامعه 926 مورد (16.50624٪ کل نظریات)، شغل‌زایی 539 مورد (9.607843٪ کل نظریات)، بالابردن سطح اقتصاد شهروندان 669 مورد (11.92513٪ کل نظریات) و راهکار های دیگر 4 مورد (0.071301٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که مهم‌ترین راهکار از دیدگاه شهروندان ولایت فاریاب «آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد» شناخته شده‌است.

[1] خانم شریفه عظیمی، پیشین.
[2] خانم شریفه عظیمی، پیشین.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

آیا در زندگی زنان ولایت فاریاب از ده سال قبل تا حال تغییراتی به عمل آمده است؟ مردم ولایت فاریاب در مورد چنین ابراز نظر می‌نمایند. در میان 1980 نفر؛ 1499 نفر (75.70707٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و فقط 481 نفر (24.29293٪ کل نفرها)پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت داده‌اند، تغییرات به میان آمده را چنین می‌شمارند: رفتن دختران به مکتب 1430 مورد (45.67231٪ کل نظریات)، کار کردن زنان در ادارات 1128 مورد (36.02683٪ کل نظریات)، کاهش خشونت علیه زنان 526 مورد (16.79974٪ کل نظریات) و تغیرات دیگر 47 مورد (1.501118٪کل نظریات) را احتوا می‌نماید که مهم‌ترین تغییر از دیدگاه مردم ولایت فاریاب «رفتن دختران به مکتب» است. خانم عظیمی به این عقیده است که در زندگی زنان تغییرات چشم‌گیری در عرصه‌های فرهنگی، تعلیم و تربیه، اجتماعی، صحت، سیاسی – حقوقی به میان آمده است.

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

مردم ولایت فاریاب در مورد اینکه مؤسسات و جامعه مدنی برای مجسم کردن هرچه بیتشر نقش زنان کوشش کرده‌اند یا خیر؟ دیدگاه خود را چنین بیان می کنند: از میان 1980 نفر؛ 587 نفر (29.64646٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1393 مورد (70.35354٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در زمینه پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، فعالیت‌های مؤسات و جامعه مدنی در راستای تجسم نقش زنان را چنین بیان می‌نمایند: کنفرانس‌هایاآگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 199 مورد (23.27485٪ کل نظریات)، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 84 مورد (9.824561٪ کل نظریات)، استخدام زنان در دفاترشان 491 مورد (57.4269٪ کل نظریات)، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 81 مورد (9.473684٪ کل نظریات) و کارهای دیگر 0 مورد (0٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که مهم‌ترین فعالیت مؤسسات در زمینه تجسم نقش زنان «راه‌اندازیکنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان» می‌باشد. ریاست امور زنان می گوید که نقش جامعه مدنی و مؤسسات در عرصه‌های سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی قابل ملاحظه بوده است.[1]

[1] خانم شریفه عظیمی، پیشین.

مبحث چهارم: جوزجان

گفتار اول: وضعیت عمومی

در ولایت جوزجان ولسوالی‌های خواجه‌دوکوه، آقچه و قرقین را به عنوان جامعه نمونه تحقیق خویش انتخاب نمودیم. در این ولایت نیز با 1980 نفر از شهروندان این ولایت مصاحبه به عمل آمده‌است که؛ 990 نفر آن را ذکور و 990 نفر دیگر آن را اناث تشکیل می‌دهد. در میان 1980 نفر مذکور، 113 نفر (5.707071٪ کل نفرها) آن مجرد و 1867 نفر (94.29293٪ کل نفرها) آن متأهل بوده و در میان 1980 نفر مذکور؛ 1723 نفر (87.0202٪ کل نفرها) بی‌سواد و 257 نفر (12.9798٪ کل نفرها) باسواد می‌باشند. تعداد مجموعی اعضای خانواده‌های مصاحبه شونده‌ها به 15491 نفر می‌رسد که 7970 نفر (51.44923٪ کل نفرها) را ذکور و 7521 نفر (48.55077٪ کل نفرها) دیگر آن را اناث تشکیل می‌دهد و در میان کل جمعیت مذکور، 5001 نفر مکتب‌خوان وجود دارد که 3065 نفر (61.28774٪) آن را ذکور و 1936 نفر (38.71226٪) آن را اناث تشکیل می‌دهد. قابل تذکر است که در میان کل جمعیت مذکور 2448 نفر باسواد وجود دارد که؛ 1727 نفر (70.54739٪) آن را مردان و 721 نفر (29.45261٪) آن را زنان تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

اکثریت مطلق شهروندان ولایت جوزجان به این باور اند که دختران شان باید به مکتب بروند تا علم را فراگیرند و در میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛ 1820 نفر (91.91919٪ کل نفرها) گفته اند که به دختران شان اجازه مکتب افتن را می‌دهند و فقط 160 نفر (8.080808٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه به دختران شان اجازه رفتن به مکتب را نمی‌دهند، علل آن را چنین بیان نموده‌اند: ناامنی 48 مورد (30٪ کل نظریات)، تهدید طالبان و شورشی‌ها 28 مورد (17.5٪ کل نظریات)، عرف و عادات جامعه 68 مورد (42.5٪ کل نظریات)، نبود مکاتب 12 مورد (7.5٪ کل نظریات)، نبود معلمین اناث 3 مورد (1.875٪ کل نظریات) و نبود جای مناسب برای مکتب دخترانه 1 مورد (0.625٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که جدی‌ترین علت اجازه ندادن دختران برای مکتب رفتن در ولایت جوزجان، «عرف و عادات جامعه» محسوب می‌گردد.

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب ولایت جوزجان ظاهراً اندک معلوم می‌گردد، بنابرین در این بخش به بررسی دیدگاه شهروندان آن ولایت در زمینه می‌پردازیم.در میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده‌ها؛ 20 نفر (1.010101٪ کل نفرها) اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث توسط استادان و مسولین مکاتب جوزجان را تأیید نموده و 1960 نفر (98.9899٪ کل نفرها) اعمال خشونت‌های فوق را

رد می‌نمایند. آنانیکه اعمال خشونت‌های فوق را تأیید نموده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال علیه دانش‌آموزان اناث را ذیلاً بیان نموده‌اند: لت و کوب 6 مورد (28.57143٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 4 مورد (19.04762٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 8 مورد (38.09524٪ کل نظریات)، ممانعت از تعلیم 2 مورد (9.52381٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در درس‌خواندان 1 مورد (4.761905٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که شایع‌ترین مورد آن آزار و اذیت بوده است.

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

در این قسمت به بررسی دیدگاه جوزجانی‌ها د رمورد علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب می‌پردازیم. شهروندان جوزجان در مورد علل خشونت‌های فوق الذکر چنین باور دارند: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 803 مورد (39.51772٪ کل نظریات)، ناآگاهی از حقوق زنان 561 مورد (27.60827٪ کل نظریات)، قوم‌گرایی 239 مورد (11.76181٪ کل نظریات)، عقده‌گشایی 109 مورد (5.364173٪ کل نظریات)، مادی‌گرایی 147 مورد (7.234152٪ کل نظریات) و خودخواهی 173 مورد (8.51378٪ کل نظریات) شهروندان را شامل می‌گردد که از دیدگاه ایشان، مهم‌ترین علت اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب به مسئله «بی‌اعتقادی به حقوق زنان» بر می‌گردد.

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

شهروندان جوزجان برای حل معضله «خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب» فکرهای به سردارند و راهکارهایی را برای رفع معضله فوق پیشبینی کرده‌اند که قرار ذیل است: تدویر برنامه‌های آموزشی 1301 مورد (48.3823٪ کل نظریات)، پیگیری عدلی خشونت‌ها 473 مورد (17.590810٪ کل نظریات)، دفتر نظارت بر رفتار مسولین و استادان مکاتب 442 مورد (16.43734٪ کل نظریات) و دادخواهی از حقوق دانش‌آموزان اناث 473 مورد (17.59018٪ کل نظریات) شهروندان را به خود اختصاص داده است که بهترین راهکار از دیدگاه جوزجانی‌ها «تدویر برنامه‌های آموزشی» محسوب می‌گردد.

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج دختران

جوزجان هم شاهد ازدواج‌های زیرسن بوده است و نیاز است تا در این بحث به بررسی سن ازدواج از دیدگاه شهروندان ولایت جوز جان بپردازیم که گزینه‌های سنی را با چه میزانی انتخاب کرده‌اند؟ از 9 تا 12 سالگی 0 مورد (0٪ کل نظریات)، 12 تا 14 سالگی 6 مورد (0.289715٪ کل نظریات)، 14 تا 16 سالگی 30 مورد (1.448576٪ کل نظریات)، 16 تا 18 سالگی 748 مورد(36.11782٪ کل نظریات) و از 18 سالگی به بالا 1287 مورد (62.14389٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد که شایع‌ترین سن ازدواج در این ولایت «سن 18 سال به بالا» یعنی سن قانونی است ولی با آن هم، ازدواج زیرسن 38 ٪ کل نظریات را شامل می شود که قابل نگرانی است.

ب: طویانه و پیامدها

1. **نرخ طویانه:** جوانان ولایت جوزجان نیز با مشکل طویانه‌های گزاف دست و پنجه نرم می‌کنند و احتمالاً قربانی‌هایی را نیز برای تأمین طویانه‌های بلند متحمل شوند. حالا ببینیم که شهروندان جوزجان کدام یک از نرخ‌های طویانه را بیشتراز همه شایع دانسته و انتخاب کرده‌اند: 1 تا 3 لک افغانی 238 مورد (11.55901٪ کل نظریات)، 3 تا 6 لک افغانی 1108 مورد (53.81253٪ کل نظریات)، 6 تا 9 لک افغانی 685 مورد (33.26858٪ کل نظریات)، 9 تا 12 لک افغانی 25 مورد (1.214182٪ کل نظریات) و 12 تا 15 لک افغانی 3 مورد (0.145702٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد که رایج‌ترین نرخ طویانه در این ولایت «3 تا 6 لک افغانی» و «6 تا 9 لک افغانی» می‌باشد.
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** جوانان جوزجان برای تأمین طویانه‌های گزاف به خارج از کشور سفر می‌کنند، در این قسمت به بررسی نظریات مردم در مورد مسافرت جوانان به خارج از کشور برای تأمین طویانه‌ها، می‌پردازیم. در میان 1980

نف۷ مصاحبه‌شونده؛ 1770 نفر (89.39394٪ کل نفرها) گفته اند که جوانان شان برای منظور فوق به خارج از کشور سفر می‌کنند ولی فقط 210 نفر (10.60606٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. از آنانیکه پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، پرسیده شد که آیا از خانواده شما هم مردی به این منظور به خارج از کشور سفر کرده است؟ از میان 1770 نفر؛ 364 نفر (20.565٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1406 نفر (79.435٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند.

3. **پیامد های طویانه:** شهروندان جوزجان در مورد پیامدهای احتمالی طویانه‌های بلند چنین ابراز نظر می‌کنند: خشونت‌های خانوادگی 1149 مورد (44.51763٪ کل نظریات)، ارتکاب جرم 162 مورد (6.276637٪ کل نظریات)، رجوع به فساد اخلاقی 479 مورد (18.5587٪ کل نظریات)، اعتیاد به مواد مخدر 540 مورد (20.92212٪ کل نظریات)، معلولیت جسمانی 160 مورد (6.199148٪ کل نظریات) و پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 91 مورد (3.525765٪ کل نظریات)را احتوا می‌نماید و از دیدگاه جوزجانی‌ها، جدی‌ترین پیامد گرفتن طویانه‌های بلند «خشونت‌های خانوادگی» است.

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال**: طویانه‌های بلند گاه‌گاهی باعث افزایش سن ازدواج دختران و پسران می‌گردد، در این قسمت بحث خویش، به این مسئله می‌پردازیم که آیا دختران مجرد بزرگ‌سال (بالای 35 سال) در ولایت جوزجان وجود دارد یا خیر؟ در میان 1980 نفر؛ 358 نفر (18.08081٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1622 نفر (81.91919٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، مورد پرسش قرار گرفتند که در هر خانواده چند نفر دختر مجرد وجود دارد؟ آنها گفته اند که حد اقل در یک خانواده 1 نفر، حد اکثر 6 نفر و بطور متوسط 1.58 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال در هر خانواده وجود دارد.

ج:زنان بیوه و نان‌آور

۱. **زنان بیوه**: جنگ‌های داخلی خیلی از زنان افغان را بیوه ساخته و آنها را در شرایط سخت زندگی قرار داده است. 1618 نفر (81.71717٪) مصاحبه‌شونده‌های ولایت جوزجان از میان 1980 نفر، به این باور اند که زنان بیوه در این ولایت وجود دارد ولی فقط 362 نفر (18.28283٪ کل مصاحبه شونده‌ها) آنان به این نظریه هستند که زنان بیوه در ولایت شان وجود ندارد. از آنانیکه در مسئله فوق نظر مثبت ارایه کرده‌اند، پرسیده شد که، آیا در خانواده شما زنی بیوه است؟ در میان 1618 نفر فوق؛ 419 نفر (25.89617٪) آن پاسخ مثبت و 1199 نفر (74.10383٪) پاسخ منفی رایه کرده‌اند. تعداد مجموعی زنان به اساس گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 686 نفر می‌رسد که؛ در یک خانواده از 1 تا 6 نفر زن بیوه یا بطور متوسط 3.28 نفر زن بیوه وجود دارد.

۲. **زنان نان‌آور**: آیا در ولایت جوزجان هم زنانی اند که نان‌آور خانواده باشند؟ شهروندان ولایت جوزجان در مورد چنین پاسخ داده‌اند: در میان 1980 نفر؛ 1027 نفر (51.86869٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 953 نفر (48.13131٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه پاسخ مثبت داده بودند، مورد پرسش قرار گرفتند که آیا در خانواده شما هم زنی نان‌آور است. در میان 1027 نفر مذکور؛ 281 نفر (27.36125٪) آن پاسخ مثبت و 746 نفر (72.63875٪) آن پاسخ منفی داده‌اند. تعداد مجموعی زنان نان‌آور در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 733 نفر می‌رسد که در هریک از خانواده‌های شان بین 1 تا 9 زن نان‌آور و بطور متوسط 5.2 نفر زن نان‌آور وجود دارد.

۳. **زنان دهقان:**زنان دوشادوش مردان در کارهای زندگی سهم اند، حتی در فعالیت‌های زراعتی ودهقانی و در این قسمت به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا زنان در ولایت جوزجان دهقانی می‌کنند یا خیر؟ 383 نفر (19.34343٪ کل نفرها) از میان 1980 نفر، پاسخ مثبت و متباقی 1597 نفر (80.65657٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. از ارایه‌کننده‌های پاسخ مثبت پرسیده شد که «آیا در خانواده شما، زنان شما در کارهای دهقانی و زراعتی همکاری می‌کنند؟» در میان 383 نفر مذکور؛

95 نفر (24.48٪) آن برای پرسش فوق، پاسخ مثبت و متباقی 293 نفر (75.52٪) آن پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. تعداد مجموعی زنان دهقان در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 236 نفر می رسد که در بین این خانواده‌ها بین 1 تا 9 نفر و بطور متوسط 4.۹۸ نفر زن دهقان وجود دارد.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

1. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:** خشونت علیه زنان یک پدیده سراسری در افغانستان بوده و جوزجان نیز از درد و رنج‌های زجه می‌زند و در میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛ 655 نفر (33.08081٪ کل نفرها) گفته اند که خشونت علیه زنان در جوزجان اعمال می‌شود و 1325 نفر (66.91919٪ کل نفرها) اعمال خشونت علیه زنان را در جوزجان رد کرده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق پاسخ مثبت داده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال را چنین تفکیک نموده‌اند: تجاوزجنسی 9 مورد (1.080432٪ کل نظریات)، مجبور نمودن به فحشا 4 مورد (0.480192٪ کل نظریات)، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 3 مورد (0.360144٪ کل نظریات)، خشونت منجر به خودکشی 45 مورد (5.402161٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت 0 مورد (0٪ کل نظریات)، لت و کوب 234 مورد (28.09124٪ کل نظریات)، خرید و فروش زن 19 مورد (2.280912٪ کل نظریات)، بددادن 53 مورد (6.36٪ کل نظریات)، نکاح اجباری 49 مورد(5.882353٪ کل نظریات)، ممانعت از ازدواج 7 مورد (0.840336٪ کل نظریات)، نکاح زیرسن 23 مورد (2.761104٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 100 مورد (12.۰۰۴۸٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 63 مورد (7.563025٪ کل نظریات)، انزوای اجباری 1 مورد (0.120048٪ کل نظریات)، اعتیاد اجباری 0 مورد (0٪ کل نظریات)، منع تصرف در ارث 76 مورد (9.123649٪ کل نظریات)، منع تصرف در اموال 6 مورد (0.720288٪ کل نظریات)، ممانعت از تحصیل 42 مورد (5.042017٪ کل نظریات)، ممانعت از کار 47 مورد (5.642257٪ کل نظریات)، کار اجباری 21 مورد (2.521008٪ کل نظریات)، ازدواج با بیش از یک زن 28 مورد (3.361345٪ کل نظریات)، نفی قرابت 0 مورد (0٪ کل نظریات) و انواع دیگر 3 مورد (0.360144٪ کل نظریات) را احتوا می‌کند که در بین همه آنها «لت و کوب» 28.09٪ کل نظریات را به خود اختصاص داده است.
2. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:** حکومت جمهوری اسلامی افغانستان تلاش‌های جدی را از طریق قانونگذاری، قضایی و اجرایی برای کاهش میزان خشونت علیه زنان انجام داده‌اند و حالا از شهروندان ولایت بلخ می‌پرسیم که آیا خشونت علیه زنان افزایش یافته است؟ در میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛ 232 نفر (11.71717٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1748 نفر (88.28283٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه افزایش خشونت علیه زنان را تأیید کرده‌اند، مورد پرسش قرار گرفتند که علل افزایش آن چیست؟ آنها موارد ذیل را به عنوان علل افزایش خشونت علیه زنان یادآوری نموده‌اند: فقراقتصادی 77 مورد (27.11268٪ کل نظریات)، بیکاری 87 مورد (30.6338٪ کل نظریات)، تکالیف روانی 11 مورد (3.873239٪ کل نظریات)، فرهنگ مردسالاری 41 مورد (14.43662٪ کل نظریات)، ازدواج های اجباری 33 مورد (11.61972٪ کل نظریات)، مشکلات خانوادگی 21 مورد (7.394366٪ کل نظریات) و فساد اخلاقی 14 مورد (4.929577٪ کل نظریات) به خود اختصاص داده‌اند که جدی‌ترین عامل از دیدگاه جوزجانی‌ها «بیکاری» و «فقر اقتصادی» محسوب شده‌است.

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهاهای عدلی

1. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده**: آیا می‌دانید؛ هرگاه زنی متضرر خشونت واقع گردد، به کجا مراجعه کند؟ شهروندان جوزجان در مورد چنین پاسخ داده‌اند: در میان 1980 نفر؛ 1823 نفر (92.07071٪ کل نظریات) پاسخ مثبت و 157 نفر (7.929293٪ کل نظریات) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه در مورد پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده و نهاد های مورد مراجعه خویش را چنین بیان نموده‌اند: قریه‌دار و ولسوالی 1541 مورد (58.2829٪ کل نظریات)، پولیس 675 مورد (25.5295٪ کل نظریات)، مدیریت حقوق 43 مورد (1.626324٪ کل نظریات)، ریاست امور زنان 101 مورد (3.81997٪ کل نظریات)، دادستانی 37 مورد (1.399395٪ کل نظریات)، محکمه 102 مورد (3.857791٪ کل نظریات)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 136 مورد (5.143722٪ کل نظریات) و مؤسسات جامعه مدنی 9 مورد (0.340393٪ کل نظریات) را احتوا می‌نمایند و در میان همه ادارات و ارگان‌های فوق، مردم بیشتر برای رسیدگی به پرونده های خشونت علیه زنان، اول به «قریه‌دار و ولسوالی» مراجعه می‌نمایند.
2. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی**: اکثریت مطلق شهروندان جوزجان به این باور اند که زنان در شریک‌سازی مشکلات خویش با ادارات عدلی و قضایی علاقه و اعتماد دارند و در میان1980 نفر؛ 1203 نفر (60.75758٪ کل نفرها) گفته که زنان در شریک مشکلات خویش با نهاد مذکور علاقه و اعتماد دارند ولی 777 نفر (39.24242٪ کل نفرها) در مورد پاسخ برعکس ارایه کرده‌اند. آنانیکه در مورد پرسش فوق پاسخ منفی ارایه کرده‌اند، علل آن بی‌علاقه‌گی و بی‌اعتمادی را چنین بیان می نمایند: عدم‌پیگیری درست قضایا 5 مورد (0.0590319٪ کل نظریات)، رفتار نادرست با زنان و متضرر آسیب‌پذیر 10 مورد (1.180638٪ کل نظریات)، فساداداری 205 مورد (24.20307٪ کل نظریات)، توهین و تحقیر 49 مورد (5.785124٪ کل نظریات)، مجرم دانستن زنان 50 مورد (5.903188٪ کل نظریات)، عرف حاکم بر جامعه 100 مورد (11.80638٪ کل نظریات)، شرم زنان از مراجعه به دولت 203 مورد (23.96694٪ کل نظریات) و نبود کارمندان کافی زن در ادارات 225 مورد (26.56434٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد که مهم‌ترین علل آن «نبود کارمندان کافی زن در ادارات» و «شرم زنان از مراجعه به دولت» می‌باشد.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان**: ولایت جوزجان هم شاهد حضور مؤسسات جامعه مدنی بوده و خدماتی را برای شهروندان فراهم نموده‌اند ولی در این قسمت به بیان دیدگاه مردم این ولایت می‌پردازیم که آیا مؤسسات جامعه مدنی برای کاهش خشونت علیه زنان خدماتی را فراهم نموده‌اند؟ در میان 1980 نفر؛ 777 نفر (39.24242٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و بقیه 1203 نفر (60.75758٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه نموده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت گفته اند، خدمات مؤسسات جامعه مدنی را چنین بیان کردند: آگاهی و مشاوره حقوقی – دینی 390 مورد (26.1745٪ کل نظریات)، آگاهی و مشاوره شغلی 408 مورد (27.38255٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری شغل برای زنان 555 مورد (37.24832٪ کل نظریات) و دفاع از حقوق زنان 137 مورد (9.194631٪ کل نظریات) را شامل می گردد که به نظر جوزجانی‌ها، بزرگ‌ترین فعالیت مؤسسات جامعه مدنی در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان «فراهم‌آوری شغل برای زنان» می‌باشد.

2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر**: زنان و دختران آسیب‌پذیر نیاز به خدماتی دارند که باید برای‌شان در فرصت‌های لازم فراهم گردد. بنابرین، در این قسمت به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا در ولایت جوزجان مؤسساتی فعالیت می‌کنند که خدماتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر فراهم کنند؟ در میان 1980 نفر؛ 7 نفر (0.353535٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1973 نفر (99.64646٪ کل نفرها) جوب منفی ارایه می‌نمایند. آنانیکه در مورد پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، خدمات مؤسسات جامعه مدنی را در راستای فراهم‌آوری خدمات برای زنان و دختران آسیب پذیر چنین بیان می‌نمایند: مشوره حقوقی رایگان 3 مورد (37.5٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری خانه های امن 3 مورد (37.5٪ کل نظریات) و خدمات صحی و روانی 2 مورد (25٪ کل نظریات) را احتوا می کند.

3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب پذیر:**شوراهای انکشافی هم بخشی از نهادهای جامعه مدنی محسوب می گردد که بعضی خدمات را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر در ولسوالی‌ها و قریه‌ها تأمین می‌نماید. حالا ببینیم که آیا در ولایت جوزجان چنین شوراهای انکشافی وجود دارد یا خیر؟ در میاند 1980 نفر از مصاحبه شونده‌ها؛ 572 نفر (28.88889٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 1408 نفر (71.11111٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه وجود مؤسسات فوق‌الذکر را تأیید نموده‌اند، خدمات آن‌را چنین بیان نموده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 91 مورد (15.42373٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 23 مورد (3.898305٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 218 مورد (36.94915٪ کل نظریات)، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 65 مورد (11.01695٪کل نظریات)، وساطت و میانجی‌گری 149 مورد (25.25424٪ کل نظریات)، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 26 مورد (4.40678٪ کل نظریات) و آموزش مردان برای رفع آسیب 18 مورد (3.050847٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد که در بین همه موارد فوق، بیشترین خدمات شورا های انکشافی شامل «پیگیری قضایا و دادخواهی» می گردد.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

مردم ولایت جوزجان هم برای مبارزه با خشونت علیه زنان راهکارهای درنظر دارند که دیدگاه ایشان در مورد راهکارها چنین بیان نموده‌اند: آگاهی دینی - حقوقی از طریق مساجد 1034 مورد (24.30082٪ کل نظریات)، آگاهی دینی - حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 276 مورد (6.486486٪ کل نظریات)، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 802 مورد (18.84841٪ کل نظریات)، تعلیم و تربیه شهروندان 760 مورد (17.86134٪ کل نظریات)، باسوادساختن اعضای جامعه 404 مورد (9.494712٪ کل نظریات)، شغل‌زایی 428 مورد (10.05875٪ کل نظریات) و بالابردن سطح اقتصاد شهروندان جامعه 551 مورد (12.94947٪ کل نظریات) را شامل می گردد که در میان همه موارد، مهم‌ترین راهکار «آگاهی دینی - حقوقی از طریق مساجد» شمرده می‌شود.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

آیا از ده سال قبل تا حال در زندگی خانم ها به میان آمده است؟ شهروندان ولایت جوزجان در مورد چنین نظر دارند: در میان 1980 نفر؛ 1929 نفر (97.42424٪ کل نفرها) پاسخ مثبت و 51 نفر (2.585758٪ کل نظریات) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. آنانیکه تغییرات را در وضعیت زنان تأیید نموده‌اند، آن تغییرات را چنین بیان نموده‌اند: رفتن دختران به مکتب 1805 مورد (58.05725٪ کل نظریات)، کارکردن زنان در ادارات و دفاتر 650 مورد (20.90704٪ کل نظریات) و کاهش خشونت علیه زنان 654 مورد (21.0357٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که مهم‌ترین تغییر از دیدگاه این شهروندان، «رفتن دختران به مکتب» می‌دانند.

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

آیا مؤسسات جامعه مدنی تا حال در زمینه مجسم ساختن نقش زنان کوشش کرده‌اند؟ تعداد 950 نفر شهروندان (47.9798٪ کل نفرها) از میان 1980 نفر پاسخ مثبت و متباقی 1030 نفر (52.0202٪ کل نفرها) پاسخ منفی ارایه کرده‌اند. اشخاصی که در برابر پرسش فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، تلاش‌ها و فعالیت‌های مؤسسات را چنین بیان نموده‌است: کنفرانس آگاهی‌دهی حقوقی در مورد نقش زنان 422 مورد (21.15288٪ کل نظریات)، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی 842 مورد (42.20551٪ کل نظریات)، استخدام زنان در دفاتر شان 375 مورد (18.79699٪ کل نظریات) و حمایت و پاسداری از حقوق زنان 356 مورد (17.84461٪ کل نظریات)را به خود اختصاص داده‌اند که در میان همه موارد فوق، مهم‌ترین فعالیت راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی محسوب گردیده‌است.

مبحث پنجم: سمنگان

گفتار اول: وضعیت عمومی

در ولایت سمنگان ولسوالی‌های روی‌دوآب، فیروزنخشیر و خرم سارباغ به عنوان جامعه نموده انتخاب شده بود که در این ولایت نیز با 1980 نفر (990 مرد و 99 زن) شهروند مصاحبه به عمل آمد. در میان 1980 نفر مذکور؛ 115 نفر (5.808081٪ کل نفرها) مجرد و 1865 نفر (94.19192٪ کل نفرها) متأهل بوده اند و در میان کل نفرهای فوق؛ 1683 نفر (85٪ کل نفرها) بی‌سواد و 297 نفر (15٪ کل نفرها) باسواد می‌باشند. تعداد مجموعی اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 15305 نفر می رسد که 8164 نفر (53.34205٪)

آن را ذکور و 7141 نفر (46.65795٪) آن را اناث تشکیل می‌دهدو در میان همه آنها 6239 نفر مکتب‌خوان وجود دارد که 3454 نفر (55.36144٪) آن را ذکور و 2785 نفر (44.63856٪) آن را اناث تشکیل می‌دهد. قابل تذکر است که؛ در میان 15305 نفر بالا؛ 994 نفر باسواد وجود داشته است که 769 نفر (77.36419٪) آن را ذکور و 225 نفر (22.63581٪) آنها را اناث تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

آیا مردم سمنگان برای دختران خویش اجازه می‌دهند که به مکتب بروند؟ در میان 1980 نفر مصاحبه شونده؛ 1883 نفر (95.10101٪ کل نفرها) پاسخ مثبت داده و فقط 97 نفر (4.89899٪ کل نفرها) پاسخ منفی داده‌اند. آنانیکه در برابر پرسش فوق، پاسخ منفی ارایه کرده‌اند، علل «عدم اجازه دادن به دختران برای مکتب رفتن» را چنین بیان نموده‌اند: تهدید طالبان و شورشی‌ها 4 مورد (1.970443٪ کل نظریات)، عرف و عادات جامعه 25 مورد (12.31527٪ کل نظریات)، نبود مکاتب 63 مورد (31.03448٪ کل نظریات)، نبود معلمین اناث 51 مورد (25.12315٪ کل نظریات)، پایین بودن کیفیت درسی 46 مورد (22.6601٪ کل نظریات)، نبود جای مناسب برای مکتب 13 مورد (6.403941٪ کل نظریات) و علل دیگر 1 مورد (0.492611٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که جدی‌ترین علت به نظر شهروندان سمنگان «نبود مکاتب» و «نبود معلمین اناث» می‌باشد. ریاست معارف ولایت سمنگان در مورد «اجازه‌دادن دختران برای رفتن به مکتب» چنین ابراز نظر می‌نماید: ... مردم این ولایت از شهر شروع تا ولسوالی‌های شش‌گانه برای دختران شان اجازه می‌دهند تا غرض کسب تعلیم و تربیه به مکتب بروند، هیچ کدام مشکلی وجود ندارد ولی مواردی ممکن وجود داشته باشد... مواردی از اجازه ندادن دختران برای رفتن به مکتب وجود داشته ولی کدام موردی که رسماً ثبت شده باشد، وجود ندارد... در مناطق شهری در این مورد مشکلی وجود نداشته ولی در مناطق اطراف و قریه‌جات که مردم هنوز هم به شکل سنتی زندگی دارند، مواردی وجود دارد که دختران شان را به دلایل مختلف اجازه نمی‌دهند تا جهت حصول علم و دانش به مکتب بروند.[1]

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اکثریت شهروندان سمنگان (1843 نفر برابر با 93.08081٪ کل نفرها) به این نظر اند که در مکاتب این ولایت علیه دانش‌آموزان اناث خشونت اعمال نمی‌گردد و فقط تعداد محدودی (137 نفر برابر با 6.919192٪ کل نفرها) از شهروندان آن ولایت اعمال خشونت‌های فوق را تأیید نموده‌اند. آنانیکه اعمال خشونت‌ها را تأیید نموده‌اند، انواع خشونت‌های فوق را چنین برشمرده‌اند: لت و کوب 30 مورد (15٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 30 مورد (15٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 33 مورد (16.5٪ کل نظریات)، ممانعت از تعلیم 28 مورد (14٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت 17 مورد (8.5٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در درس‌خواندن 43 مورد (21.5٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در نمره‌دادن 18 مورد (9 ٪ کل نظریات) و علت دیگر 1 مورد (0.5٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد که در میان همه انواع فوق، «اعمال تبعیض در درس‌خواندن» و آزار و اذیت بیشترین سهم نظریات را به خود اختصاص داده‌اند. آقای فیضی به این باور است که؛ در مکاتب سمنگان هیچ موردی که گواه خشونت علیه دختران دانش‌آموز بوده باشد، در مکاتب این ولایت وجود ندارد.[2]

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

شهروندان سمنگان در مورد علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب را چنین بیان نموده‌اند: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 867 مورد (31.3903٪ کل نظریات)، ناآگاهی از حقوق زنان 849 مورد (30.7386٪ کل نظریات)، قوم‌گرایی 352 مورد (12.74439٪ کل نظریات)، عقده‌گشایی 323 مورد (11.69442٪ کل نظریات)، مادی‌گرایی 252 مورد (9.123823٪ کل

[1] مصاحبه با عبدالصبور فیضی آمر ارزیابی نظارت تعلیمی ریاست معارف سمنگان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۱**، شهر سمنگان، سمنگان، افغانستان.
[2] عبدالصبور فیضی، پیشین.

نظریات) و خودخواهی 119 مورد (4.308472٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند که در میان همه علل، «بی‌اعتقادی به حقوق زنان» و «ناآگاهی از حقوق زنان» بزرگ‌ترین علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب محسوب می‌گردد.

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

شهروندان سمنگان راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب، پیش‌بینی نموده‌اند: تدویر برنامه‌های آموزشی 815 مورد (38.66224٪ کل نظریات)، پیگیری عدلی خشونت ها 446 مورد (21.1575٪ کل نظریات)، ایجاد دفتر نظارت بر رفتار مسوولین و استادان مکاتب 473 مورد (22.43833٪ کل نظریات) و دادخواهی از حقوق دانش‌آموزان اناث 374 مورد (17.74194٪ کل نظریات) را احتوا می‌نمایند که مهم‌ترین راهکار از دیدگاه سمنگانی‌ها، «تدویر برنامه‌های آموزشی» می باشد. راهکارهای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب از دیدگاه ریاست معارف سمنگان این است: از طریق آگاهی دادن به مردم از منابر و رسانه‌های صوتی و تصویری می‌توان مبارزه جدی و مؤثر انجام داد.[1]

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج دختران

شهروندان سمنگان با درنظرداشت واقعیت‌های اجتماعی، سن ازدواج دختران در آن ولایت را چنین بیان کرده‌اند: 9 تا 12 سالگی 1 مورد (0.041789٪ کل نظریات)، 12 تا 14 سالگی 46 مورد (1.922273٪ کل نظریات)، 14 تا 16 سالگی 331 مورد (13.83201٪ کل نظریات)، 16 تا 18 سالگی 677 مورد (28.29085٪ کل نظریات) و از 18 سالگی به بالا 1338 مورد (55.91308٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج فوق مبیین آن است که اکثریت دختران در سن قانونی ازدواج می‌نمایند ولی هنوز هم ازدواج زیرسن یک نگرانی است. ریاست امور زنان ولایت سمنگان سن ازدواج دختران دراین ولایت را بین 18 الی 30 سالگی دانسته و مؤید این موضوع نیز می‌باشد که در ولسوالی‌های روی‌دوآب و دره‌صوف دختران به سنین پایین به ازدواج درآورده می‌شوند.[2]

ب: طویانه و پیامدها.

1. **نرخ طویانه:** سمنگانی‌ها نرخ طویانه‌های رایج در مناطق مختلف این ولایت را چنین بیان نموده‌اند: 1 تا 3 لک افغانی 532 مورد (23.67601٪ کل نظریات)، 3 تا 6 لک افغانی 1178 مورد (52.42546٪ کل نظریات)، 6 تا 9 لک افغانی 476 مورد (21.1838٪ کل نظریات)، 9 تا 12 لک افغانی 46 مورد (2.047174٪ کل نظریات) و 12 تا 15 لک افغانی 15 مورد (0.667557٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند که در میان همه نرخ‌های فوق، گزینه «3 تا 6 لک افغانی» بیشترین سهم نظریات را تشکیل می‌دهد. خانم عاقله به این نظر است که؛ مبلغ طویانه در سرپل معمولاً حدود 3 الی 4 لک افغانی است.
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** وضعیت سفر جوانان سمنگان به خارج از کشور چگونه است؟ اکثریت شهروندان سمنگان (1433 نفر برابر با 72.37374٪ کل نفرها) به این نظر اند که جوانان شان برای تأمین طویانه‌های گزاف با خارج از کشور سفر می‌نمایند ولی فقط 547 نفر (27.62626٪ کل نفرها) گفته اند که جوانان شان به چنین منظوری به خارج از کشور سفر نمی‌کنند. در میان 1433 نفر مذکور؛ 584 نفر (40.75366٪) آن گفته اند که جوانانی از خانواده‌های ایشان به منظور تأمین طویانه‌های گزاف به خارج از کشور رفته و 849 نفر (59.24634٪) آن گفته اند که مردی از خانواده‌های ایشان برای منظور فوق، به خارج از کشور سفر نکرده است. ریاست امور زنان سمنگان سفر جوانان به خارج از کشور برای تأمین هزینه

---

[1] عبدالصبور فیضی، پیشین.

[2] مصاحبه با خانم عاقله مدیر ارتباطات ریاست امور زنان سمنگان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۲**، شهر سمنگان، سمنگان، افغانستان.

طویانه‌های بلند را تأیید نموده و گفته است که جوان به نسبت نیافتن کار نظر به توانایی مالی شان به کشورهای عربستان‌سعودی، ایران، انگلستان و بعضی کشورهای دیگر می‌روند.[1]

3. **پیامد های طویانه:** به نظر سمنگانی‌ها، طویانه‌های گزاف در ازدواج پیامدهای ذیل را خواهد داشت: خشونت‌های خانوادگی 1390 مورد (41.33214٪ کل نظریات)، ارتکاب جرم 620 مورد (18.43592٪ کل نظریات)، رجوع به فساد اخلاقی 577 مورد (17.1573٪ کل نظریات)، اعتیاد به مواد مخدر 367 مورد (10.91288٪ کل نظریات)، معلولیت جسمانی 132 مورد (3.925067٪ کل نظریات)، پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 274 مورد (8.147487٪ کل نظریات) و پیامدهای دیگر 3 مورد (0.089206٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که در میان همه جدی‌ترین پیامد از دیدگاه سمنگانی‌ها، «خشونت‌های خانوادگی» می‌باشد. طویانه‌های بلند مشکلات خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی را به بار می‌آورد.[2]

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال**: به نظر تعداد محدودی از باشنده‌های سمنگان (387 نفر برابر با 19.54545٪ کل نفرها)، تعداد دختران مجرد بزرگ‌سال (بالای 35 سال) در این ولایت وجود دارد و اکثریت شهروندان آن ولایت (1593 نفر برابر با 80.45455٪ کل نفرها) وجود دختران مجرد بزرگ‌سال را رد کرده‌اند. آنانیکه در بالا پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند، می‌گویند که در خانواده‌ها از 1 الی 6 نفر و بطور متوسط 2.03 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد. ریاست امور زنان سمنگان: به نظر ما در 60٪ خانواده‌ها دختران مجرد بزرگ‌سال وجود دارد... زیادتر دختران جوان در چوکات مرکزی ولایت بوده، بخاطر رسم و عنعنات ناپسند و طویانه‌های گزاف بوده است.[3]

ج:زنان بیوه و نان‌آور

٤. **زنان بیوه**: اکثریت شهروندان سمنگان (1828 نفر برابر با 92.32323٪ کل نفرها) وجود زنان بیوه در ولایت شان را تأیید و تعداد بسیار محدود (152 نفر برابر 7.676768٪ کل نفرها) وجود آنها را رد نموده‌اند. در میان آنانیکه وجود زنان بیوه را در سمنگان تأیید نموده‌اند، 584 نفر (31.94748٪) گفته اند که در خانواده ایشان زنی بیوه وجود دارد و 1244 نفر (68.05252٪) وجود زن بیوه را در خانواده خویش رد کرده‌اند. قابل تذکر است که؛ تعداد مجموعی زنان بیوه در خانواده‌های فوق به 1851 نفر می رسد و نتایج بیانگر این است که در هر یک از خانواده‌های فوق 1 تا 9 نفر و بطور متوسط 3.16 نفر زن بیوه وجود دارد. ریاست امور زنان می‌گوید: «شاید در حدود 10٪ از خانواده ها بیوه باشند». شاید منظور ایشان از این فیصدی، فیصدی خانواده‌هایی باشد که در آن بیوه وجود دارد.

٥. **زنان نان‌آور**: زنان نان‌آور در ولایت سمنگان وجود دارد زیرا اکثریت شهروندان آن (1372 مورد برابر با 69.29293٪ کل نفرها) وجود آنان را تأیید نموده و 608 نفر (30.70707٪ کل نفرها) وجود زنان نان‌آور را رد کرده‌اند. 368 (26.82216٪) نفر در میان 1372 نفرهای فوق، گفته اند که زنی نان‌آور در خانواده ایشان وجود دارد و 1004 (73.17784٪) نفر آن وجود زن نان‌آور را در خانواده‌های خویش رد نموده‌اند و در بین خانواده‌های دارنده زن نان‌آور؛ در هر خانواده بین 1 تا 9 نفر و بطور متوسط 2.01 زن نان‌آور وجود دارد. به نظر ریاست امور زنان 5٪ زنان نان‌آور خانه می‌باشند.

٦. **زنان دهقان**: اکثریت شهروندان ولایت سمنگان (1445 نفر برابر با 72.9798٪ کل نفرها) به این باور اند که زنان شان در کارهای دهقانی سهیم اند و تعدادی (535 نفر برابر با 27.0202٪ کل نفرها) هم دهقانی زنان را در آن ولایت رد کرده‌اند.

---

[1] خانم عاقله، پیشین.
[2] خانم عاقله، پیشین.
[3] خانم عاقله، پیشین.

در میان 1445 نفر فوق؛ 534 نفر (36.95502٪) آن گفته اند که زنان ایشان در کارهای دهقانی با مردان همکاری می‌کنند و 911 نفر (63.04498٪) آن، مورد سهم زنان شان در دهقانی را رد کرده‌اند. تعداد کل زنان دهقان‌کار خانواده‌هایمصاحبه‌شونده‌ها به 837 نفر می‌رسد و نتایج مبیین وجود 1 تا 6 نفر و بطور متوسط 1.56 نفر در هریک از خانواده‌های فوق می باشد. خانم عاقله به نیابت از ریاست امور زنان سمنگان به این نظر است که؛ در این ولایت در بخش زراعت خانم‌ها سهیم نیستند.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

1. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:** اکثریت شهروندان سمنگان (1174 نفر برابر با 59.29293٪ کل نفرها) به این نظر اند که در این ولایت خشونت علیه زنان صورت نمی‌گیرد و تعدادی (806 نفر برابر با 40.70707٪ کل نفرها) هم اعمال خشونت علیه زنان را در این ولایت تأیید می‌کنند. آنانیکه اعمال خشونت علیه زنان را تأیید نموده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال را چنین بیان می‌کنند: تجاوزجنسی 131 مورد (7.209686٪ کل نظریات)، مجبورنمودن‌به‌فحشا 8 مورد (0.440286٪ کل نظریات)، آتش‌زدن و استعمال مواد کیمیاوی 7 مورد (0.38525٪ کل نظریات)، خشونت‌منجربه‌خودکشی 52 مورد (2.86186٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت 23 مورد (1.265823٪ کل نظریات)، لت و کوب 202 مورد (11.11723٪ کل نظریات)، خرید و فروش زن 18 مورد (0.990644٪ کل نظریات)، بددادن 60 مورد (3.302146٪ کل نظریات)، نکاح اجباری 107 مورد (5.888828٪ کل نظریات)، ممانعت از ازدواج 29 مورد (1.596037٪ کل نظریات)، نکاح زیرسن 291 مورد (16.01541 کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 152 مورد (8.365438٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 88 مورد (4.843148٪ کل نظریات)، انزوای اجباری 37 مورد (2.036324٪ کل نظریات)، اعتیاد اجباری 28 مورد (1.541002٪ کل نظریات)، منع تصرف در ارث 106 مورد (5.833792٪ کل نظریات)، منع تصرف در اموال 15 مورد (0.825537٪ کل نظریات)، ممانعت از تحصیل 156 مورد (8.585581٪ کل نظریات)، ممانعت از کار 30 مورد (1.651073٪ کل نظریات)، کار اجباری 79 مورد (4.347826٪ کل نظریات)، ازدواج با بیش از یک زن181 مورد (9.961475٪ کل نظریات)، نفی قرابت 16 مورد(0.880572٪ کل نظریات) و انواع دیگر 1 مورد (0.055036٪ کل نظریات) انتخاب شده‌است که در میان همه آنها، «نکاح زیرسن» بیشترین سهم نظریات را به خود اختصاص داده است.
2. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:**اکثریت شهروندان سمنگان (1520 نفر برابر با 76.76768٪ کل نفرها) به این اندیشه اند که میزان خشونت علیه زنان در این ولایت افزایش نیافته ولی تعدادی (460 نفر برابر با 23.23232٪ کل نفرها) از آنان می گویند که خشونت علیه زنان در ولایت افزایش یافته است. آنانیکه افزایش خشونت علیه زنان را تأیید نموده‌اند، علل افزایش خشونت علیه زنان را چنین می‌شمارند: فقر اقتصادی 118 مورد (25.37634٪ کل نظریات)، بیکاری 76 مورد (16.34409٪ کل نظریات)، تکالیف روانی 24 مورد (5.16129٪ کل نظریات)، فرهنگ مردسالاری 43 مورد (9.247312٪ کل نظریات)، ازدواج های اجباری 40 مورد (8.602151٪ کل نظریات)، مشکلات خانوادگی 115 مورد (24.73118٪ کل نظریات)، فساد اخلاقی 48 مورد (10.32258٪ کل نظریات) و علل دیگر 1 مورد (0.215054٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد و در میان موارد فوق، مهم‌ترین علل «فقر اقتصادی» و «مشکلات خانوادگی» محسوب می گردد. آمر حل پرابلم‌های خانوادگی قوماندانی امنیه سمنگان گفته است که؛ در شش‌ماه امسال 5 قضیه خشونت علیه زنان (2 مورد بدرفتاری و 3 مورد لت و کوب) ثبت شده‌است... خشونت علیه زنان نسبت به سال گذشته کاهش یافته و امسال 5 قضیه به

ریاست دادستانی‌استیناف ولایت سمنگان ارسال شده و بعضی موارد کوچک در این اداره حل و فصل گردیده‌است. آمریت مذکور علل اعمال خشونت علیه زنان را در موارد ذیل می بیند:

- بدرفتاری شوهران
- ازدواج‌های اجباری
- ضعف اقتصادی
- بی‌سوادی
- رسوم و عنعنات ناپسند در جامعه
- سؤاستفاده جنسی
- خرید و فروش زن
- و تقاضای بیش از حد مهر[1]

ب: آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی‌کننده به خشونت علیه زنان

1. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی‌کننده:** اکثریت مردم سمنگان (1714 نفر برابر با 86.56566٪ کل نفرها) آگاهی دارند که؛ زن متضرر خشونت به کجا (کدام اداره) مراجعه کند ولی تعدادی از آنان (13.43434٪ کل نفرها) نمی‌دانند که چنین زنی به کجا مراجعه نماید. آنانیکه در مورد فوق، پاسخ مثبت ارایه کرده‌اند ادارات مورد نظر برای رسیدگی خشونت علیه زنان را چنین بیان کرده‌اند: قریه‌دار و ولسوالی 1366 مورد (42.64752٪ کل نظریات)، پولیس 279 مورد (8.710584٪ کل نظریات)، مدیریت حقوق 220 مورد (6.868561٪ کل نظریات)، ریاست امور زنان 511 مورد (15.95379٪ کل نظریات)، دادستانی 312 مورد (9.740868٪ کل نظریات)، محکمه 467 مورد (14.58008٪ کل نظریات)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 32 مورد (0.999063٪ کل نظریات) و مؤسسات جامعه مدنی 16 مورد (0.499532٪ کل نظریات) را احتوا می‌کند که بیشترین سهم نظریات را «قریه‌دار و ولسوالی» جذب می‌کند. ریاست امور زنان سمنگان: زیادتر زنان متضرر خشونت به ریاست امور زنان و دیگر ارگان های امنیتی مراجعه می‌نمایند.
2. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی:** اکثریت شهروندان سمنگان (1072 نفر برابر با 54.14141٪ کل نفرها) به این باور اند که زنان در شریک‌سازی مشکلات خویش را با نهادهای عدلی و قضایی، علاقه و اعتماد ندارند ولی عده‌ای دیگر (908 نفر برابر با 45.85859٪ کل نفرها) دیدگاه مثبت داشته و می‌گویند که زنان در شریک سازی مشکلات شان با نهادهای عدلی و قضایی علاقه و اعتماد دارند. آنانیکه در بالا بر بی‌علاقه‌گی و بی‌اعتمادی تکیه زده اند، علل چنین مسئله‌ای را چنین بیان می کنند: عدم پی‌گیری درست قضایا 295 مورد (10.09582٪ کل نظریات)، رفتار نادرست با زنان متضرر و آسیب‌پذیر 232 مورد (7.939767٪ کل نظریات)، فساد اداری 407 مورد (13.92882٪ کل نظریات)، توهین و تحقیر 367 مورد (12.55989٪ کل نظریات)، مجرم‌دانستن زنان 325 مورد (11.12252٪ کل نظریات)، عرف حاکم بر جامعه 366 مورد (12.52567٪ کل نظریات)، شرم زنان از مراجعه به دولت 611 مورد (20.91034٪ کل نظریات)، نبود کارمندان کافی زن در ادارات 317 مورد (10.84873٪ کل نظریات) و علل دیگر 2 مورد (0.068446٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که جدی‌ترین علت آن «شرم زنان از مراجعه به دولت» تشکیل می‌دهد.

[1] مصاحبه با نظام خان آمر حل پرابلم های خانوادگی قوماندانی امنیه سمنگان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۳** شهر سمنگان، سمنگان، افغانستان.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان:** اکثریت شهروندان سمنگان (1055 نفر برابر با 53.28283٪ کل نفرها) به این باور اند که مؤسسات جامعه مدنی در مناطق شان خدماتی را برای کاهش خشونت علیه زنان انجام نداده‌اند ولی عده‌ای (925 نفر برابر با 46.71717٪ کل نفرها) دیگر برعکس ابراز نظر کرده‌اند. آنانیکه ارایه خدمات فوق را از طرف مؤسسات جامعه مدنی تأیید نموده‌اند، خدمات آن مؤسسات را چنین می شمارند: آگاهی و مشاوره حقوقی – دینی 358 مورد (39.42731٪ کل نظریات)، آگاهی و مشاوره شغلی 214 مورد (23.56828٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری شغل برای زنان 241 مورد (26.54185٪ کل نظریات) و دفاع از حقوق زنان 95 مورد (10.46256٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد در میان همه آن، مهم‌ترین خدمات آن مؤسسات «آگاهی و مشاوره حقوقی – دینی» محسوب می‌گردد. مؤسسات جامعه مدنی در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان خدماتی را انجام داده است.[1]
2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر:** اکثریت شهروندان سمنگان (1472 نفر برابر با 74.34343٪ کل نفرها) وجود مؤسسات فراهم‌کننده خدمات برای زنان و دختران آسیب‌پذیر را رد کرده‌اند ولی عده‌ای (508 نفر برابر با 25.65657٪ کل نفرها) وجود مؤسسات فوق را تأیید کرده و خدمات آنها را چنین می‌شمارند: مشوره حقوقی رایگان 345 مورد (37.9538٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 57 مورد (6.270627٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 58 مورد (6.380638٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری خانه های امن 64 مورد (7.040704٪ کل نظریات)، خدمات صحی و روانی 274 مورد (30.14301٪ کل نظریات) و آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌هایاحتمالی 111 مورد (12.21122٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که مهم‌ترین خدمات شان، «مشوره حقوقی رایگان» می‌باشد. ریاست امور زنان به این باور است که خدمات مؤسسات جامعه برای دختران و زنان آسیب‌پذیر در مرکز شهر و ولسوالی‌ها آنقدر به نظر نمی‌خورد.
3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب پذیر:** شوراهای انکشافی محلی در ولایت سمنگان خدماتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر فراهم نمی‌کند، این مسئله نظر اکثریت شهروندان (1113 نفر برابر با 56.21212٪ کل نفرها) آن ولایت بوده و عده‌ای (867 نفر برابر با 43.78788٪ کل نفرها) هم گفته اند که آن شوراها خدمات مذکور را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر فراهم می‌نماید. آنانیکه فراهم‌آوری خدمات شوراهای انکشافی محلی را در سمنگان تأیید نموده‌اند، خدمات آن شوراها را چنین بیان می‌کند: مشوره حقوقی رایگان 208 مورد (21.5544٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 57 مورد (5.906736٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 76 مورد (7.875648٪ کل نظریات)، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 80 مورد (8.290155٪ کل نظریات)، وساطت و میانجی‌گیری 162 مورد (16.78756٪ کل نظریات)، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب های احتمالی 214 مورد (22.17617٪ کل نظریات) و آموزش مردان برای رفع آسیب 168 مورد (17.40933٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

راهکارهای آتی به نظر سمنگانی‌ها برای مبارزه با خشونت علیه زنان مناسب است: آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد 1024 مورد (30.75075٪ کل نظریات)، آگاهی دینی – حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 471 مورد (14.14414٪ کل نظریات)، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 700 مورد (21.02102٪ کل نظریات)، تعلیم و تربیه شهروندان 310 مورد (9.309309٪ کل نظریات)، باسواد

[1] خانم عاقله، پیشین.

ساختن اعضای جامعه 466 مورد (13.99399٪ کل نظریات)، شغل‌زایی 114 مورد (3.423423٪ کل نظریات)، بالابردن سطح اقتصاد شهروندان 244 مورد (7.327327٪ کل نظریات) و راهکار های دیگر 1 مورد (0.03003٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که در میان همه راهکارهای فوق، «آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد» بیشترین سهم نظریات مصاحبه‌شونده‌ها را به دست آورده است.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

شهروندان سمنگان (1910 نفر برابر با 96.46465٪ کل نفرها) به این باور اند که از ده سال گذشته تا حال تغییراتی در زندگی خانم‌ها به میان آمده و فقط تعداد محدودی (70 نفر برابر با 3.535354٪ کل نفرها) از آنها آمدن تغییرات در وضعیت خانم را رد می نمایند. آنانیکه در مورد فوق، نظریه مثبت ارایه کرده‌اند، تغییرات به میان آمده در زندگی زنان را چنین شمرده اند: رفتن دختران به مکتب 1620 مورد (53.06256٪ کل نظریات)، کارکردن زنان در ادارت و دفاتر 463 مورد (15.16541٪ کل نظریات)، کاهش خشونت علیه زنان 968 مورد (31.70652٪ کل نظریات) و تغییرات دیگر 2 مورد (0.065509٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که بزرگ‌ترین تغییر در زندگی زنان از دیدگاه سمنگانی‌ها «رفتن دختران به مکتب» می‌باشد. ریاست امور زنان سمنگان: تغییراتی در زندگی زنان به مقایسه سال‌های قبل به وجود آمده مثلاً در عرصه‌های تحصیل و کار بیرون از منزل.

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

مؤسسات و نهادهای جامعه مدنی در سمنگان تلاش‌های را برای مجسم ساختن نقش زنان انجام داده است، این گفته‌های اکثریت مصاحبه‌شونده‌ها (1299 نفر برابر 65.60606٪ کل نفرها) در آن ولایت می باشد ولی عده‌ای (681 نفر برابر با 34.39394٪ کل نفرها) چنین تلاش‌های مؤسسات و نهادهای جامعه مدنی را رد می‌نمایند. آنانیکه باورمند به تلاش های مؤسسات و نهادهای جامعه مدنی در تجسم حقوق زنان در جامعه بودند، تلاش‌ها و فعالیت‌های مؤسسات و نهادهای فوق را چنین بیان می نمایند: راه‌اندازی کنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 547 مورد (31.78385٪ کل نظریات)، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 323 مورد (18.76818٪ کل نظریات)، استخدام زنان در دفاتر شان 518 مورد (30.09878٪ کل نظریات)، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 330 مورد (19.1749٪ کل نظریات) و فعالیت‌های دیگر 3 مورد (0.174317٪ کل نظریات) را احتوا نموده و از نظر سمنگانی‌ها، بزرگترین فعالیت در راستای تجسم حقوق زنان در جامعه افغانی «راه‌اندازی کنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان» محسوب می گردد. ریاست امور زنان سمنگان، مؤسسات جامعه مدنی در این ولایت عقب‌مانده گفته و آنقدر به نظر نمی‌خورد.

مبحث ششم: سرپل

گفتار اول: وضعیت عمومی

ولسوالی‌های گوسفندی، سانچارک و بلخاب ولایت سرپل به عنوان جامعه نمونه تحقیق در آن ولایت انتخاب شده و با 1980 نفر (990 نفر مرد و 990 نفر زن) مصاحبه به عمل آمده است. در میان مجموع مصاحبه‌شونده‌ها؛ 141 نفر (7.121212٪ کل نفرها) را اشخاص مجرد و 1839 نفر (92.867879٪ کل نفرها) را اشخاص متأهل تشکیل داده و در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها؛ 1361 نفر (68.73737٪ کل نفرها) آن بی‌سواد و 619 نفر (31.26263٪ کل نفرها) آن باسواد بوده اند. تعداد مجموعی اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 17793 نفر می‌رسد که 8776 نفر (49.32277٪) آن را ذکور و 9017 نفر (50.67723٪) آن را اناث شامل می‌گردد. در میان کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها 6394 نفر مکتب‌خوان وجود دارد که؛ 3093 نفر (48.37348٪) آن را پسرها و 3301 نفر (51.62652٪) آن را دختران تشکیل می‌دهد و در میان کل اعضای خانوادها، 2099 نفر باسواد وجو دارد که؛ 1157 نفر (55.12149٪) آن را مردان و 942 نفر (44.87851٪) آن را زنان تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

تعداد زیادی از شهروندان ولایت سرپل (1922 نفر برابر با 97.07071٪ کل نفرها) دختران خویش را اجازه می‌دهند که به مکتب بروند ولی تعداد محدودی از آنان (58 نفر برابر با 2.929293٪ کل نفرها) به دختران شان اجازه نمی‌دهند که به مکتب بروند. آنانیکه به دختران شان اجازه مکتب رفتن را نمی‌دهند، دلایل خویش را چنین بیان نموده‌اند: ناامنی 5 مورد (6.25٪ کل نظریات)، تهدید طالبان و شورشی‌ها 6 مورد (7.5٪ کل نظریات)، عرف و عادات جامعه 48 مورد (60٪ کل نظریات)، نبود مکاتب 10 مورد (12.5٪ کل نظریات)، نبود معلمین اناث 2 مورد (2.5٪)پایین بودن کیفیت درسی 8 مورد (10٪ کل نظریات) و نبود جای مناسب برای مکاتب دخترانه 1 مورد (1.25٪کل نظریات) را به خود اختصاص داده است. ریاست معارفسرپل در زمینه چنین ابراز نظر می‌نماید: ... در اکثر مناطق ولایت در ادوار مختلف یک سلسله موانع در رابطه به عدم رفتن دختران دانش‌آموز به مکتب وجود داشته ولی در ولسوالی های این ولا، به دوره ابتداییه کدام مشکل محسوس نبوده اما در دوره‌های متوسط و لیسه ها که سن شاگران اناث به بلوغ رسیده و از جانبی هم نسبت عدم موجودیت معلمین اناث در مکاتب نسوان، مردم مانع رفتن دختران جوان شان به مکتب می‌شوند... در سال 1393 هیچ‌گونه مواردی در رابطه به اجازه ندادن دختران به مکتب ثبت نگردیده‌است... ولی در سال 1392، 6 مورد موانع در ارتباط به رفتن دختران به مکتب ثبت دیتابیس مدیریت مربوطه این ریاست شده‌است... در مرکز ولایت و ولسوالی‌های بلخاب، سانچارک و سوزمه‌قلعه مربوطه این ولا بیشتر مردم به دختران شان اجازه رفتن به مکتب را می‌دهندولی با تأسف در ولسوالی های کوهستانات، گوسفندی و صیاد این ولا اکثراً مردم مانع رفتن دختران شان به مکتب می‌شوند.[1]

[1] مکتوب رسمی ریاست معارف سرپل، ۱۳۹۳/۰۷/۰۳، شهر سرپل، سرپل، افغانستان.

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اکثریت شهروندان سرپل (1897 نفر برابر با 95.80808٪ کل نفرها) به این نظر اند که در مکاتب آن ولایت علیه دانش‌آموزان اناث خشونت اعمال نمی‌گردد ولی تعداد محدودی از آنان (83 نفر برابر با 4.191919٪ کل نفرها)، اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را تأیید نموده‌اند. آنانیکه اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث را در مکاتب سرپل تأیید کرده‌اند، انواع خشونت‌های مورد اعمال را چنین بیان کرده‌اند: لت و کوب 37 مورد (17.12963٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 22 مورد (10.18519٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 22 مورد (10.18519852٪ کل نظریات)، ممانعت از تعلیم 26 مورد (12.03704٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت 4 مورد (1.851852٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در درس‌خواندن 60 مورد (27.77778٪ کل نظریات) و اعمال تبعیض در نمره دادن 45 مورد (20.83333٪ کل نظریات)را به خود اختصاص داده است که در میان همه موارد فوق، بیشترین سهم را «اعمال تبعیض در درس‌خواندن» شامل می گردد. ریاست معارف سرپل اعمال هرگونه خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در داخل مکتب را اصلاً رد نموده و ابراز نظر می‌نمایند که خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در خارج از مکتب اعمال می‌شود.[1]

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

شهروندان سرپل با تفکر بر شناسایی علل و عوامل خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب، علل آن را چنین برشمرده اند: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 633 مورد (16.28086٪ کل نظریات)، ناآگاهی از حقوق زنان 829 مورد (21.32202٪ کل نظریات)، قوم‌گرایی 870 مورد (22.37654٪ کل نظریات)، عقده‌گشایی 641 مورد (16.48663٪ کل نظریات)، مادی‌گرایی 497 مورد (12.78292٪ کل نظریات) و خودخواهی 418 مورد (10.75103٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید و از نتایج تحقیق چنین بر می‌آید که در مکاتب سرپل مسایل قوم‌گرایی زیاد است. ریاست معارف سرپل علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در خارج از مکتب را در موارد ذیل می‌دانند:

- بی‌سوادی
- فقر اقتصادی
- رعایت رسوم و عنعنات ناپسند محلی و منطقه‌ای
- و ناامنی در محیط و منطقه[2]

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

سرپلی‌ها راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در نظر گرفته‌اند: تدویر برنامه‌های آموزشی 801 مورد (26.77139٪ کل نظریات)، پیگیری عدلی خشونت ها 665 مورد (22.22594٪ کل نظریات)، دفتر نظارت بر رفتار مسوولین و استادان مکاتب 776 مورد (25.93583٪ کل نظریات)، دادخواهی از حقوق دانش‌آموزان اناث 748 مورد (25٪ کل نظریات) و راهکار های دیگر 2 مورد (0.066845٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد و «تدویر برنامه‌های آموزشی» بیشترین سهم نظریات مصاحبه‌شونده‌ها را حاصل نموده‌است.«مبارزه جدی با خشونت علیه دختران دانش‌آموز را می‌توان با نشر برنامه‌های دینی و اسلامی در رابطه به حقوق زنان از طریق رسانه‌های خبری و همچنان از طریق تبلیغ و آگاهی‌دهی مردم بالوسیله ملاامامان مساجد ویا هم می‌توان با مجازات چند تن از اشخاص و افرادی که مرتکب خشونت علیه دانش‌آموزان میشود، مبارزه کرد.»[3]

[1] مکتوب رسمی ریاست معارف سرپل، پیشین.
[2] مکتوب رسمی ریاست معارف سرپل، پیشین.
[3] مکتوب رسمی ریاست معارف سرپل، پیشین.

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج دختران

مردم سرپل به این نظر اند که دختران این ولایت معمولاً به یکی از سنین ذیل عروسی می نمایند: 9 تا 12 سالگی 7 مورد (0.205038٪ کل نظریات)، 12 تا 14 سالگی 10 مورد (0.292912٪ کل نظریات)، 14 تا 16 سالگی 701 مورد (20.5331٪ کل نظریات)، 16 تا 18 سالگی 1350 مورد (39.54306٪ کل نظریات) و از 18 سالگی به بالا 1346 مورد (39.42589٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که نتایج بیانگر ازدواج اکثریت دختران سرپل در سن قانونی، می باشد. ریاست امور زنان سرپل: سن ازدواج به دلایل مختلف متفاوت است، مثلاً براساس عرف و سنت‌ها و توافقاتی که بین خانواده‌ها صورت می گیرد، دختران در سن حتی 8 سلاگی تن به ازدواج می‌دهند اما به دلیل مشکلات اقتصادی و مصارف بالای عروسی، دختران تا سن 35 سالگی در خانه پدرشان بی‌شوهر می‌باشند. معمولاً در روستاها بیشترین دختران در سنین خورد به شوهر داده می‌شوند.[1]

ب: طویانه و پیامدها.

1. **نرخ طویانه:** نرخ طویانه‌های ازدواج در ولایت سرپل از دیدگاه سرپلی‌ها چنین است: 1 تا 3 لک افغانی 556 مورد (20.85521٪ کل نظریات)، 3 تا 6 لک افغانی 1004 مورد (37.65941٪ کل نظریات)، 6 تا 9 لک افغانی 485 مورد (18.19205٪ کل نظریات)، 9 تا 12 لک افغانی 384 مورد (14.4036٪ کل نظریات) و 12 تا 15 لک افغانی 237 مورد (8.889722٪= کل نظریات) را تشکیل می‌دهد و نتایج مبیین آن است که؛ «3 تا 6 لک افغانی» رایج‌ترین نرخ طویانه در سرپل می‌باشد. ریاست امور زنان سرپل: «مبلغ طویانه و مصارف عروسی در ولایت سرپل از 5 تا 15 لک افغانی می‌باشد.»
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** اکثریت باشندگان ولایت سرپل (1887 نفر برابر با 95.30303٪ کل نفرها) می گویند که؛ جوانان ایشان برای پیدا کردن پول‌های طویانه‌های عروسی به خارج از کشور سفر می‌نمایند ولی عده‌ای دیگر (93 نفر برابر با 4.69697٪ کل نفرها) چنین مسئله ای را رد می کنند. در میان 1887 فوق؛ 1162 نفر (61.57923٪) آن سفر یکی از مردان خانواده خویش به خارج از کشور را به منظور فوق، تأیید نموده و 725 نفر (38.42077٪) آن گفته اند که مردی از خانواده ایشان برای تأمین طویانه‌های گزاف به خارج از کشور سفر نکرده است. ریاست امور زنان به این باور است که؛ هزاران جوان برای تأمین هزینه‌های طویانه در دنیای مهاجرت و مسافرت به سر می‌برند و معمولاً به کشورهای ایران، عربستان و پاکستان می‌روند.
3. **پیامد های طویانه:** مردم سرپل با درک مشکلات جامعه، پیامدها و مشکلات احتمالی ناشی از طویانه‌های گزاف را چنین بیان می‌نمایند: خشونت های خانوادگی 1506 مورد (۳۶.۰۰۲۸۷٪ کل نظریات)، ارتکاب جرم 806 مورد (19.26847٪ کل نظریات)، رجوع به فساد اخلاقی 879 مورد (21.0101363٪ کل نظریات)، اعتیاد به مواد مخدر 780 مورد (18.6469٪ کل نظریات)، معلولیت جسمانی 110 مورد (2.629692٪ کل نظریات)، پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 100 مورد (2.390629٪ کل نظریات) و مشکلات دیگر 2 مورد (0.047813٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید و به نظر سرپلی‌ها، بزرگترین پیامد گرفتن طویانه‌های گزاف در ازدواج‌ها، «خشونت‌های خانوادگی» می باشد. ریاست امور زنان سرپل: طویانه‌های بلند مشکلات متعددی آتی را به جا می گذارد:
    - طلاق و تفریق،
    - فرار از منزل،

[1] مصاحبه با خانم ملکه سادات مدیر هم‌آهنگی پروژه‌های انکشافی، ۱۳۹۳/۰۷/۰۲، شهر سرپل، سرپل، افغانستان.

- فقراقتصادی،
- بالارفتن سن ازدواج طرفین،
- محرومیت از تعلیم‌ا و تحصل
- و عقده‌های روانی[1] و سایر موارد دیگر[2]

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال:** اکثریت شهروندان سرپل (1410 نفر برابر با 71.21212٪ کل نفرها) وجود دختران مجرد بزرگ‌سال (بالای 35 سال) را انکار ولی عده‌ای (570 نفر برابر با 28.78788٪ کل نفرها) آن را تأیید کرده‌اند. در میان آنانیکه وجود دختران مجرد بزرگ‌سال را در سرپل تأییدکرده‌اند، گفته اند؛ در خانواده‌ها بین 1 تا 5 نفر و بطور متوسط 1.02 نفر دختر بزرگ‌سال وجود دارد. ریاست امور زنان سرپل وجود 0.5٪ دختران مجرد بزرگ‌سال را در ولایت سرپل تأیید نموده و می گویند که؛ در تمام مناطق مخصوصاً روستاها دختران مجرد بزرگ‌سال وجود دارند.

ج:زنان بیوه و نان‌آور

۱. **زنان بیوه:** اکثریت سرپلی ها (1923 نفر برابر با 97.12121٪ کل نفرها) به این باور اند که در جامعه سرپل زنانی بیوه هستند ولی عده‌ای (57 نفر برابر 2.878788٪ نفرها) هم وجود آنها را انکار کرده‌اند. در میان 1923 نفر فوق؛ 518 نفر (26.93708٪) آن وجود زنی بیوه را در خانه خود تأیید نموده و 1405 نفر (73.06292٪) آن چنین موردی را در خانه خود رد کرده‌اند و تعداد مجموعی زنان بیوه موجود در خانواده‌های مصاحبه شونده‌ها به 727 نفر می رسد (یعنی در بین خانواده‌های ایشان بین 1 تا 6 نفر و بطور متوسط 1.40 نفر زن بیوه وجود داشته است). ریاست امور زنان سرپل، وجود 30 درصدی زنان بیوه را در این ولایت تأیید کرده‌است.

۲. **زنان نان‌آور:** در سرپل هم زنانی اند که مسئولیت نان‌آوری خانواده را در کنار مردان به عهده گرفته اند، اکثریت شهروندان سرپل (1099 نفر برابر با 55.50505٪ کل نفرها) چنین موردی را تأیید ولی تعدادی (881 نفر برابر با 44.49495٪ کل نفرها) هم آن را رد کرده‌اند. در میان آنانیکه وجود زنان نان آور را در جامعه سرپل تأیید نموده‌اند؛ 375 نفر (34.12193٪) آن گفته اند که خانواده ایشان زنی نان‌آور است و 724 نفر (65.87807٪) آن گفته اند که در خانواده‌های ایشان زنی نان‌آور نیست و تعداد مجموعی زنان نان‌آور در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 404 نفر می‌رسد (یعنی در آن خانواده ها بین 1 تا 3 نفر و بطور متوسط 1.07 نفر زن نان‌آور وجود داشته است). 20٪ زنان سرپل از دیدگاه ریاست امور زنان آن ولایت نان‌آور خانواده می‌باشد.

۳. **زنان دهقان:** اکثریت شهروندان سرپل (1910 نفر برابر با 96.46465٪ کل نفرها) می‌گویند که زنان در کنار مردان در کارهای دهقانی سهیم اند ولی عده‌ای (70 نفر برابر با 3.535354٪ کل نفرها) هم این موضوع را رد می‌کنند. در میان 1910 نفر؛ 745 نفر (۳۹.۰۰۵۲۴٪) آن گفته زنان خانواده‌های شان در کنار مردان در کارهای دهقانی سهم می‌گیرند و 1165 نفر (۶۰.۹۹۴۷۶٪) آن سهم‌گیری زنان خانواده‌های شان در کارهای دهقانی را رد کرده‌اند. تعداد مجموعی زنان دهقان در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 962 نفر می‌رسید و در خانواده‌های مذکور بین 1 تا 6 نفر و بطور متوسط 1.29 نفر زن

[1] مردم افغانستان معمولاً با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده و شدت و تداوم این مشکلات موجب تحمیل ناهنجاری‌های روانی بر آنها می‌گردد. بنابرین، این افراد از طرق مختلف در صدد تخلیه مشکلات روانی خویش می‌باشند و مصاحبه‌شونده یکی از آثار شوم طویانه‌های بلند در ازواج‌ها می‌دانند.

[2] خانم ملکه سادات، پیشین.

نان‌آور وجود دارد. به همین ترتیب، ریاست امور زنان می گوید که 20٪ زنان این ولایت مصروف کارهای دهقانی و زراعتی می‌باشند.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

1. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:**در میان1980 نفر شهروندان سرپل؛ 916 نفر (46.26263٪ کل نفرها) آن گفته اند که خشونت علیه زنان در این ولایت اعمال می گردد و برعکس 1064 نفر (53.73737٪ کل نفرها) چنین موردی را رد کرده‌اند. آنانیکه اعمال خشونت علیه زنان را در ولایت سرپل تأیید نموده‌اند، انواع خشونت مذکور را با تفکیک چنین بیان نموده‌اند: تجاوزجنسی 94 مورد (2.237562٪ کل نظریات)، مجبور نمودن به فحشا 80 مورد (1.904308٪ کل نظریات)، آتش‌زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 81 مورد (1.928112٪ کل نظریات)، خشونت منجر به خودکشی 95 مورد (2.261366٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت 104 مورد (2.475601٪ کل نظریات)، لت و کوب 372 مورد (8.855035٪ کل نظریات)، خرید و فروش زن 176 مورد (4.189479٪ کل نظریات)، بددادن 199 مورد (4.736967٪ کل نظریات)، نکاح اجباری 307 مورد (7.307784٪ کل نظریات)، ممانعت از ازدواج 271 مورد (6.450845٪ کل نظریات)، نکاح زیرسن 385 مورد (9.164485٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 418 مورد (9.950012٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 322 مورد (7.664842٪ کل نظریات)، انزوای اجباری 226 مورد (5.379672٪ کل نظریات)، اعتیاد اجباری 114 مورد (2.71364٪ کل نظریات)، منع تصرف در ارث 131 مورد (3.118305٪ کل نظریات)، منع تصرف در اموال 127 مورد (3.02309٪ کل نظریات)، ممانعت از تحصیل 224 مورد (5.332064٪ کل نظریات)، ممانعت از کار 160 مورد (3.808617٪ کل نظریات)، کار اجباری 128 مورد (3.046894٪ کل نظریات)، ازدواج با بیش از یک زن 111 مورد (2.642228٪ کل نظریات) و نفی قرابت 76 مورد (1.809093٪ کل نظریات) را شامل می گردد که در میان همه آن آنها، شایع‌ترین موارد خشونت علیه زنان «دشنام، تحقیر و ترسانیدن» و «نکاح زیرسن»می‌باشد.
1. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:**اکثریت مردم سرپل (1575 نفر برابر با 79.54545٪ کل نفرها) به این باور اند که میزان خشونت علیه زنان افزایش نیافته ولی عده‌ای (405 نفر برابر با 20.45455٪ کل نفرها) افزایش آن را تأیید کرده‌اند. آنانیکه افزایش خشونت علیه زنان را تأیید کرده‌اند، علل آن را چنین بیان می کنند: فقر اقتصادی 90 مورد (9.911894٪ کل نظریات)، بیکاری 142 مورد (15.63877٪ کل نظریات)، تکالیف روانی 63 مورد (6.938326٪ کل نظریات)، فرهنگ مردسالاری 143 مورر (15.7489٪ کل نظریات)، ازدواج های اجباری 145 مورد (15.96916٪ کل نظریات)، مشکلات خانوادگی 174 مورد (19.163٪ کل نظریات)، فساد اخلاقی 149 مورد (16.40969٪ کل نظریات) و علل دیگر 2 مورد (0.220264٪ کل نظریات) را شامل می گردد که از نظر مردم سرپل جدی‌ترین علت افزایش خشونت علیه زنان مشکلات خانوادگی می‌باشد. شش ماه اول 1393 براساس اسناد رسمی و موجود که به رویت آن اجراآت صورت گرفته، در قوماندانی امنیه ولایت سرپل 18 مورد خشونت علیه زنان ثبت شده که شامل موارد ذیل می‌باشد: لت و کوب 5 مورد، خشونت خانوادگی 2 مورد، فرار از منزل3 مورد، فعل زنا 2 مورد، خشونت خانوادگی منجر به لت و کوب 2 مورد، سؤقصد فعل زنا 1 مورد، لادرکی1 مورد، فرار از منزل و فعل زنا 1 مورد، مجروحیت 1 مورد.[1] در این

[1] راحت الله آمر حل پرابلم های خانوادگی قوماندانی امنیه سرپل، **۱۳۹۳/۰۷/۰۲**، شهر سرپل، سرپل، افغانستان.

قسمت به بررسی انواع خشونت علیه زنان در قانون منع خشونت علیه زن بپردازیم، فقط لت و کوب زن، خشونت های خانوادگی، خشونت های خانوادگی منجر به لت و کوب، لادرکی (اگر آن را اختطاف تصور کنیم)، و مجروجیت را شامل می‌شود که تعداد آن به 11 مورد می‌رسد و بس. آقای راحت الله افزوده است که؛ خشونت علیه زنان نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و دلیل آن را در تدابیر و اقدامات جدی و پیگیر در راستای کاهش خشونت علیه زنان دانسته ولی می گوید که در شش ماه اول 1393 خشونت لت و کوب نسبت به سال گذشته حدود 35٪ افزایش یافته است. وی علاوه کرد: از میان موارد خشونت که به قوماندانی راجع می‌گردد ویا آنها کشف نمودم، در حدود 60 - 70٪ آن به دادستانیراجع می‌گردد. آمریت حل پرابلم های خانوادگی قوماندانی امنیه سرپل عوامل مختلفی را در افزایش خشونت دخیل دانسته و از جمله سنتی بودن جامعه، بی‌سوادی و فقر را نام برده است.

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهاهای عدلی

2. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده:**اکثریت مردم سرپل (1611 نفر برابر با 81.36364٪ کل نفرها) این مسئله را میدانند که؛ اگر زنی متضرر خشونت واقع گردد، به کجا مراجعه کند، ولی تعدادی هم (369 نفر برابر با 18.63636٪ کل نفرها) این مسئله را نمی‌دانند. از آنانیکه در مورد فوق نظریه مثبت ارایه کردند، نهادهای که به آن برای رسیدگی به خشونت‌های زنان مراجعه شود، را چنین نام می‌گیرند: قریه‌دار و ولسوالی 991 مورد (22.33995٪ کل نظریات)، پولیس 618 مورد (13.93147٪ کل نظریات)، مدیریت حقوق 672 مورد (15.14878٪ کل نظریات)، ریاست امور زنان 932 مورد (21.۰۰۹۹۲٪ کل نظریات)، دادستانی 536 مورد (12.08296٪ کل نظریات)، محکمه 562 مورد (12.66907٪ کل نظریات)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 123 مورد (2.772768٪) و مؤسسات جامعه مدنی 2 مورد (0.045086٪ کل نظریات) را شامل می گردد و نتایج مبیین رجوع بیشتر مردم به «قریه‌دار و ولسوالی» می باشد. متضررین خشونت معمولاً به ریاست امور زنان، دفتر معاونت برای دفاع از حقوق زنان، مقام قوماندانی امنیه، و دفتر زنان برای زنان افغان و سایر ادارات مراجعه می‌نمایند.[1]

3. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی:**در قسمت شریک‌سازی مشکلات زنان با نهادهای عدلی و قضایی افغانستان، اکثریت شهروندان سرپل (1061 نفر برابر با 53.58586٪ کل نفرها) به این باور اند که زنان در شریک‌سازی مشکلات خود با نهادهای عدلی و قضایی، به آن نهادهای علاقه و اعتماد ندارند ولی تعدادی هم (919 نفر برابر با 46.41414٪ کل نفرها) به آن نهادها در زمینه فوق اعتماد و علاقه دارند. آنانیکه زنان را در شریک‌سازی مشکلات شان با نهادهای عدلی و قضایی بی‌اعتماد و بی‌علاقه می‌دانند، علل آن را چنین بیان نموده‌اند: عدم‌پیگیری درست قضایا 385 مورد (10.58274٪ کل نظریات)، رفتار نادرست با زنان 352 مورد (9.675646٪ کل نظریات)، فساد اداری 431 مورد (11.84717٪ کل نظریات)، توهین و تحقیر 331 مورد (9.098406٪ کل نظریات)، مجرم‌دانستن زنان 505 مورد (13.88125٪ کل نظریات)، عرف حاکم بر جامعه 601 مورد (16.52007٪ کل نظریات)، شرم زنان از مراجعه به دولت 634 مورد (17.42716٪ کل نظریات)، نبود کارمندانی کافی زند در ادارات 398 مورد (10.94008٪ کل نظریات) و علل دیگر 1 مورد (0.027488٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد که قوی‌ترین آن از دیدگاه سرپلی‌ها، «شرم زنان از مراجعه به دولت» دانسته شده‌است.

[1] خانم ملکه سادات، پیشین.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان**: اکثریت مردم سرپل (1430 نفر برابر با 72.22222 کل نفرها) به این نظریه اند که مؤسسات جامعه مدنی در مناطق ایشان خدماتی را برای کاهش خشونت علیه زنان انجام نداده‌اند ولی تعدادی از آنان (550 نفر برابر با 27.77778٪ کل نفرها) خدمات آن مؤسسات را در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان ارزنده معرفی کرده‌اند. آنانیکه خدمات مؤسسات جامعه مدنی در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان را تأیید نموده‌اند، خدمات آنها را چنین شمرده اند: آگاهی و مشاوره حقوقی – دینی 109 مورد (18.76076٪ کل نظریات)، آگاهی و مشاوره شغلی 81 مورد (13.94148٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری شغل برای زنان 82 مورد (14.1136٪ کل نظریات) ودفاع از حقوق زنان 309 مورد (53.18417٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که در میان همه آنها، مهم‌ترین خدمت این مؤسسات در مبارزه با خشونت علیه زنان «دفاع از حقوق زنان» بوده است. مؤسسات و دفترهای زیادی در این ولایت در راستای کاهش خشونت کار کرده‌اند، از قبیل مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان، دفتر زنان برای زنان، مؤسسه نوا NAWA، و سایر مؤسسات.[1]
2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر**: در مورد خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر، اکثریت مردم سرپل (1650 نفر برابر با 83.33333٪ کل نفرها) نظریه منفی ارایه کرده و می‌گویند که شاهد چنین خدماتی از طرف مؤسسات جامعه مدنی نبوده‌اند ولی باوجود آن، تعدادی از شهروندان سرپل (330 نفر برابر با 16.66667٪ کل نفرها) شاهد خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر بوده اند. آنانیکه در مورد فوق، دیدگاه مثبت داشته اند، خدمات مؤسسات جامعه مدنی را چنین بیان کرده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 12 مورد (2.459016٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 20 مورد (4.098361٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 185 مورد (37.90984٪ کل نظریات)، فراهم‌آوری خانه های امن 161 مورد (32.9918٪ کل نظریات)، خدمات صحی و روانی 50 مورد (10.2459٪ کل نظریات)، و آموزش زنان برای آسیب‌های احتمالی 60 مورد (12.29508٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند و از نظر مردم سرپل، بزرگترین خدمت شورا های انکشافی «پیگیری قضایا و دادخواهی» بوده است. ریاست امور زنان سرپل می‌نویسد که؛ ... بلی مؤسسات و جامعه مدنی در مرکز ولایت وجود دارد اما در ولسوالی‌ها صرف نماینده دفتر معاونت برای دفاع از حقوق زنان، برای زنان و دختران آسیب‌پذیر خدمات حقوقی ارایه می کند... خدماتی از قبیل دادخواهی، پیشبرد رایگان قضایا در مراجع عدلی و قضایی و ارایه مشوره‌های حقوقی.
3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر**:اکثریت مردم سرپل (1667 نفر برابر با 84.19192٪ کل نفرها) به این باور اند که شوراهای انکشافی خدمتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر در ولایت سرپل ارایه نکرده ولی تعدادی هم (313 نفر برابر با 15.80808٪ کل نفرها) شاهد خدمات آن شوراها بوده اند. آنانیکه شاهد خدمات شورا های انکشافی محلی بوده اند، خدمات آن شوراها ذیلاً معرفی نموده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 11 مورد (2.949062٪ کل نظریات)، وکالت‌دفاع رایگان 19 مورد (5.093834٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 64 مورد (17.15818٪ کل نظریات)، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 98 مورد (26.27046٪ کل نظریات)، وساطت و میانجی‌گری 135 مورد (36.19303٪ کل نظریات)، آموزش زنان برای آسیب‌های احتمالی 16 مورد (4.289544٪ کل نظریات) و آموزش زنان برای رفع آسیب 30 مورد

[1] خانم ملکه سادات، پیشین.

(8.042895٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که در میان همه آنها، «وساطت و میانجی‌گری» مهم‌ترین خدمت شور های انکشافی بوده است.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

شهروندان سرپل هم اندیشه مبارزه با خشونت علیه زنان را در سر داشته و راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه زنان طرح کرده‌اند: آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد 848 مورد (14.24013٪ کل نظریات)، آگاهی دینی – حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 652 مورد (10.94878٪ کل نظریات)، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 1082 مورد (18.16961٪ کل نظریات)، تعلیم و تربیه شهروندان 754 مورد (12.66163٪ کل نظریات)، باسواد ساختن اعضای جامعه 1065 مورد (17.88413٪ کل نظریات)، شغل‌زایی 769 مورد (12.91352٪ کل نظریات)، بالابردن سطح اقتصاد شهروندان 783 مورد (13.14861٪ کل نظریان) و راهکارهای دیگر 2 مورد (0.033585٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده‌اند که در میان همه آنها، «کاهش نرخ طویانه‌های گزاف» مهم‌ترین راهکار شناخته شده‌است.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

نظریه اکثریت شهروندان سرپل (1819 نفر برابر با 91.86869٪ کل نفرها) بیان‌گر این است که؛ از ده سال قبل تا حال در زندگی زنان تغییراتی به میان آمده ولی تعدادی هم (161 نفر برابر با 8.131313٪ کل نفرها) آمدن چنین تغییرات را رد نموده‌اند. آنانیکه شاهد آمدن تغییر در زندگی زنان در سرپل بوده اند، تغییرات به میان آمده را چنین بیان کرده‌اند: رفتن دختران به مکتب 1591 مورد (44.69101٪ کل نظریات)، کارکردن زنان در ادارات و دفاتر 944 مورد (26.51685٪ کل نظریات)، کاهش خشونت علیه زنان 999 مورد (28.0618٪ کل نظریات) و تغییرات دیگر 26 مورد (0.730337٪ کل نظریات) را تشکیل می‌دهد و از نظر سرپلی‌ها، مهم‌ترین تغییر به میان آمده در زندگی خانم‌ها، «رفتن دختران به مکتب» می باشد. ریاست امور زنان سرپل: در طی ده سال تغییرات چشم‌گیری در زندگی خانم ها به میان آمده، از قبیل رفتن دختران به مکاتب و دانشگاه‌ها، استخدام زنان در ادارات دولتی و مؤسسات، دسترسی به کارهای حرفه‌ای و مشاغل آزاد و اشتراک در پروسه‌های سیاسی.

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

دیدگاه اکثریت سرپلی‌ها (1423 نفر برابر با 71.86869٪ کل نفرها) پیرامون تلاش های مؤسسات و جامعه مدنی در راستای تجسم نقش زنان منفی بوده و آنها شاهد چنین تلاش‌های نبوده اند ولی عده‌ای هم (557 نفر برابر با 28.13131٪ کل نفرها) گواه تلاش‌های مؤسسات و جامعه مدنی بوده‌اند که خدمات آنها را چنین معرفی کرده‌اند: راه‌اندازیکنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 291 مورد (31.94292٪ کل نظریات)، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 175 مورد (19.20966٪ کل نظریات)، استخدام زنان در دفاتر و ادارات 255 مورد (27.99122٪ کل نظریات)، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 189 نفر (20.74643٪ کل نظریات) و کارهای دیگر 1 مورد (0.109769٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که در میان همهٔ آنها، «استخدم زنان در دفاتر شان» بزرگ‌ترین خدمت محسوب می‌گردد. به نظر ریاست امور زنان سرپل؛ مؤسسات در این راستا نقش برجسته داشته مثلاً عضویت زنان در شوراهای انکشافی، محلی و شوراهای ولایتی.

مبحث هفتم: بدخشان

گفتار اول: وضعیت عمومی

بدخشان نیز یکی از ولایات مورد نظر برای تحقیق بود که جامعه نمونه آن را ولسوالی‌های تیشکان، بهارک و ارگو تشکیل می‌داد و در این ولایت نیز مانند سایر ولایات با 1980 نفر شهروندان آن ولایت مصاحبه به عمل آمده است که نصف آن‌را مرد و نصف دیگر آن را زنان تشکیل می‌دهد. در میان 1980 نفر؛ 77 نفر (3.888889٪ کل نفرها) آن مجرد و 1903 نفر (96.11111٪ کل نفرها) آن متأهل بوده در میان همه مردان و زنان فوق، 1362 نفر (68.78788٪ کل نفرها) بی‌سواد و 618 نفر (31.21212٪ کل نفرها) باسواد بوده اند. اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها در بدخشان 19739 نفر جمعیت بدخشان را تشکیل می‌دهد که 10947 نفر (55.45874٪) آن ذکور و 8792 نفر (44.54126٪) است. علاوه بر آن، در میان کل جمعیت اعضای خانواده‌های مصاحبه شونده‌ها؛ 7674 نفر مکتب‌خوان وجود دارد که 4345 نفر (56.61976٪) آن پسر و 3329 نفر (43.38024٪) آن دختر بوده و در میان همه اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها؛ 4284 نفر باسواد وجود داشته که 2519 نفر (59.29849٪) آن را ذکور و متباقی 1729 نفر (40.70151٪) آن را اناث تشکیل می‌دهد.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

اهل بدخشان به این باور اند که اکثریت شهروندان آن ولایت (1844 نفر برابر با 93.13131٪ کل نفرها)به دختران شان اجازه می‌دهند که به مکتب بروند و عده‌ای هم (6.868687٪ کل نفرها) چنین اجازه‌ای فراهم نمی‌کنند و این افراد محدود علل آن را چنین بیان کرده‌اند: ناامنی 44 مورد (29.93197٪ کل نظریات)، تهدید طالبان و شورشی‌ها 30 مورد (20.40816٪ کل نظریات)، عرف و عادات جامعه 24 مورد (16.32653٪ کل نظریات)، نبود مکاتب 17 مورد (11.56463٪ کل نظریات)، نبود معلمین اناث 25 مورد (17.۰۰۶۸٪ کل نظریات)، پایین بودن کیفیت درسی 1 مورد (0.680272٪ کل نظریات) و نبود جای مناسب برای مکتب دختران 6 مورد (4.081633٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که در میان همه عوامل فوق، بزرگ‌ترین عامل «ناامنی» بوده است. ریاست معارف ولایت بدخشان در زمینه چنین ابراز نظر کرده است: شاگردان در مرکز ولایت اجازه صد در صد به مکتب رفتن را دارند و در ولسوالی‌ها کم، به خصوص ولسوالی‌های وردوج و مکاتب گزدلی و صوفیان، شاگردان در حدود 50 درصد به معارف دسترسی دارند. این ریاست در سال قبل نیز با مشکل «عدم اجازه دادن دختران برای رفتن به مکتب» در مکاتب مواجه نبوده اند.[1]

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اکثریت شهروندان بدخشان (1435 نفر برابر با 72.47475٪ کل نفرها) به این نظر اند که در مکاتب این ولایت علیه دانش‌آموزان اناث خشونت اعمال نمی‌گردد ولی عده ای (545 نفر برابر با 27.52525٪ نفرها) اعمال چنین مواردی را تأیید نموده و انواع آن را چنین بیان می‌کنند: لت و کوب 204 مورد (30.86233٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 109 مورد (16.49017٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 42 مورد (6.354009٪ کل نظریات)، ممانعت از تعلیم 8 مورد (1.210287٪ کل نظریات)، جراحت و معلولیت2 مورد (0.302572٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در درس‌خواندن 67 مورد (10.13616٪ کل نظریات)، اعمال تبعیض در نمره‌دادن 226 مورد (34.19062٪ کل نظریات) و علل دیگر 3 مورد (0.453858٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید و از دیدگاه بدخشانی‌ها مهم‌ترین انواع خشونت‌های مورد اعمال، اجازه ندادن دختران به مکاتب، «اعمال تبعیض در نمره‌دادن» و «لت و کوب» می‌باشد.

[1] مصاحبه با سیدسردار سرپرست مدیریت محافظت و مصئونیت ریاست معارف بدخشان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۲**، بدخشان، افغانستان.

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان

بدخشانی‌ها علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب را چنین معرفی کرده‌اند: بی‌اعتقادی به حقوق زنان 1109 مورد (28.59722٪ کل نظریات)، ناآگاهی از حقوق زنان 909 مورد (23.43992٪ کل نظریات)، قوم‌گرایی 760 مورد (19.59773٪ کل نظریات)، عقده‌گشایی 374 مورد (9.644146٪ کل نظریات)، مادی‌گرایی 388 مورد (10.00516٪ کل نظریات) و خودخواهی 338 مورد (8.715833٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد که در میان همه علل فوق، «بی‌اعتقادی به حقوق زنان» و «ناآگاهی از حقوق زنان» می‌باشد. آمار خشونت علیه دختران در سال جاری (1393) 13 مورد بوده که این وقایع در لیسه نسوان ولسوالی درایم مکتب دهباز، مکتب ولسوالی تگاب، ولسوالی جرم، ولسوالی وردوج، کوهستانات و شهربزرگ به وقوع پیوسته...در مکاتب از طرف اداره مکتب از جمله لیسه عالی مخفی که در مرکز فیض‌آباد قراردارد، فشار روحی و رخصت ندادن وجود داشته و ترس و خشونت بیرونی در بعضی از مکاتب از قبیل صد راه دختران واقع شدن و مزاحمت کردن نیز وجود داشته است... آمار خشونت علیه دانش‌آموزان مکاتب شامل تهدید، نگذاشتن به مکتب، اذیت‌های خیابانی و آزار فزیکی می‌باشد و علل آن هم استفاده‌جویی توسط اداره مکتب و عدم آگاهی از قانون می‌باشد.[1]

د: راهکار مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

مردم بدخشان راهکارهای ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب معرف کرده‌اند: تدویر برنامه‌های آموزشی 1374 مورد (41.51057٪ کل نظریات)، پی‌گیری عدلی خشونت‌ها 727 مورد (21.96375٪ کل نظریات)، دفتر نظارت بر رفتار مسوولین و استادان مکاتب 856 مورد (25.86103٪ کل نظریات) و دادخواهی از حقوق دانش‌آموزان اناث 353 مورد (10.66465٪ کل نظریات) را احتوا نموده که در میان همه راهکارهای فوق، «تدویر برنامه های آموزشی» بیش‌ترین سهم نظریات راجذب نموده‌است.

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج دختران

دختران بدخشان به اساس گفته های شهروندان آن ولایت در سنین ذیل ازدواج می کنند: 9 تا12 سالگی 0 مورد (0٪ کل نظریات)، 12 تا 14 سالگی 44 مورد (1.741884٪ کل نظریات)، 14 تا 16 سالگی 473 (18.72526٪ کل نظریات)، 16 تا 18 سالگی 1023 مورد (40.49881٪ کل نظریات) و از 18 سالگی به بالا 986 مورد (39.03405٪ کل نظریات) را شامل می‌شود که رد بین همه سنین مذکور، بیشترین دختران در سنین «16 تا 18 سالگی» و «از 18 سالگی به بالا» ازدواج می کنند. ریاست امور زنان ولایت بلخ در این زمینه چنین ابراز نظر می‌نماید: در مرکز ولایت دختران به سن 16 سالگی و در ولسوالی ها بین 13 تا1 15 سالگی به شوهر داده می‌شود و در بعضی قرا و قصبات ارگو، پنتل، ... و سایر مناطق دوردست دختران در سنین پایین به ازدواج درآورده می‌شوند.[2]

ب: طویانه و پیامدها.

1. **نرخ طویانه:** نرخ طویانه‌های رایج در ولایت بدخشان قرار ذیل می‌باشد: 1 تا 3 لک افغانی 1067 نفر (50.85796٪ کل نظریات)، 3 تا 6 لک افغانی 832 مورد (39.65682٪ کل نظریات)، 6 تا 9 لک افغانی 132 مورد (6.291706٪ کل نظریاتکل نظریات)، 9 تا 12 لک افغانی 52 مورد (2.478551٪ کل نظریات) و 12 تا 15 لک افغانی 15 مورد (0.714967٪ کل نظریات) را احتوا می نماید که در میان همه نرخ های فوق، رایج‌ترین نرخ طویانه «3 تا 6 لک افغانی» می‌باشد. نرخ طویانه در بدخشان از دیدگاه ریاست امور زنان آن ولایت، از 3 الی 6 لک افغانی می‌باشد.
2. **سفر جوانان به خارج از کشور:** اکثریت بدخشانی‌ها (1936 نفر برابر با 97.77778٪ کل نفرها) به این باور اند که جوانان برای تأمین هزینه طویانه‌های گزاف به خارج از کشور سفر می کنند ولی عده‌ای (44 نفر برابر با 2.222222٪ کل

---

[1] سیدسردار، پیشین.

[2] مصاحبه با نفیسه قادری مدیر حقوق ریاست امور زنان بدخشان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۱**، فیض‌آباد، بدخشان، افغانستان.

نظریات) خلاف آن نظریه، ابراز نظر کرده کرده‌اند. آنانیکه رفتن جوانان به خارج از کشور را تأیید نموده‌اند؛ 1417 نفر (73.19215٪) آن گفته اند که جوانی از خانواده ایشان به منظور فوق سفر کرده و 519 نفر (26.80785٪) آن رفتن جوانی از خانواده خویش به خارج از کشور را رد کرده‌اند. ریاست امور زنان بدخشان سفر جوانان به خارج از کشور برای تأمین هزینه طویانه‌های بلند را تأیید کرده و گفته اند که بیشتر مردم به کشور ایران می‌روند.

3. **پیامدهای طویانه:**گرفتن طویانه‌های گزاف در ازدواج از دیدیگاه بدخشانی‌ها پیامدهای ناگوار ذیل را خواهد داشت: خشونت‌های خانوادگی 1602 مورد (48.۰۰۷۱۹٪ کل نظریات)، ارتکاب جرم 504 مورد (15.10339٪ کل نظریات)، رجوع به فساد اخلاقی 663 مورد (19.86815٪ کل نظریات)، اعتیاد به موادمخدر 480 مورد (14.38418٪ کل نظریات)، معلولیت جسمانی 19 مورد (0.569374٪ کل نظریات) و پیوستن به گروه‌های مخالف دولت 69 مورد (2.067726٪ کل نظریات) را شامل می‌گردد که به نظر آنها، خطرناک‌ترین پیامدهای طویانه‌های گزاف «خشونت‌های خانوادگی » می باشد. ریاست امور زنان بدخشان به این باور است که طویانه‌های بلند موجب پیدایش امراض روحی و روانی، مشکلات خانوادگی، اجتماعی و خشونت‌های خانوادگی می گردد.[1]

4. **دختران مجرد بزرگ‌سال:** اکثریت شهروندان بدخشان (1039 نفر برابر با 52.47475٪ کل نفرها) می‌گویند که در ولایت ایشان دختران مجرد بزرگ‌سال (بالای 35 سال) وجود ندارد ولی تعدادی هم (941 نفر برابر با 47.52525٪ کل نفرها) وجود دختران فوق الذکر را تأیید کرده‌اند. آنانیکه در فوق نظر مثبت ارایه کرده‌اند، گفته اند که؛ در خانواده‌های بدخشان بین 1 تا 8 نفر و بطور متوسط 2.15 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد. ریاست امور زنان بدخشان قادر به ارایه آمار دختران مجرد بزرگ‌سالدر این ولایت نبوده ولی گفته اند که بیشترین دختران مجرد بزرگ‌سال در مرکز ولایت بوده و علل آن تقاضای بندل و بی‌مورد است.

ج:زنان بیوه و نان‌آور

۱. **زنان بیوه:**مردم بدخشان (1747 نفر برابر با 88.23232٪ کل نفرها) مؤیید وجود زنان بیوه در آن ولایت بوده و عده ای هم (233 نفر برابر با 11.76768٪ کل نفرها) وجود آن زنان را رد کرده‌اند. درمیان مؤیدین؛ 559 نفر (31.99771٪) آن وجو زن بیوه را در خانواده‌های خویش تأیید کرده و 1188 نفر (68.۰۰۲۲۹٪) آن گفته اند که در خانه ایشان زن بیوه وجود ندارد. تعداد مجموعی زنان بیوه در خانواده‌های مؤیدین به 625 نفر می‌رسد که در خانواده‌های مذکور بین 1 تا 5 نفر و بطور متوسط 2.23 نفر زن بیوه وجود دارد. ریاست امور زنان بدخشان ابراز نظر کرده که تعداد زنان بیوه تقریباً حدود 15 درصد بوده می‌تواند.

۲. **زنان نان‌آور:** زنان‌آور در بدخشان به چه تعدادی می‌رسند؟ 1483 نفر شهروندان بدخشان (74.89899٪ کل نفرها) وجود زنان نان‌آور را در ولایت بدخشان تأیید و تعدادی (497 نفر برابر با 25.10101٪ کل نفرها)هم آن را رد کرده‌اند. قابل تذکر است که؛ در میان 1980 نفر مذکور، 525 نفر (35.40121٪) آن گفته اند که در خانواده‌های ایشان زنان‌آور وجود دارد و 958 نفر (64.59879٪) آن وجود زنان نان‌آور در خانواده‌های شان را رد کرده‌اند و تعداد زنان نان‌آور در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 579 نفر می‌رسید(که در خانواده‌های فوق بین 1 تا 4 نفر و بطور متوسط 2.3 نفر زن نان‌آور وجود دارد).

[1] نفیسه قادری، پیشین.

۳. **زنان دهقان:** در ولایت بدخشان نیز زنان با مردان در کارهای دهقانی سهم می‌گیرند. در میان 1980 نفر مصاحبه‌شونده در بدخشان؛ 1719 نفر (86.81818٪ کل نفرها) سهم زنان در کارهای دهقانی را تأیید و 261 نفر (13.18182٪ کل نفرها) آن مورد فوق را رد کرده‌اند. در میان مؤیدین سهم زنان در کار های دهقانی؛ 1018 نفر (59.22048٪) آن همکاری زنان شان در کارهای دهقانی با مردان خانواده‌های شان را تأیید و 701 نفر (40.77952٪) آن حضور زنان دهقان‌کار را در خانواده های شان رد کرده‌اند و تعداد کل زنان دهقان‌کار د رخانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 1757 نفر می رسد (که در خانواده‌های فوق بین 1تا 6 نفر و بطور متوسط 3.45 نفر زن دهقان‌کار وجود دارد).

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

۱. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن:** اکثریت مردم بدخشان (1177 نفر برابر با 59.44444٪ کل نفرها) به این فکر اند که خشونت علیه زنان در این ولایت اعمال می‌گردد و تعدادی هم (803 نفر برابر با 40.55556٪ کل نفرها) چنین مسئله‌ای را رد می‌کنند. مؤیدین خشونت علیه زنان در بدخشان انواع خشونت‌های مورد اعمال علیه زنان در این ولایت را چنین بیان کرده‌اند: تجاوز جنسی 232 مورد (8.912793٪ کل نظریات)، مجبورنمودن به فحشا 176 مورد (6.761429٪ کل نظریات)، آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی 246 مورد (9.450634٪ کل نظریات)، خشونت منجر به خودکشی 286 مورد (10.98732٪ کل نظریات)، جراحت و معولیت 97 مورد (3.726469) لت و کوب 501 مورد (19.24702٪ کل نظریات)، خرید و فروش زن 12 مورد (0.461007٪ کل نظریات)، بددادن 35 مورد (1.344602٪ کل نظریات)، نکاح اجباری 73 مورد (2.804456٪ کل نظریات)، ممانعت از ازدواج 110 مورد (4.225893٪ کل نظریات)، نکاح زیر سن 179 مورد (6.876681٪ کل نظریات)، دشنام، تحقیر و ترسانیدن 183 مورد (7.03035٪ کل نظریات)، آزار و اذیت 83 مورد (3.188629٪ کل نظریات)، انزوای اجباری 5 مورد (0.192086٪ کل نظریات)، اعتیاد اجباری 3 مورد (0.115252٪ کل نظریات)، منع تصرف در ارث 3 مورد (0.115252٪ کل نظریات)، منع تصرف در اموال 12 مورد (0.461007٪ کل نظریات)، ممانعت از تحصیل 62 مورد (2.381867٪ کل نظریات)، ممانعت از کار 84 مورد (3.227046٪ کل نظریات)، کار اجباری 104 مورد (3.99539٪ کل نظریات)، ازدواج با بیش از یک زن 20 مورد (0.768344٪ کل نظریات)، نفی قرابت 96 مورد (3.688052٪ کل نظریات) و نوع دیگر 1 مورد (0.038417٪ کل نظریات) را احتوا می‌نماید که در بین همه انواع فوق شایع‌ترین آن «لت و کوب» می باشد.

۲. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن:**اکثریت شهروندان بدخشان (1198 نفر برابر با 60.50505٪ کل نفرها) به این نظریه اند که خشونت علیه زنان در آن ولایت نسبت به گذشته افزایش نیافته ولی عده‌ای هم (782 نفر برابر با 39.49495٪ کل نفرها) افزایش آن را تأیید کرده‌اند. آنانیکه افزایش خشونت علیه زنان را در بدخشان تأیید نموده‌اند، علل اعمال خشونت های فوق را چنین بیان کرده‌اند: فقر اقتصادی 417 مورد (50.18051٪ کل نظریات)، بیکاری 187 مورد (22.50301٪ کل نظریات)، تکالیف روانی 20 مورد (2.406739٪ کل نظریات)، فرهنگ مردسالاری 49 مورد (5.89651٪ کل نظریات)، ازدواج های اجباری 19 مورد (2.286402٪ کل نظریات)، مشکلات خانوادگی 132 مورد (15.88448٪ کل نظریات) و فساد اخلاقی 7 مورد (0.842359٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که در میان همه موارد فوق، «فقر اقتصادی» مهم‌ترین عامل دانسته شده‌است. قوماندانی امنیه بدخشان از ثبت 15 قضیه خشونت علیه زنان خبر می‌دهد و به نسبت تراکم کاری قادر به ارایه آمار با تفکیک انواع خشونت نبوده‌اند. این قوماندانی به این باور است که نرخ خشونت علیه زنان نسبت به سال گذشته کاهش یافته و علل این کاهش را در تنویر اذهان مردم از طرف مؤسسات مدنی و نهادهای حقوقی می‌داند. آنها افزودند که در سال‌های قبل ازدواج اجباری،

نکاح زیرسن و لت و کوب وجود داشت که نسبت به گذشته کاهش یافته است. قضایای خشونت علیه زنان که به قوماندانی می‌آید، برای بررسی قانونی به سارنولی راجع می‌شود.[1]

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهاهای عدلی

1. آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی کننده:اکثریت مردم بدخشان (1908 نفر برابر 96.36364٪ کل نفرها) میدانند که؛ اگر زنی متضرر خشونت واقع شود به کجا مراجعه نماید؟ ولی عده ای هم (72 نفر 3.636364٪ کل نفرها) این مسئله مهم را نمی دانند. آنانیکه محل رجوع زن متضرر خشونت را می‌دانستند، ادارات مورد مراجعه را چنین نام برده اند: قریه‌دار و ولسوالی 1173 مورد (36.69065٪ کل نظریات)، پولیس 293 مورد (9.164842٪ کل نظریات)، مدیریت حقوق 306 مورد (9.571473٪ کل نظریات)، ریاست امور زنان 414 مورد (12.94964٪ کل نظریات)، دادستانی240 مورد (7.507038٪ کل نظریات)، محکمه 435 مورد (13.60651٪ کل نظریات)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 329 مورد (10.2909٪ کل نظریات) و مؤسسات و جامعه مدنی 7 مورد (0.218955٪ کل نظریات) را شامل می گردد که نتایج مبیین رجوع زیاد مردم به «قریه‌دار و ولسوالی» مراجعه می نمایند. متضرر خشونت علیه زن، به ریاست امور زنان، دادستانیمنع خشونت علیه زنان، دفتر زنان برای زنان و LSAO مراجعه می کنند.[2]
2. اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارات عدلی و قضایی: شهروندان بدخشان (1221 نفر برابر با 61.66667٪ کل نفرها) به این نظر اند که زنان این ولایت در شریک‌سازی مشکلات خویش با نهاد های عدلی و قضایی افغانستان علاقه و اعتماد دارند ولی عده ای (759 نفر برابر با38.33333٪ کل نفرها) نسبت به این موضوع نظریه مخالف ارایه کرده و زنان را نسبت به موارد فوق بی‌اعتماد و بی‌علاقه می‌دانند. آنانیکه بی‌اعتمادی و بی‌علاقه‌گی زنان در شریک‌سازی مشکلات شان با نهاد های عدلی و قضایی تأیید کرده‌اند، علل این مسئله را چنین شمرده اند: عدم پیگیری درست قضایا 351 مورد (19.84172٪ کل نظریات)، رفتار نادرست با زنان متضرر 153 مورد (8.648954٪ کل نظریات)، فساد اداری 360 مورد (20.35048٪ کل نظریات)، توهین و تحقیر 77 مورد (4.352742٪ کل نظریات)، مجرم دانستن زنان 207 مورد (11.70153٪ کل نظریات)، عرف حاکم بر جامعه 260 مورد (14.69757٪ کل نظریات)، شرم زنان از مراجعه به دولت 259 مورد (14.64104٪ کل نظریات) و نبود کارمندان کافی زن در ادارات 102 مورد (5.765969٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده است که درمیان همه علل فوق، «فساد اداری» درجه بلندی دارد.

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان**:اکثریت شهروندان بدخشان (1221 نفر برابر با 61.66667٪ کل نفرها) به این باور اند که مؤسسات جامعه مدنی خدماتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان ارایه نکرده ولی تعدادی از شهروندان این ولایت (759 نفر برابر با 38.33333٪ نفرها) شاهد خدمات فوق بوده و خدمات مؤسسات جامعه مدنی را چنین نام می‌برند: آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی 486 مورد (55.35308٪ کل نظریات)، آگاهی و مشاوره شغلی 134 مورد (15.26196٪ کل نظریات)، فراهم شغل برای زنان 123 مورد (14.00911٪ کل نظریات)، دفاع از حقوق زنان 134 مورد (15.26196٪ کل نظریات) و خدمات دیگر 1 مورد (0.113895٪ کل نظریات) را احتوا می نماید که در بین همه خدمات فوق، «آگاهی و مشاوره حقوقی - دینی» برجسته بوده است. ریاست

[1] مصاحبه با نجیب الله دروازی آمر اداری مدیریت جنایی قوماندانی امنیه بدخشان، **۱۳۹۳/۰۷/۰۳**، شهر فیض‌آباد، بدخشان، افغانستان.
[2] نفیسه قادری، پیشین.

امور زنان بدخشان گفته که؛ مؤسسات برای کاهش میزان خشونت علیه زنان کار کرده است مانند دفاتر LSAO، دفتر عدالت برای زنان و دفتر زنان برای زنان.

2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای دختران و زنان آسیب‌پذیر**: اکثریت مردم بدخشان (1532 نفر برابر با 77.37374٪ کل نفرها) شاهد فراهمآوری خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای زنان و دختران آسیب پذیر نبوده ولی تعدادی هم (448 نفر برابر با 22.62626٪ کل نفرها) خدمات آن مؤسسات را یادآوری نموده‌اندکه از آن ذیلاً نام برده می شود: مشوره حقوقی رایگان 303 مورد (64.33121٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 113 مورد (23.99151٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 16 مورد (3.397028٪ کل نظریات)، فراهم‌آموری خانه‌های امن 21 مورد (4.458599٪ کل نظریات)، خدمات صحی و روانی 16 مورد (3.397028٪ کل نظریات) و آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 2 مورد (0.424628٪ کل نظریات) را به خود اختصاص داده که «مشوره حقوقی رایگان» برجستگی خود را در میان خدمات فوق داشته است. مؤسسات فراهم‌کننده خدمات برای دختران و زنان آسیب‌پذیر در مرکز ولایت بوده ولی بیرون از ولایت، مؤسسه و جامعه مدنی وجود ندارد. این مؤسسات بیشتر در عرصه جلوگیری از خشونت، دسترسی به عدالت، تعلیم و صحت کار کرده‌اند.[1]

3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر:**دراین قسمت نیز اکثریت شهروندان بدخشان (1404 نفر برابر با 70.90909٪ کل نفرها) شاهد خدمات شورای‌های انکشافی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر نبوده‌اند، عده‌ای (576 نفر برابر با 29.09091٪ کل نفرها) خود را شاهد خدمات فوق دانسته و خدمات شوراهای انکشافی برای زنان ودختران آسیب‌پذیر را چنین توضیح داده‌اند: مشوره حقوقی رایگان 286 مورد (47.9062٪ کل نظریات)، وکالت دفاع رایگان 105 مورد (17.58794٪ کل نظریات)، پیگیری قضایا و دادخواهی 46 مورد (7.705193٪ کل نظریات)، ارجاع قضیه به ارگان‌های دولتی 70 مورد (11.72529٪ کل نظریات)، وساطت و میانجی‌گری 68 مورد (11.39028٪ کل نظریات)، آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب‌های احتمالی 3 مورد (0.502513 ٪ کل نظریات) و آموزش مردان برای رفع آسیب 19 مورد (3.18258٪ کل نظریات) را احتوا می کند که در میان همه آن موارد، «مشوره حقوقی رایگان» درجه بلند نظریات را شامل شده‌است.

د: راهکار های مبارزه با خشونت علیه زنان

شهروندان بدخشان راهکار های ذیل را برای مبارزه با خشونت علیه زنان پیشبینی نموده‌اند: آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد 966 مورد (25.78062٪ کل نظریات)، آگاهی دینی – حقوقی از طریق دولت و مؤسسات 394 مورد (10.51508٪ کل نظریات)، کاهش نرخ طویانه‌های گزاف 611 مورد (16.30638٪ کل نظریات)، تعلیم و تربیه شهروندان 704 مورد (18.78836٪ کل نظریات)، باسواد ساختن اعضای جامعه 515 مورد (13.74433٪ کل نظریات)، شغل‌زایی 318 مورد (8.486789٪ کل نظریات)، بالابردن سطح اقتصاد شهروندان 239 مورد (6.378436٪ کل نظریات) را شامل می گردد. به اساس نتایج فوق، مهمترین راهکار برای مبارزه با خشونت علیه زنان «آگاهی دینی – حقوقی از طریق مساجد» دانسته شده‌است.

[1] نفیسه قادری، پیشین.

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

اکثریت شهروندان بدخشان (1970 نفر برابر با 99.49495٪ کل نفرها) به این نظر اند که در زندگی زنان از ده سال قبل تا حال تغییراتی به میان آمده ولی فقط تعداد بسیار محدود (10 نفر برابر با 0.505051٪ کل نفرها) به میان آمدن تغییرات فوق را رد کرده‌اند. مؤیدین تغییرات در زندگی زنان، تغییرات به میان آمده را چنین بیان می‌کنند: رفتن دختران به مکتب 1604 مورد (49.62871٪ کل نظریات)، کارکردن زنان در ادرات و دفاتر 798 مورد (24.69059٪ کل نظریات) و کاهش خشونت علیه زنان 830 مورد (25.68069٪ کل نظریات) را شامل می‌شود و از دیدگاه بدخشانی‌ها، مهم‌ترین تغییر «رفتن دختران به مکتب» می باشد. ریاست امور زنان به این نظر است: در زندگی زنان از ده سال قبل تا حال تغییراتی به میان آمده مثلاً در عرصه تعلیم و تربیه، صحت، تجارت و آگاهی حقوقی.

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

اکثریت بدخشانی‌ها (1212 نفر برابر با 61.21212٪ کل نفرها) گفته اند که مؤسسات نقش مهمی در تجسم نقش زنان در جامعه نداشته ولی عده‌ای دیگر (768 نفر برابر با 37.78788٪ کل نفرها) سهم آنان را قابل ملاحظه و فعالیت‌های آن مؤسسات را چنین وانمود کرده‌اند: راه‌اندازیکنفرانس‌هایاآگاهی‌دهی در مورد نقش زنان 396 مورد (46.47887٪ کل نظریات)، راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای برای زنان 196 مورد (23.00469٪ کل نظریات)، استخدام زنان در دفاتر شان 111 مورد (13.02817٪ کل نظریات)، حمایت و پاسداری از حقوق زنان 149 مورد (17.48826٪ کل نظریات) را شامل می‌شود که مهمترین کار آنها از نظر مردم بدخشان «راه‌اندازیکنفرانس‌هایاآگاهی‌دهی در مورد نقش زنان» بوده است. ریاست امور زنان نقش مؤسسات و جامعه مدنی را در تجسم و بهبود نقش زنان در جامعه ارزشمند دانسته، و فعالیت‌های نهادهای فوق را در عرصه‌های آگاهی حقوقی، تبارز زنان میان مردم و جامعه، تجارت و سایر عرصه‌های ضرورت زندگی مهم تلقی کرده است.[1]

مبحث هشتم: نتایج عمومی

گفتار اول: وضعیت عمومی

در این بحث به بررسی نتایج کلی همه ولایات می‌پردازیم تا در زمینه دیدگاه عام‌تر و فراگیرتر داشته باشیم. در کل هفت ولایات با 13860 نفر شهروندان مصاحبه به عمل آمده است که نصف آن را زنان تشکیل می‌دهد، در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها؛ 828 نفر (5.974026٪) آن را اشخاص مجرد و متباقی 13032 نفر (94.02597٪) آن را اشخاص متأهل تشکیل داده و در میان کل مصاحبه شونده ها، 11305 نفر (81.56566٪) بی‌سواد و 2555 نفر (18.43434٪) آن باسواد بوده‌اند. تعداد اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به 124131 نفر می‌رسد که 64249 نفر (51.75903٪) آن از طبقه ذکور و 59882 نفر (48.24097٪) آن از طبقه اناث هستند، در میان کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها 43466 نفر اعضای مکتب خوان وجود دارد که؛ 24213 نفر (55.70561٪) آن را ذکور و 19253 نفر (44.29439٪) آن را اناث شامل می‌گردد و در میان کل اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها 15983 نفر باسواد وجود داشته است که شامل 10212 نفر (63.89289٪) مرد و 5771 نفر (36.10711٪) زن می‌باشد.

[1] نفیسه قادری، پیشین.

گفتار دوم: زنان و معارف

الف: اجازه رفتن به مکتب

در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها 12151 نفر (87.66955٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باور اند که به دختران شان اجازه رفتن به مکتب را می‌دهند ولی 1709 نفر (12.33045٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) گفته اند که به دختران شان اجازه مکتب رفتن را نمی‌دهند و علل این مسئله را چنین بیان کرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	نا امنی	701	20.34833091
2	تهدید طالبان و شورشی‌ها	459	13.32365747
3	عرف و عادات جامعه	869	25.22496372
4	نبود مکاتب	503	14.60087083
5	نبود معلمین اناث	578	16.77793904
6	پائین بودن کیفیت درسی	172	4.992743106
7	نبود جای مناسب برای مکتب دختران	158	4.586357039
8	علت دیگر	5	0.14513788

ب: خشونت علیه دانش‌آموزان

اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان در مکاتب در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها از طرف 1256 نفر (9.062049٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) تأیید و 12604 نفر (90.93795٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن را رد کرده‌اند و آنانیکه در زمینه فوق نظریه مثبت ارایه کرده اند، انواع خشونت های مورد اعمال را چنین برشمرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	لت و کوب	449	21.7961165
2	دشنام، تحقیر و ترسانیدن	349	16.9417476
3	آزار و اذیت	186	9.02912621
4	ممانعت از تعلیم	144	6.99029126
5	جراحت و معلولیت	64	3.10679612
6	اعمال تبعیض در درس خواندن	305	14.8058252
7	اعمال تبعیض در نمره دادن	556	26.9902913
8	علت دیگر	7	0.339806

ج: علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث

شاید، اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در کل افغانستان موضوع جدی باشد، کل مصاحبه‌شونده‌های هفت ولایات علل اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان اناث در مکاتب را چنین بیان نموده اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	بی اعتقادی به حقوق زنان	5481	28.3680969
2	ناآگاهی از حقوق زنان	4481	23.1923813
3	قوم‌گرایی	3211	16.6192226
4	عقده‌گشایی	2121	10.9776927
5	مادی‌گرایی	2018	10.444594

6	خودخواهی	2009	10.3980125

د: راهکارهای مبارزه با خشونت علیه دانش‌آموزان

دیدگاه شهروندان هفت ولایات شمال و شمال‌شرق در مورد راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان از لحاظ کمی و کیفی متفاوت بوده که در این قمست به بررسی کلی راهکارهای پیشبینی کرده‌اند میپردازیم:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	تدویر برنامه‌های آموزشی	6485	38.4935003
2	پیگیری عدلی خشونت ها	3385	20.0925981
3	دفتر نظارت بر رفتار مسئولین	4112	24.4079065
4	دادخواهی از حقوق دانش‌آموز اناث	2861	16.98225
5	راهکارهای دیگر	4	0.023743

گفتار سوم: سن ازدواج، طویانه و نان‌آوری

الف: سن ازدواج

گرچه سن ازدواج در ولایات مختلف بوده، ولی کل مصاحبه‌شونده‌های هفت ولایات مورد نظر، در مورد سن ازدواج در مناطق مختلف ولایات شان چنین ابراز نظر کرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	9 تا 12 ساله	62	0.33295741
2	12 تا 14 ساله	223	1.19757263
3	14 تا 16 ساله	2640	14.1775415
4	16 تا 18 ساله	6590	35.3901509
5	از 18 ساله به بالا	9106	48.9017776

ب: طویانه و پیامدها

1. **نرخ طویانه**: از آنجاییکه طویانه های بلند در سراسر افغانستان به عنوان یک نگرانی جدی مطرح بوده، 13860 نفر مصاحبه شونده کل ولایات مورد نظر نرخ طویانه را در ولایات شان را با درنظرداشت گزینه‌های مندرج پرسش‌نامه اعلام نموده اند که نتایج آن درج جدول آتی می‌باشد:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	1 لک تا 3 لک	5288	32.6419753
2	3 لک تا 6 لک	6726	41.5185185
3	6 لک تا 9 لک	2810	17.345679
4	9 لک تا 12 لک	1029	6.35185185
5	12 لک تا15 لک	347	2.14197531
6	مبلغ دیگر	0	0

2. **سفر جوانان به خارج از کشور**: اکثریت شهروندان ولایت مورد نظر به این نظریه اند که جوانان این ولایات برای تأمین هزینه های بلند طویانه ها به خارج از کشور سفر می نمایند. در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها 12391 نفر (89.40115٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) سفر جوانان به خارج از کشور به منظور فوق را تأیید و 1469 نفر (10.59885٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها)

مسئله فوق را رد کرده‌اند. در میان مؤیدین مسئله فوق؛ 6109 نفر (49.30191٪) آن سفر جوانی از خانواده شان به خارج از کشور را تأیید و 6282 نفر (50.69809٪) آن سفر جوانان خانواده‌های شان را رد کرده‌اند.

3. **پیامد های طویانه**: دیدگاه کل مصاحبه‌شونده‌ها پیرامون پیامدهای احتمالی طویانه‌های بلند با رعایت گزینه‌های مندرج پرسش‌نامه قرار جدول آتی، چنین است:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	خشونت‌های خانوادگی	9449	37.8005361
2	ارتکاب جرم	4472	17.8901468
3	رجوع به فساد اخلاقی	4110	16.441973
4	اعتیاد به مواد مخدر	4556	18.2261871
5	معلولیت جسمانی	964	3.85646278
6	پیوستن به گروپ‌های مخالف دولت	1429	5.716686
7	مشکلات دیگر	17	0.06800816

4. **دختران مجرد بزرگسال**: در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها 3722 نفر (26.85426٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) موجودیت دختران مجرد بزرگسال را در جامعه خویش تأیید و 10116 نفر (72.98701٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن را رد کرده‌اند. آنانیکه مورد فوق را تأیید کرده‌اند، گفته‌اند که؛ در خانواده‌های افغانستان بین 1 تا 8 نفر و بطور متوسط در هر خانواده 1.79 نفر دختر مجرد بزرگ‌سال وجود دارد.

ج: زنان بیوه و نان‌آور

1. **زنان بیوه**: زنان بیوه در کل مناطق افغانستان وجود دارد و در این قسمت در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها؛ 11766 نفر (84.89177٪) آن موجودیت زنان بیوه را تأیید و 2094 نفر (15.10823٪) آن مسئله فوق را رد کرده‌اند. در میان مؤیدین مسئله فوق، 3671 نفر (31.20007) آن موجودیت بیوه‌زنی را در خانواده خویش تأیید و 8095 نفر (68.79993٪) آن گفته اند که در خانواده‌های آنها زنان بیوه وجود ندارد و به اساس گفته های 3671 نفر فوق، تعداد زنان بیوه در خانواده‌های ایشان به 5665 نفر می‌رسد.

2. **زنان نان‌آور**:زنان زیادی اند که نان‌آور خانواده‌های خویش بوده و چنین تعهدانسانی را به دوش می‌کشند. در میان کل مصاحبه‌شونده‌ها، **٨٤٧٥** نفر (**٦١.١٤٧١٩**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن وجود زنان نان‌آور را در منطقه خویش تأیید و **٥٣٨٥** نفر (**٣٨.٨٥٢٨١**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن را رد کرده‌اند و در میان مؤیدین موضوع فوق؛ **٢٦١٥** نفر (**٣٠.٨٥٥٤٦**٪) آن موجودیت زن نان‌آور در خانواده‌های خویش را قبول و **٥٨٦٠** نفر (**٦٩.١٤٤٥٤**٪) آن را رد کرده‌اند. تعداد مجموعی زنان نانآور در خانواده‌های مصاحبه‌شونده‌ها به **٣٩٠١** نفر می‌رسد.

3. **زنان دهقان**: زنان افغان دوشادوش مردان شان در کارهای دهقانی سهم می‌گیرند و در میان کل **١٣٨٦٠** نفر مصاحبه‌شونده، **٨٣٢٧** نفر (**٦٠.٠٧٩٣٧**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) موجودیت زنان دهقان‌کار را منطقه خویش تأیید و **٥٥٣٣** نفر (**٣٩.٩٢٠٦٣**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن را رد کرده‌اند و در میان مؤیدین مسئله فوق؛ **٣٩٩٣** نفر (**٤٧.٩٢٣٦٧**٪) آن همکاری زنان خویش را در کارهای دهقانی قبول و **٤٣٣٩** نفر (**٥٢.٠٧٦٣٣**٪) آنرا رد نموده‌اند. به اساس گفته های مصاحبه‌شونده‌ها، تعداد زنان دهقان‌کار در هفت ولایت مورد نظر به **٦٥٣٢** نفر می‌رسد.

گفتار چهارم: خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان در سراسر افغانستان یک مشکل جدی بوده که هر روز شاهد بزه‌دیدگی تعداد زیادی از خواهران و مادران خویش هستیم.

الف: وضعیت و علل خشونت علیه زنان

۱. **اعمال خشونت علیه زنان و انواع آن**: اکثریت شهروندان هفت ولایات به این نظر اند که خشونت علیه زنان در منطاق ایشان اعمال نمی‌گردد و در میان **۱۳۸٦۰** نفر؛ **٥٧٦٤** نفر (**٤١.٥٨٧٣**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) اعمال خشونت علیه زنان را تأیید و **۸۰۹٦** نفر (**٥٨.٤١٢٧**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) آن اعمال خشونت‌های فوق را رد کرده‌اند. آنانیکه مؤید اعمال خشونت علیه زنان بودند، خشونت‌های مورد اعمال را چنین بیان کرده‌است:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	تجاوز جنسی	723	3.65668622
2	مجبور نمودن به فحشا	299	1.51223953
3	آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی	397	2.00788995
4	خشونت منجر به خودکشی	961	4.86040866
5	جراحت و معلولیت	467	2.36192596
6	لت و کوب	2610	13.2004855
7	خرید و فروش زن	538	2.72101962
8	بد دادن	771	3.89945377
9	نکاح اجباری	1199	6.06413109
10	ممانعت از ازدواج	949	4.79971677
11	نکاح زیر سن	1768	8.94193809
12	دشنام، تحقیر و ترسانیدن	1506	7.61683188
13	آزار و اذیت	1012	5.11834918
14	انزوای اجباری	501	2.5338863
15	اعتیاد اجباری	387	1.95731337
16	منع تصرف در ارث	759	3.83876189
17	منع تصرف در اموال	522	2.64009711
18	ممانعت از تحصیل	1229	6.21586081
19	ممانعت از کار	878	4.4406231
20	کار اجباری	778	3.93485737
21	ازدواج با بیش از یک زن	972	4.91604289
22	نفی قرابت	533	2.69573134
23	نوع دیگر	13	0.06574954

2. **افزایش اعمال خشونت علیه زنان و علل آن**: اکثریت شهروندان هفت ولایات (10567 نفر برابر با 76.24098٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این نظر است که میزان خشونت علیه زنان نسبت به سال‌های گذشته افزایش نیافته ولی عده‌ای

(3293 نفر برابر با 23.75902٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) هم مؤیید افزایش خشونت علیه زنان بوده و علل این افزایش را چنین تفکیک کرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	فقر اقتصادی	1704	28.2633936
2	بیکاری	1224	20.3018743
3	تکالیف روانی	542	8.98988224
4	فرهنگ مردسالاری	615	10.2006966
5	ازدواج های اجباری	538	8.92353624
6	مشکلات خانوادگی	872	14.4634268
7	فساد اخلاقی	523	8.67473876
8	علل دیگر	11	0.18245148

ب: نهادهای رسیدگی‌کننده خشونت و شریک‌سازی خشونت با نهادهای عدلی

۱. **آگاهی مردم پیرامون اداره رسیدگی‌کننده**: اکثریت شهروندان هفت ولایات (**۱۱۹۵۲** نفر برابر با **۸۶.۲۳۳۷۷**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باورند که آنها در مورد «نهاد رسیدگی‌کننده به خشونت علیه زنان» معلومات دارند و تعدادی هم (**۱۹۰۸** نفر برابر با **۱۳.۷۶۶۲۳**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) داشتن چنین معلوماتی را رد کرده‌اند. آنانیکه مؤید آگاهی در مورد «نهاد رسیدگی‌کننده خشونت علیه زنان»، نهادهای رسیدگی‌کننده به خشونت علیه زنان را چنین بیان کرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	قریه دار و ولسوالی	8627	36.5860899
2	پولیس	3179	13.4817642
3	مدیریت حقوق	1796	7.61662426
4	ریاست امور زنان	3283	13.9228159
5	دادستانی	1729	7.33248516
6	محکمه	3634	15.4113656
7	کمیسیون حقوق بشر	1253	5.31382528
8	مؤسسات جامعه مدنی	78	0.3307888
9	جای دیگر	1	0.00424088

2. **اعتماد زنان برای شریک‌سازی مشکلات با ادارت عدلی و قضایی**: اکثریت شهروندان ولایات مورد نظر (7123 نفر برابر با 51.3925٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باور اند که زنان در شریک‌سازی مشکلات خود با ادارات عدلی و قضایی (دولتی) علاقه و اعتماد ندارند و عده‌ای هم (6737 نفر برابر با 48.6075٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) علاقه و اعتماد زنان بر نهادهای عدلی و قضایی را تأیید نموده‌اند. آنانیکه بی‌علاقه‌گی و بی‌اعتمادی زنان را در شریک‌سازی مشکلات شان، تأیید نموده اند، علل این مسئله را در موارد ذیل دانسته‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	عدم‌پیگیری درست قضایا	2087	11.9489293
2	رفتار نادرست با زنان متضرر و آسیب‌پذیر	1272	7.28272071
3	فساد اداری	2428	13.9012939

4	توهین و تحقیر	1290	7.38577808
5	مجرم دانستن زنان	1840	10.5347532
6	عرف حاکم بر جامعه	3088	17.6800641
7	شرم زنان از مراجعه به دولت	3565	20.4110844
8	نبود کارمندان کافی زن در ادرات	1868	10.6950647
9	علل دیگر	28	0.16031146

ج: نقش مؤسسات جامعه مدنی در امر مبارزه با خشونت علیه زنان

1. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی برای مبارزه با خشونت علیه زنان:** اکثریت شهروندان ولایات مورد نظر (10128 نفر برابر با 73.07359٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باوراند که مؤسسات جامعه مدنی خدماتی را برای کاهش خشونت علیه زنان فراهم نکرده و عده‌ای دیگر (3732 نفر برابر با 26.92641٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) فراهم‌آوری خدمات توسط آن مؤسسات را تأیید نموده و خدمات آنها را چنین بیان نموده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	مشوره حقوقی رایگان	790	33.89103
2	وکالت دفاع رایگان	201	8.622909
3	پیگیری قضایا و دادخواهی	282	12.09781
4	فراهم آوری خانه های امن	259	11.11111
5	خدمات صحی و روانی	507	21.75032
6	آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب های احتمالی	291	12.48391
7	خدمات دیگر	1	0.0429

د: راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان

مصاحبه‌شونده‌ها با درنظرداشت واقعیت‌ها راهکارهایی را با درنظرداشت گزینه‌های پرسش‌نامه چنین انتخاب کرده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	آگاهی دینی - حقوقی از طریق مساجد	7168	22.5650066
2	آگاهی دینی - حقوقی از طریق دولت و مؤسسات	3684	11.5973053
3	کاهش نرخ طویانه های گزاف	5160	16.2437827
4	تعلیم و تربیه شهروندان	3813	12.0033999
5	باسواد ساختن اعضای جامعه	4893	15.4032613
6	شغل زایی	3310	10.4199459
7	بالا بردن سطح اقتصاد شهروندان	3711	11.6823018
8	خدمات دیگر	27	0.08499654

2. **خدمات مؤسسات جامعه مدنی دختران و زنان آسیب‌پذیر:** اکثریت شهروندان (12263 نفر برابر با 88.477763٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باور اند که مؤسسات جامعه مدنی خدماتی را برای دختران و زنان آسیب‌پذیر فراهم نکرده ولی عده‌ای هم (1597 نفر برابر با 11.52237٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) شاهد خدمات آن مؤسسات بوده و خدمات آنها را چنین بیان کرده اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	مشوره حقوقی رایگان	790	33.8910339
2	وکالت دفاع رایگان	201	8.62290862
3	پیگیری قضایا و دادخواهی	282	12.0978121
4	فراهم آوری خانه های امن	259	11.1111111
5	خدمات صحی و روانی	507	21.7503218
6	آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب های احتمالی	291	12.4839125
7	خدمات دیگر	1	0.04290004

3. **خدمات شوراهای انکشافی برای زنان و دختران آسیب‌پذیر:** اکثریت شهروندان (10527 نفر برابر با 75.95238٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) ولایات مورد نظر به این نظر اند که شوراهای انکشافی خدماتی را برای زنان و دختران آسیب‌پذیر مناطق شان رایه نشده ولی تعدادی از مردم (333 نفر برابر با 24.04762٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) خدمات آن شوراها را چشم‌گیر دانسته خدمات آنها را چنین می‌شمارند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	مشوره حقوقی رایگان	749	20.1344086
2	وکالت دفاع رایگان	260	6.98924731
3	پیگیری قضایا و دادخواهی	460	12.3655914
4	ارجاع قضیه به ارگان های دولتی	570	15.3225806
5	وساطت و میانجیگری	1038	27.9032258
6	آموزش زنان برای مصئونیت از آسیب های احتمالی	383	10.2956989
7	آموزش مردان برای رفع آسیب	260	6.98924731
8	خدمات دیگر	0	0

د: راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان

کل مصاحبه‌شونده‌ها راهکارهایی را برای مبارزه و کاهش خشونت علیه زنان با درنظرداشت گزینه‌های مندرج پرسش‌نامه پیشنهاد نموده‌اند که قرار ذیل می‌باشد:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	آگاهی دینی - حقوقی از طریق مساجد	7168	22.5650066
2	آگاهی دینی - حقوقی از طریق دولت و مؤسسات	3684	11.5973053
3	کاهش نرخ طویانه های گزاف	5160	16.2437827
4	تعلیم و تربیه شهروندان	3813	12.0033999
5	باسوادساختن اعضای جامعه	4893	15.4032613
6	شغل زایی	3310	10.4199459

7	بالا بردن سطح اقتصاد شهروندان	3711	11.6823018
8	راه های دیگر	27	0.08499654

گفتار پنجم: بهبود وضعیت زنان

الف: تغییر وضعیت زنان

اکثریت شهروندان افغانستان (**۱۲۸۱۲** نفر برابر با **۹۲.٤۳۸٦۷**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) به این باور اند که پس از سقوط طالبان و ایجاد حکومت جدید، تغییرات چشم‌گیری را در زندگی زنان شاهد بوده‌است و تعدادی هم (**۱۰٤۸** نفر برابر با **۷.٥٦۱۳۲۸**٪ کل مصاحبه‌شونده‌ها) منکر این تغییرات بوده‌اند. آنانیکه مؤیید تغییرات در زندگی زنان بوده‌اند، تغییرات به میان آمده را چنین نام برده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	رفتن دختران به مکتب	11571	51.1923196
2	کار کردن زنان در ادارات و دفاتر	5331	23.5853648
3	کاهش خشونت علیه زنان	5622	24.8728045
4	تغییرات دیگر	79	0.34951113

ب: سهم مؤسسات در بهبود نقش زنان

امروز مؤسسات جامعه بخش مهمی نهادهای اجتماعی را تشکیل می‌دهد که مصروف ارایه خدمات مختلف برای شهروندان افغانستان می‌باشند، اکثریت شهروندان مصاحبه‌شونده (**٦۱.۲٦۹۸٤**٪) شاهد تلاش‌های مؤسسات جامعه برای تجسم نقش حقوق زنان نبوده ولی تعدادی هم (**۳۸.۷۳۰۱٦**٪) شاهد تلاش‌های آن مؤسسات بوده اند. آنانیکه مؤید تلاش های مؤسسات جامعه مدنی در راستای تجسم نقش زنان بوده‌اند، خدمات آن مؤسسات را چنین بیان نموده‌اند:

شماره	گزینه	تعداد نظریات	فیصدی نظریات
1	راه اندازی کنفرانس‌های آگاهی‌دهی در مورد نقش زنان	2245	27.98554
2	راه اندازی برنامه های آموزشی حرفه ای برای زنان	2445	30.47868
3	استخدام زنان در دفاتر شان	2141	26.6891
4	حمایت و پاسداری از حقوق زنان	1185	14.77188
5	کارهای دیگر	6	0.074794

مبحث نهم: راهکارها

در این گفتار به بررسی راهکارها برای مبارزه با خشونت علیه زنان می پردازیم. قابل تذکر است که در این زمینه یک «مناظره پیرامون راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان» را در دفتر مؤسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان دایر نمودیم که در آن نماینده‌های از ریاست عدلیه ولایت بلخ، دادستانی اختصاصی منع خشونت علیه زنان ولایت بلخ، مؤسسه زنان برای زنان و انجمن مستقل وکلای مدافع حضور داشتند ولی تعدادی از مدعوین که قرار بود به نمایندگی از ریاست امور زنان، قوماندانی امنیه و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در این بحث حاضر می‌شدند، متأسفانه شرف حضور نیافتند.

گفتار اول: سفارش برای دولت

1. **بهبود وضعیت اقتصادی مردم:** طوریکه در بحث‌های قبلی به بررسی علل افزایش خشونت علیه زنان پرداختیم، مهم‌ترین علل افزایش خشونت‌ها را در «فقراقتصادی» و «بیکاری» دانسته‌اند. بنابرین دولت باید شغل‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی مردم را در اولویت‌های برنامه‌های ملی قرار دهد تا مردم با کارکردن و دریافت مزد مناسب و درخورتوجه معیشت زندگی، فکر آرام و زندگی آرام داشته باشند. این مسئله طبیعی است، وقتی مرد بیکار یا وضعیت اقتصادی وی خراب باشد، از لحاظ روانی وضعیتی خوبی نداشته و کوچکترین تقاضاهای مادی موجب خشم و عصبانیت او گردیده و نهایتاً منجر به اعمال خشونت علیه دختر، پسر و حتی خانم می‌گردد. از طرف دیگر تعداد زیادی از زنان بیوه و تعدادی هم دهقان‌کار اند و برای این منظور باید زمینه‌های کارهای حرفه‌ای برای زنان فراهم شود.
2. **ارتقاء سطح سواد در جامعه:** یکی از عوامل دیگر خشونت علیه زنان بیکاری ناآگاهی است که ریشه در بی‌سوادی دارد بنابرین دولت افغانستان باید در قسمت تأمین امنیت، افزایش مکاتب در تمام نقاط افغانستان و افزایش معلمین طبقات ذکور و اناث طبق جمعیت مکتبخوان در تمام افغانستان بپردازد. نتایج تحقیق‌های مختلف نشان‌دهنده این مسئله بوده که اشخاص باسواد و فهمیده وضعیت خانوادگی و اجتماعی را در حد توان درست درک کرده و به اعمال خشونت علیه زنان کمتر پرداخته اند. بنابرین، برای نهادینه شدن «احترام به حقوق همدیگر» باید میزان سواد در جامعه را افزایش داد.
3. **زدودن فرهنگ و عرف ناپسند در جامعه:** دولت افغانستان علاوه بر اینکه در قسمت آگاهی‌دهی، باسوادسازی اعضای جامعه و فعالیت‌های دیگر مصروف می‌باشد، باید طرح هایی برای زدون تدریجی فرهنگ و عرف و عادات ناپسند در جامعه هم داشته باشد تا این فرهنگ های خرافاتی قبح ذاتی خویش را در فرهنگ و ذهنیت مردم دریابد.
4. **گنجانیدن مطالب حقوق زنان و مردان در نصاب درسی** یکی از بهترین راهکارهای مبارزه با خشونت علیه زنان در این است که؛ دولت مسایل مربوط به حقوق و وجایب زنان و مردان را در قبال همدیگر و حتی حقوق اطفال در نصاب درسی مکاتب با دید مثبت درج شود تا مفاهیم حقوق زن، حقوق والدین، حقوق طفل و ... از همان مرحله ابتدایی در ذهنیت شهروندان جامعه نهادینه شود.
5. **سجل ازدواج‌ها:** یکی از بهترین راهکارها برای جلوگیری از ازدواج‌های زیرسن «سجل ازدواج» در محاکم می‌باشد. دولت افغانستان باید ثبت و سجل ازدواج‌ها را اجباری نموده و برای متخلفین جزای قانونی را پیشبینی نماید تا مردم حین ازدواج اوراق رسمی را طی مراحل نمایند که در این فرایند، سن ازدواج از طریق محاکم تشخیص و آنها می‌توانند در صورت مواجهه با موارد ازدواج‌های زیرسن، از آن جلوگیری نمایند. از طرف دیگر؛ برای شوراهای محلی و ملا امامان از طریق حج و اوقاف صلاحیت داده شود تا حین عقد ازدواج فورم‌های خاصی را خانه‌پری نمایند تا ثبت ازدواج بر مبنای آن صورت گیرد. یعنی به نحوی از انحا، بزرگان محل و منطقه باید در جریان موضوع باشند و از طرف دیگر وقتی چنین حضوری، خلق‌کننده مسئولیت باشد، همه آنها به سن ازدواج توجه خاصی انجام داده و نمی‌گذارند که مسئولیت متوجه شان شود.
6. **حاکمیت قانون:** گرچه قانون طویانه‌ها اخیراً از طرف پارلمان افغانستان تصویب شده، ولی ما نگرانی عدم تطبیق یکسان آن را داریم زیرا خیلی از قوانین به خصوص قوانین جزایی در افغانستان وجود دارد که به درستی تطبیق نمی‌شوند. بنابرین در قبال همه موارد دیگر؛ حاکمیت قانون هم نقش اساسی را در مهار خشونت علیه زنان داشته و اعتماد مردم را به نهاد های عدلی و قضایی فراهم می‌کند.

۷. **دخیل‌بودن شوراهای محلی و نهادهای دولتی در فرایند ازدواج:** اشتراک‌کننده‌های مناظره به این باور بودند که باید طرحی از جانب دولت ریخته شود تا بر اساس آن شوراهای محلی یا یک نهاد مشخص دولتی برای ثبت ازدواج و دخیل بودن در فرایند تعیین طویانه و مهر وجود داشته باشد. و این نهاد به فرایند ازدواج، محافل و مصارف آن نظارت داشته و از هرگونه اضافه‌خرچی، تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی بیش از حد جلوگیری به عمل آید.

۸. **وضع مالیات سنگین بر طویانه‌ها:** به نظر ما یکی از راهکارهای مهم دیگر برای کاهش طویانه بلند وضع «مالیات سنگین» بر طویانه‌ها و محافل عروسی می‌باشد. این امر به آن معنی است که؛ هر قدر مصارف عروسی بالا برود به همان اندازه از طریق شاروالی و نهادهای ذیربط، مالیات بر اساس یک طرزالعمل مشخص وضع شده و از آنها دریافت شود.

۹. **ترویج عروسی‌های دسته‌جمعی:** یکی دیگر از روش‌های رایج و مؤثر ترویج عروسی‌های دسته‌جمعی می‌باشد که چنین برنامه‌ها از طریق نهادهای مذهبی و به همکاری تجار و ثروتمندان دایر شود و از طرف دیگر برای چنین عرایس و دامان بعضی امتیازاتی فراهم شود مانند؛ دادن بعضی جهیزیه‌ها، دادن ازدواج‌نامه (نکاح‌خط) در محفل عروسی، دادن یک نقل فلم کامل عروسی، حضور رهبران مذهبی و اجتماعی، فراهم‌آوری برنامه‌های آموزشی زناشویی و خانوادگی و سایر موارد دیگر، به نحویکه همه شهروندان جامعه ازدواج در چنین محفلی را افتخار و سربلندی بدانند نه سرافگندگی و ناتوانی مالی.

۱۰. **تقویت بنیادهای اعتقادی:** علت افزایش طویانه‌ها «فرهنگ مادی‌گرایی» پدران و مادران و نهایتاً خانواده‌ها است و آنها می‌خواهند با دریافت مبالغ بلند، زندگی خود را آرام نموده و عروس و داماد را به گودال بدبختی و خشونت بفرستند. خوشبختانه دین مقدس اسلام توجه خاصی به مسایل معنوی داشته و زندگی پیامبر اسلام (ص) بهترین الگوی زندگی است، که باید همه ما از آن پیروی نماییم. وزارت ارشاد، حج و اوقاف و سایر نهادهای ذیربط باید مردم به پیروی بیشتر و بهتر سنت رسول خدا (ص) دعوت نموده و از این طریق «توکل مردم را نسبت خداوند (ج)» افزایش داده و چشم مردم از جیب داماد دور کنند.

۱۱. **مبارزه با فساداداری:** دولت افغانستان باید با فساداداری مبارزه جدی نماید، که حتی مؤسسات حین آغاز و تطبیق برنامه‌های خویش در مرکز و ولایات به تعلل و مشکل‌تراشی نهادهای ذیربط شده و در نتیجه مانع تطبیق پروژه‌ها با ناکام شدن آن می‌گردد.

گفتار دوم: سفارش برای تمویل‌کننده‌ها

۱. **پوشش ولسوالی‌ها و نقاط دوردست:** امروز اکثریت تمویل‌کننده‌ها برنامه‌هایی را حمایت مالی می‌نمایند که در مراکز شهرها یا ولسوالی‌های نزدیک راه‌اندازی می‌گردد ولی قسمت اعظم شهروندان کشور که همواره از فرصتها محروم بوده اند، باز هم محروم خواهند ماند. بنابرین از تمویل‌کننده‌ها خواهمشندیم تا ولسوالی‌ها و نقاط دوردست را در اولویت قرار دهند یا اینکه امتیازات بهتری برای تطبیق‌کننده‌ها، قایل شوند.

۲. **نظارت جدی از تطبیق پروژه‌ها:** بعضی مؤسسات پروژه‌های هنگفتی را از تمویل‌کننده‌ها دریافت ولی آن کارآیی و مؤثریتی که از تطبیق پروژه توقع می‌رود، تطبیق‌کننده قادر به رسیدن آن نبوده و در نهایت موجب صدمه رسیدن به ملت افغانستان و به‌هدر رفتن پول‌ها می‌گردد. بنابرین از تمام تمویل‌کننده‌ها خواهشمندیم تا در اعطاء و تطبیق پروژه‌های تمویلی خویش، نظارت جدی نموده و بر کارآیی و مؤثریت آن تأکید نمایند.

۳. **هم‌آهنگی با نهادهای ذیربط:** یکی از مواردی‌که نهادهای تمویل‌کننده حین تطبیق برنامه‌ها در نظر نمی‌گیرند هم‌آهنگی با نهاد دولتی و مستقل است که عملاً پروژه‌های موردتطبیق، تحت پوشش آنها قرار می‌گیرد. مثلاً طبق استراتیژی ملی آگاهی عامه حقوقی تمام نهادهای فعال در راستای آگاهی‌دهی حقوقی باید برنامه‌های خویشرا در کابل با وزارت عدلیه و در ولایات با ریاست‌های عدلیه شریک نموده و پس از موافقت آن‌ها تطبیق نمایند. این در حالیست که بعضی تمویل‌کننده‌ها شاید از چنین استراتیژی‌هایی خبر نداشته باشند و در هم‌آهنگی با وزارت یا ریاست عدلیه قرار نداشته باشند.

گفتار سوم: سفارش برای مؤسسات جامعه مدنی

۱. **توسعه فعالیت مؤسسات به ولسوالی‌ها:** ما به این نظر هستیم که فعالیت‌های مؤسسات از سطح مراکز ولایت و ولایات نزدیک به ولایات دوردست و ولسوالی توسعه یابد و برای تطبیق چنین امری باید دولت افغانستان به خصوص وزارت اقتصاد پلانی را طرح کنند که کدام برنامه‌ها در کدام مناطق تطبیق شود و تلاش کنند که سمت پروژه ها را به ولسوالی ها سوق دهند. از جانب دیگر دولت افغانستان باید، هم‌آهنگی درستی با نهادهای تمویل‌کننده داشته باشند تا پروژه و برنامه‌ها در کجا تطبیق می‌شود.

۲. **تقویت تعهد و تخصص:** باوجودی‌که امروز مؤسسات زیادی در زمینه حقوق زنان، ازدواج‌های اجباری و قبل از وقت، حاکمیت قانون، حقوق بشر، حقوق زنان و سایر موضوعات مهم اجتماعی برنامه‌هایی را دایر می‌نمایند ویا از نهادهای تمویل‌کننده پروژه دریافت می نمایند ولی گاهی مجریان برنامه‌ها از تخصص کافی برخوردار نبوده یا اینکه فقط بودجه دریافت می‌کنند و به‌آنچه انجام می‌دهند، تعهد ندارند. بنابرین، مؤسسات در جهت تقویت اساسات فوق، تلاش جدی به خرچ دهند.

۳. **هم‌آهنگی با ارگانهای دولتی:** عین موضوعی که در فوق در قسمت هم‌آهنگی تمویل‌کننده‌ها با ادارت دولتی یاد کردیم، در مؤسسات نیز جاری است. بنابرین، مؤسسات در ابتداء باید پروژه‌های خویش را با تمام ذیربط شریک نموده و حتی می‌توانند از کمک و مشوره‌های آن‌ها در تطبیق برنامه مستفید شوند.

گفتار چهارم: سفارش برای همه

۱. **راه‌اندازی سروی ملی:** در ابتدا باید یک برنامه سروی ملی برای سنجش نیازهای آگاهی حقوقی شهروندان در تمام ولایات و ولسوالی‌های افغانستان راه اندازی گردد تا نیازهای هر منطقه و هر ولایت به درستی تشخیص شده و مطابق آن، برنامه‌های آگاهی‌دهی حقوقی مورد نیاز از طرق مؤثر راه‌اندازی شود. زیرا نیازهای شهروندان از یک ولایت تا ولایت دیگر، از ولسوالی تا ولسوالی دیگر و حتی از قریه تا قریه دیگر متفاوت است.

۲. **هم‌آهنگی میان دولت و مؤسسات:** ستراتیژی ملی آگاهی‌عامه حقوقی بیانگر این است که باید تمام نهادهای دولتی و غیردولتی برنامه‌های آگاهی‌حقوقی خویش را با وزارت عدلیه هم‌آهنگ نموده و بعداً راه‌اندازی نمایند. گرچه وزارت عدلیه در سطح کابل و ولایات مهم، کنفرانس‌های هم‌آهنگی آگاهی‌حقوقی را راه‌اندازی نموده ولی هنوز هم مؤسسات و بعضی نهادهای دولتی برنامه‌های آگاهی‌حقوقی خویش را بدون هم‌آهنگی وزارت یا ریاست‌های عدلیه ولایات را تطبیق کرده اند که بعضی اوقات موجب دوباره‌کاری و گاهی هم مورد نیاز مردم نبوده است. بنابرین؛ در این قسمت توجه بیشتر دونرها و نهادهای دولتی به این مسلئه جلب شود تا برنامه‌های آگاهی‌حقوقی طبق یک پلان کلی راه‌اندازی شود تا مؤثریت لازم را داشته باشد.

۳. **ارتقاء ظرفیت حقوقی شوراها:** یکی دیگر از نهادهای مؤثر برای آگاهی‌دهی حقوقی شهروندان شوراهای محلی در ولسوالی‌ها می‌باشد زیرا

این شوراها متشکل از ملاامامان، متنفذین و اشخاص تحصیل‌کرده بوده و مردم به حرف‌های آنها توجه بیشتری مبذول می‌نمایند. دولت و مؤسسات باید برای ارتقاء ظرفیت این شوراها و بهبود نقش مؤسسات در تأمین عدالت و به ویژه آگاهی‌حقوقی تلاش‌های جدی را به خرچ دهند.

٤. **توسعه فعالیت دولت و مؤسسات در سطح ولسوالی ها:** یکی از خلاء های برنامه های دولت و مؤسسات در این است که؛ آنها بیشتر علاقه‌مند تطبیق برنامه ها در سطح مراکز ولایات و ولسوالی‌های نزدیک به شهر و امن، بوده و برای ولسوالی‌های دوردست و حتی ولایات دوردست توجه خاصی ندارند. بنابرین از دولت افغانستان، مؤسسات و نهادهای تمویل‌کننده تقاضا به عمل می‌آید تا برنامه های حقوقی خویش را در سطح ولایات دوردست و ولسوالی‌ها توسعه دهند تا همه شهروندان از خدمات این مؤسسات مستفید گردند.

٥. **هم آهنگی نهادهای مذهبی و رسانه ها:** گرچه رسانه های جمعی و همگانی نقش بسیار مهمی در پیام‌رسانی به مردم و تأثیر خاصی بر ذهنیت عامه داشته ولی به علت گرایش بیشتر مردم به نهادهای مذهبی و نفوذ و تأثیر قابل‌ملاحظه نهادهای مذهبی بر مردم کشور، باید قسمت اعظم برنامه ها از طریق نهادهای دولتی و مؤسسات و نهادهای مذهبی با رعایت شرع و قوانین نافذه کشور، پیش برده شود. قابل تذکر است که باید دولت برنامه های ظرفیت‌سازی را برای ملا امامان مساجد دایر نماید تا در زمینه به درستی در زمینه مسایل شرعی آگاهی داشته باشند، بخاطریکه تعدادی از ملا امامان مساجد حتی باورمند به حقوق زنان نیستند.

...وَأَحْسِنُوَاْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

... و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد

(آیه 195/ البقره)

Funded by

TAWANMANDI
Strengthening Civil Society in Afghanistan

ADWRO
TAWANMANDI PROJECT

ADWRO

INITIATIVE TO MEASURE RANGE OF VIOLENCE AGAINST WOMEN

DONATED BY: TAWANMANDI
IMPLEMENTED BY: ADWRO (Assitance to Defend Women Rights Organization)

موسسه معاونت دفاع از حقوق زنان

۱- دیدگاه : موسسه معاونت برای دفاع از حقوق زنان در نظر دارد تا یك نهاد موثر و فراگیر برا دفاع زنان در افغانستان باشد.

۲- ماموریت : فراهم آوری تغیرات مثبت در زنده گی زنان از طریق ارایه برنامه های آگاهی دهی حقوقی ء ارتقا ظرفیت و حمایت حقوقی.

۳- ارزشهای اساسی : موسسه معاونت برا دفاع از حقوق زنان به ارزشهای مسولیت پذیری، صداقت ، شفافیت و حسابدهی متعهد است.

INITIATIVE TO MEASURE RANGE OF VIOLENCE AGAINST WOMEN

www.adwro.af

توانمندی

تقویه جامعه مدنی در افغانستان